

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنی های ازدواج سالم

بهار ۱۳۹۶

سرشناسه : تبرائی، رامین، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور : دانستنی‌های ازدواج سالم/ تهیه و تدوین رامین تبرایی، احمد مبلغی،
فاضل حسامی؛ طراحی و تنظیم نوید شریفی.
مشخصات نشر : تهران: پارسای سلامت، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.: مصور(رنگی).
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۰۱-۸-۷-۷
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : همسرگزینی
موضوع : Mate selection
موضوع : مشاوره ازدواج
موضوع : Marriage counseling
شناسه افزوده : مبلغی، احمد، ۱۳۳۸-
شناسه افزوده : حسامی، فاضل، ۱۳۴۱ -
شناسه افزوده : شریفی، نوید، ۱۳۵۸ - تنظیم‌کننده
رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ۲۲۵/ت۸۰۱/HQ
رده بندی دیویی : ۶۴۶/۷۷
شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۳۹۳۳۵



دانستنی‌های ازدواج سالم

تهیه و تدوین: رامین تبرایی، احمد مبلغی، فاضل حسامی

طراحی و تنظیم: نوید شریفی

ناشر: پارسای سلامت

نوبت چاپ: دوم-۱۳۹۶

لیتوگرافی و چاپ: نقش رنگ خجستگان

شمارگان: ۱۰,۰۰۰ جلد

به سفارش: دفتر آموزش و ارتقای سلامت

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۰۱-۸-۷-۷

© کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

تلفن: ۴۴۲۶۰۹۲۲ فکس: ۴۴۲۱۰۲۶۹


parsahealth@gmail.com

ناظران علمی:

دکتر رامین تیرایی؛
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد مبلغی؛
حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاضل حسامی؛
دکتر محمد اسماعیل مطلق؛
حجت الاسلام و المسلمین حبیب اله یوسفی؛
دکتر شهرام رفیعی فر؛
دکتر محمد اسلامی.

همکاران:

دکتر مینوالسادات محمود عربی، دکتر گلایل اردلان،
دکتر منوچهر زینلی، نسرین کیانپور، لیلا رجایی،
دکتر جنیدی، دکتر جلیل دوروزی، مهری سرتیپ زاده،
دکتر مناسادات اردستانی، نجیبه بنیادی.



۷	پیش‌گفتار
۹	مقدمه
۷۹	منابع

فصل اول ۱۱
اهمیت ازدواج ۱۱
فصل دوم ۱۲
موانع تزویج ازدواج ۱۲

بخش اول:
کلیات
صفحه: ۱۰

بخش دوم:
پیش‌نیازهای
ازدواج

صفحه: ۱۹

بخش سوم:
خواستگاری و
مسایل مرتبط

صفحه: ۴۶

بخش چهارم:
مراسم عروسی

صفحه: ۶۳

فصل اول ۲۰
شناخت‌های ضروری پیش از ازدواج ۲۰

- الف. خودشناسی ۲۰
 - ب. کسب شناخت درباره نقش خود و همسر ۲۴
 - ۱- شناخت‌های مرتبط با همسر ۲۵
 - ۲- شناخت تفاوت‌های زن و مرد ۲۵
- شناخت کامل نسبت به مسأله ازدواج: ۲۹

فصل دوم ۳۰
باورهای نادرست درباره ازدواج ۳۰

- فصل سوم ۳۳
انگیزه‌های نامناسب برای ازدواج ۳۳
- فصل چهارم ۴۲
لزوم فوریت ازدواج ۴۲

فصل اول ۴۵
آشنایی ۴۵

- فصل دوم ۵۱
گفتگو و روش‌های مربوطه ۵۱
- فصل سوم ۱۵
تحقیق درباره فرد مقابل ۱۵

- فصل چهارم ۶۲
معیارهای انتخاب همسر ۶۲
- الف) معیارهای اصلی انتخاب همسر ۶۲
- ب) معیارهای فرعی انتخاب همسر ۶۴

برگزاری مراسم و تشریفات ازدواج ۷۴
آموزش پیش از ازدواج ۷۶

پیش‌گفتار:

انتخاب همسر از مهم‌ترین تصمیمات در زندگی انسان است. تشکیل خانواده سالم، متعادل و پایدار مانند هر امر مهم دیگری، به تفکر منطقی، تلاش و کوشش نیازمند است. جوان باید بر اساس معیارهای اصولی و منطقی، همسر آینده خود را انتخاب نماید و ازدواج تنها راه مشروع و سالم تشکیل خانواده است. بهار ازدواج، دوران جوانی است. در این دوران فرد با شور و نشاط خاصی روبه‌رو است و آمادگی ساختن فردای بهتری را برای خود و خانواده‌اش دارد.

ازدواج سالم زمینه‌ساز ارتباطات اجتماعی مناسب و به‌هنگار است و افرادی که ازدواج می‌کنند، از نظر احساسی سالم‌ترند و کمتر قربانی خشونت‌های گوناگون اجتماعی می‌شوند. لازم به ذکر است که علاوه بر موارد یاد شده، آرامش و اعتماد به نفس بیشتری نیز در این افراد دیده می‌شود و تعهد و احساس مسوولیت بیشتری نسبت به افراد مجرد دارند.

چند سالی است که در کشورمان شاهد تاخیر در ازدواج در بین جوانان هستیم. از عواملی که موجب این امر شده‌اند، می‌توان به تغییر در باورها و الگوهای فکری، بعضی از مشکلات اقتصادی و عدم حمایت مکفی والدین اشاره نمود.

یکی از مهم‌ترین حقوقی که والدین در قبال فرزندان جوان خود دارند: ساماندهی امر ازدواج ایشان است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند: «از جمله حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اسم خوب برای او انتخاب کند، سواد به او بیاموزد و هر گاه به سن بلوغ رسید، او را همسر دهد».

این کتاب، به‌منظور توانمندسازی جوانان برای انتخاب شریک زندگی مناسب، با همکاری و همراهی اساتید فن، تدوین شده است. امیدواریم بتوانیم گامی هر چند کوچک، در ارتقای آگاهی جوانان کشورمان، در زمینه ازدواج سالم، برداریم.

دکتر محمد اسماعیل مطلق

مدیرکل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس



در آموزه‌های اسلامی، اهمیت ازدواج از دو منظر منافع فردی و مصالح اجتماعی قابل بررسی است. اهمیت ازدواج در دین مبین اسلام تا آن اندازه بالا است که در قرآن کریم از همسران به عنوان زیبایی برای یکدیگر و مایه آرامش یاد می‌کند. همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «هیچ بنایی در اسلام نیست که دوست داشتنی‌تر از بنای ازدواج باشد.» همچنین در روایات متعددی، عبادت افراد متأهل را برتر از عبادت افراد غیرمتأهل برشمرده است. چنانکه امام صادق (ع) فرموده است: «دو رکعت نمازی که انسان متأهل می‌خواند، ثوابش بیشتر از هفتاد رکعتی است که انسان مجرد می‌خواند.»

مقدمه

ازدواج فرآیندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند، مراسمی را برای برگزاری زناشویی خود به پا داشته‌اند و عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار گرفته است (ساروخانی، ۱۳۷۰).

تأکید دین اسلام بر ازدواج به‌منظور دستیابی به آرامش^(۱) احتمالاً اصلی‌ترین هدف است، اما برخی اهداف دیگر همچون بقای نسل^(۲) و دستیابی به کمالات انسانی نیز از موارد مهم آن به شمار می‌آید. با پیچیده شدن ساختار اجتماع و تغییر اساسی در ماهیت روابط اجتماعی و بین فردی، دستیابی به ابعاد پنهان شخصیت افراد بسیار دشوار شده است.

نسل کنونی با توقعات کاذب و روزافزونی نیز روبه‌رو است که گاهی وسوسه‌انگیز بوده و هرگز در یک زندگی واقعی مجالی برای تحقق نمی‌یابد.

ظاهراً این قصد و مطالبه هنوز از سوی برخی چندان جدی تلقی نشده است. به همین دلیل، نسل جدید اکنون خود درصدد به‌کارگیری و آزمون روش‌های جدید، برای ازدواجی پایدارتر و رضایت‌مندانه است. روش‌شناسی مستقیم و احیاناً دوستی دختر و پسر روشی است که نسل جوان آن را برگزیده و در حال آزمودن آن است.

در حالی که جوانان به دلیل اعتقاد به کاستی‌های متعدد در همسرگزینی سنتی، ترجیح می‌دهند از آن فاصله بگیرند، با سوالات جدید دیگری روبه‌رو می‌شوند، که پاسخ هر یک از آنها نیاز به سازوکارهای جدید و مدرن‌تر دارد. در چنین شرایطی درک نامناسب از شرایط جدید، ما را همچنان به سمت بهره‌گیری نادرست از ابزارهای سنتی «ریش سفیدی و کدخدامنشی به جای مشاوره تخصصی»، و مانند آن فرا می‌خواند.

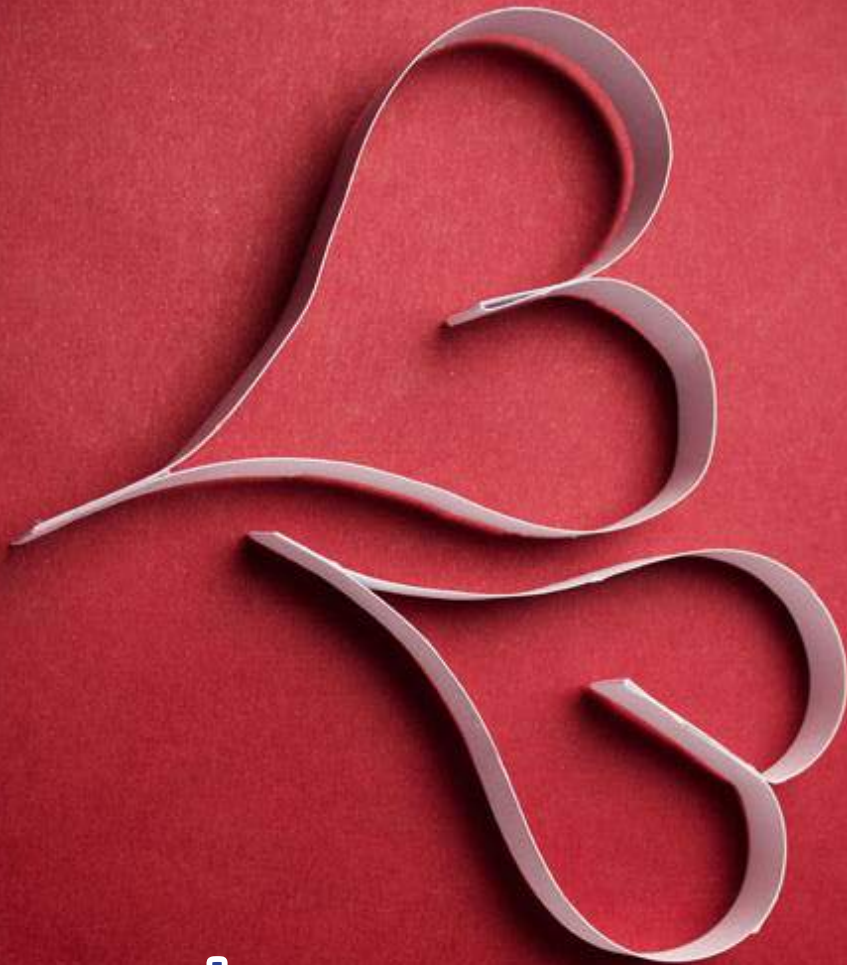
کتاب حاضر محصول بررسی‌های علمی شمار زیادی از مشاوره‌های ازدواج، خانواده‌درمانی و برگرفته از تجارب بررسی‌های آسیب‌شناسانه پدیده ازدواج است. این کتاب فارغ از هرگونه توصیف، تنها به دنبال مهارت‌آموزی درباره فرایند همسرگزینی است و از این نظر جنبه کاربردی آن بر هر نوشتار موجود دیگر در این زمینه غلبه دارد. این نوشتار تنها به عنوان یک راهنما برای اداره نمودن روند همسرگزینی خواهد بود.

در واقع، ضرورت در دسترس بودن یک کتاب جامع برای جوانان و ایجاد وحدت رویه نسبی، ما را به تدوین این اثر واداشته است.

در آموزه‌های اسلامی، اهمیت ازدواج از دو منظر منافع فردی و مصالح اجتماعی قابل بررسی است. اهمیت ازدواج در دین مبین اسلام تا آن اندازه بالا است که در قرآن کریم از همسران به عنوان زیبایی برای یکدیگر و مایه آرامش یاد می‌کند. همچنین پیامبر گرامی اسلام^(ص) می‌فرماید: «هیچ بنایی در اسلام نیست که دوست داشتنی‌تر از بنای ازدواج باشد.» همچنین در روایات متعددی، عبادت افراد متأهل را برتر از عبادت افراد غیرمتأهل برشمرده است. چنانکه امام صادق^(ع) فرموده است: «دو رکعت نمازی که انسان متأهل می‌خواند، ثوابش بیشتر از هفتاد رکعتی است که انسان مجرد می‌خواند.»

۱. و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها... (سوره روم: ۲۱).

۲. (مصحح البیضاء، ج ۳، ص ۵۳؛ اخرجه البیهقی فی السنن، ج ۷، ص ۷۸).



بفشا ا

کلمات
ب

فصل ۱

اهمیت ازدواج

ازدواج مناسب‌ترین زمینه برای تأمین نیازهای روانی، عاطفی^(۴) و جنسی جوانان است و همین امر موجب سلامت دینی و اخلاقی جوانان خواهد شد. به همین دلیل رسول خدا^(ص) در روایتی می‌فرماید: «هر کس که ازدواج کرد، نصف دینش را حفظ کرده است.»^(۵) و باز در روایتی خطاب به جوانان فرمودند: «ای گروه جوانان! هر یک از شما که می‌تواند ازدواج کند، در این باره اقدام نماید؛ زیرا به وسیله ازدواج می‌توان چشم و دامن را از گناه بازداشت.»



بلوغ و درخواست خودکفایی و استقلال از سوی جوانان است تا با تحقق مسوولیت‌پذیری جدید، راه تکامل و تعالی را ببینند. تنها در این صورت است که فرد می‌تواند برنامه‌های اختصاصی خود را مستقل از والدین به گونه‌ای سالم و مطمئن به اجرا درآورد و به احساس لیاقت، شایستگی و اعتمادبه‌نفس بیشتری دست یابد. همچنین پژوهش‌ها و تجارب متعددی نشان‌دهنده آن است که مجرد زیستن، زمینه را برای ابتلا به انواع اختلالات روانی و بیماری‌های جسمانی فراهم می‌کند. در مقابل، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سلامت جسمانی و روانی افراد متأهل بیشتر است و عموماً عمر طولانی‌تر و وضعیت اقتصادی بهتری دارند (پاپالیا و اولدز ۱۹۹۵^(۹)؛ دینر و همکاران ۱۹۹۱^(۱۰)؛ آرگایل ۲۰۰۰^(۱۱))؛ وایت و کلاگر ۲۰۰۰^(۱۲)).

ازدواج تنها راه مطمئن و مشروع برای بقا و تربیت نسل صالح^(۶) و شکل‌گیری جامعه سالم است و با ارضای مشروع غریزه جنسی از مسیری سالم و پاک، مانع گسترش فساد در اجتماع بوده و از این نظر نقشی مهم را در سلامت و امنیت جامعه^(۷) نیز ایفا می‌کند. به همین دلیل است که پیامبر مکرم اسلام افراد را از سخت‌گیری در ازدواج نهی کرده و فرموده‌اند: «وقتی کسی به خواستگاری می‌آید و اخلاق و دین او مایه رضایت است، به او زن دهید که اگر چنین نکنید، فتنه و فساد زمین را پر خواهد کرد»^(۸). ازدواج همچنین راهی برای اعلام

بَيْنَ وَحَفْدَةً؛ ترجمه: و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسران‌تان برای شما پسران و نوادگانی نهاد (سوره نحل، آیه ۷۲).

۷. شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۰-۹. صحیح بخاری- ج ۵- ص ۱۹۵۰.
۸. نهج الفصاحه، حدیث ۲۴۷.

9. Papalia, Diane E., and Sally Wendkos Olds

10. Diener, Ed, Sandvik, William Pavot, and Dennis Gallagher,

11. Argyle, Michael

12. Waite, Linda, and Maggie Gallagher

۱. هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ؛ ترجمه: آنها پوششی برای شما هستند و شما پوششی برای آنها هستید. (سوره بقره، آیه ۱۸۷).

۲. شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.

۳. شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶.

۴. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ ترجمه: و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد (سوره روم، آیه ۲۱).

۵. شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵.

۶. وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ

فصل ۲

موانع ترویج ازدواج

موانع ازدواج به دسته‌ای از عوامل گفته می‌شود که ازدواج را به تأخیر می‌اندازند. برخی از این موانع عبارتند از:

۱ - موانع اقتصادی و تنگدستی

آنکه پیامبر گرامی، ازدواج را به عنوان یکی از عوامل ثروتمندی و گشایش روزی برشمرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «ازدواج کنید، به درستی که این کار روزی شما را بیشتر می‌کند»^(۳). فردی که ازدواج می‌کند، عزم خود را برای تأمین معیشت جزم می‌کند، منابع مالی و همین‌طور وقت خود را هدر نمی‌دهد، چرا که می‌داند باید در وقت و مال صرفه‌جویی کرده تا هرچه سریع‌تر به زندگی مشترک خود سامان بخشد. به همین دلیل است که در روایات می‌فرماید: «ازدواج کنید، زیرا زنان برای شما ثروت می‌آورند»^(۴). البته معنای روایت وسیع‌تر از این است و خداوند اسبابی معنوی و غیبی را برای ازدواج مؤمنین گسیل می‌دارد و فرد را بی‌یاور نخواهد گذاشت.

روشن است که چنانچه فردی واقعاً فقیر مطلق بوده و قادر به تأمین نفقه نیست، عذر او برای به تأخیر انداختن ازدواج موجه است و قرآن در این خصوص امر به عفت‌ورزی نموده است^(۱)، اما واقعیت این است که چنین وضعیتی در موارد کمتری وجود دارد و گاهی اظهار عجز و ناتوانی‌ها به معیارهایی متوقعانه باز می‌گردند. در نتیجه ما اغلب دچار فقر و تنگدستی ناتوان‌کننده نیستیم، بلکه ترس از فقر و تنگدستی در ما موج می‌زند و این دو موضوع کاملاً متمایز و متفاوت از یکدیگر هستند. باید به خاطر داشته باشیم که خداوند وعده داده است که اگر در راه ازدواج^(۲) دچار فقر هستید، من شما را بی‌نیاز خواهیم ساخت و محال است که خداوند خلف وعده نماید. جالب‌تر

۱. و لَيْسَتَغْفِيَنَّ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ ترجمه: کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند (نور: ۳۳).
 ۲. وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ
 ۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹.
 ۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۷۴.

۱. و لَيْسَتَغْفِيَنَّ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ ترجمه: کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند (نور: ۳۳).
 ۲. وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ
 ۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹.
 ۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۷۴.



۲- موانع اجتماعی

مهریه به عنوان هدیه‌ای است که مرد برای زن در نظر می‌گیرد و نه بهای زن به عنوان یک «کالا». متأسفانه گاهی جلسات تعیین مهریه، به یک جلسه چانه‌زنی برای تعیین قیمت کالا مبدل می‌شود و همین امر مایه توهین نسبت به مقام زن خواهد بود. در دین اسلام بر پرداخت مهریه تأکید شده است تا بر شأن و مقام زن تأکید شود^(۱)، اما برترین زنان، کم مهریه‌ترین آنان معرفی شده است^(۲). جالب آن است که آیه فوق فرهنگ مناسبی را توصیه می‌کند که مرد برای احترام به زن، مهریه مناسبی را در نظر بگیرد و متقابلاً زن [پس از حصول اطمینان از شکل‌گیری مهر و محبت بیشتر] بخشی از آن را ببخشد و خداوند آن را برای مرد حلال و گوارا می‌شمرد.

دو باور غلط در ذهن بعضی شکل گرفته «مهریه سنگین نشانه ارزشمندی زن خواهد بود» و «مهریه سنگین عاملی برای مهار بد رفتاری مرد یا هوس‌بازی او خواهد بود». این باورها نادرست هستند.

در این زمینه، توجه به اخلاق و تقوای افراد مهم است که در روایات قرآن بر آن تأکید شده است. برعکس، مهریه سنگین می‌تواند مایه کینه‌توزی را در مردان فراهم آورد؛ به ویژه اگر در توانش نباشد که آن را بپردازد، همیشه احساس می‌کند که یک اهرم

فشار به جای اهرم محبت در زندگی مشترک او را به پیش می‌راند. توصیه به مهریه‌های بسیار ناچیز نیز ممکن است برای برخی نگران‌کننده باشد که البته بهتر است در این زمینه میان‌روی اتخاذ شود. لازم به ذکر است که غلو در مطالبه مهریه در فرهنگ اسلامی نهی شده است^(۳).

اگر مردی ارزشمند است و به او اطمینان بالایی دارید، همین امر به عنوان ضامن پایداری ازدواج محسوب می‌شود و بهتر است درباره او سخت‌گیری نکنید و اگر نمی‌توانید اطمینان پیدا کنید، افزایش در میزان مهریه هم نخواهد توانست چنین اطمینانی را فراهم آورد.

در واقع، بسیار جای تعجب است که اگر به فردی از لحاظ سلامت دینی، اخلاقی و روانی اطمینان نداریم، چگونه جرأت می‌کنیم اقدامات بعدی را انجام دهیم و از اهرم جایگزینی به نام مهریه برای پایداری زندگی مشترک لرزان استفاده کنیم؟

۲. اعظم النساء برکه ایسرهن صداقاً؛ ترجمه: پر برکت‌ترین زنان، کم مهریه‌ترین آنها است (کافی، ج ۵، ص ۳۴۴، ج ۲).
 ۳. لا تغالوا بمهور النساء؛ در مهریه‌های زنان زیاده‌روی نکنید (المجازات النبویه: ص ۱۷۷).

۱. وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا؛ ترجمه: مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید (سوره نساء: آیه ۴).

در این رابطه به چند توصیه توجه فرمایید:

۱ بسنده کردن به یک میهمانی بدون ولیمه و شام و در صورت توان مالی اندک، برگزاری میهمانی مختصر شام در منزل با تعدادی از افراد ضروری برای افرادی که واقعاً بضاعت مالی ندارند.

۲ استفاده از برخی اماکن مذهبی مانند حسینیه‌ها و سالن‌های مساجد و یا سالن‌های عمومی شهر برای برگزاری مجالس جشن عقد و عروسی.

۳ برخی از زوجین در نتیجه یک توافق، صرفاً با یک مسافرت مختصر به شهرهای زیارتی مانند مشهد از برگزاری مجلس جشن منصرف می‌شوند و زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند.

۴ مراجعه به برخی مراکز خیریه و بانیان خیری که در این زمینه فعالیت می‌کنند نیز می‌تواند کمک مناسبی در این زمینه تلقی گردد.



۳- تشریفات زاید

یکی دیگر از موانع جدی ازدواج وجود تشریفات نابه‌جا است که گاه از مخارج چندین سال زندگی زناشویی سنگین‌تر و بیشتر است. می‌توان با برگزاری مجالس هر چه ساده‌تر از این مرحله گذار که ثمره‌ای برای زندگی مشترک ندارد، عبور کرد. گاهی همین مرحله چنان پر اهمیت می‌شود که تنش‌ها و اختلاف نظرهای شدیدی را برای یک عمر زندگی مشترک بر جای می‌گذارد یا منجر به فروپاشی آن می‌شود. اغلب افراد جامعه اذعان دارند که این فرهنگ و لخرجی در شب عروسی ناروا و نامعقول است؛ اما گویا همه منتظر هستند تا پس از اصلاح فرهنگ جامعه، آنها رسوا نشوند. این در حالی است که فرهنگ جامعه در دستان هر یک از ما است و باید اصلاح کار را از خود آغاز کنیم. رسول گرامی (صلی‌الله) می‌فرمایند: «پسر برکت‌ترین ازدواج، کم هزینه‌ترین آنهاست»^(۱).

۵- موانع شخصی

برخی از دختران و پسران ادامه تحصیل را بهانه‌ای برای به تأخیر انداختن ازدواج می‌دانند. البته تعداد زیادی از دانشجویان که به ازدواج نیاز دارند، یا به شدت تحت فشار گزینه جنسی قرار دارند، بدون ازدواج هم درگیر افکار و تمایلات خاصی هستند که به نوبه خود مانع از تمرکز برای پرداختن به تحصیل است و گاهی نیز آنها را به انحرافات و مفاسد اخلاقی وامی‌دارد. این افراد گاهی نشاط و شادابی لازم را برای زندگی مشترک در سنین بالا نخواهند داشت.

۱ در هر دوره‌ای جوانان بیشتر با تکیه بر والدین به ازدواج اقدام می‌کرده‌اند. در قدیم‌الایام هم پدران معمولاً اتاق یا خانه‌ای را در اختیار پسر قرار می‌دادند و در زمان حاضر هم بسیاری از والدین خانه و بخشی از هزینه زندگی مشترک زوجین دانشجویان را فراهم می‌کنند و البته پسر هم سعی به اشتغال در یک کار نیمه وقت دارد تا از یک سو عزت نفس و از سویی دیگر اعتبارش را نزد همسرش حفظ نماید. حال این که گاهی شاهد هستیم که طی توافق در ابتدای ازدواج، خانواده دختر هم هزینه تحصیل دخترشان را بر عهده گرفته‌اند و این کمک خوبی است که دانشجویان بتوانند زودتر ازدواج کنند.

۲ در زمینه تهیه منزل هم گاهی دانشگاه خوابگاه‌های متأهلی را در نظر می‌گیرد که می‌توان از آنها بهره جست و با امکانات حداقلی برای یک زندگی دانشجویی تشکیل خانواده داد. همچنین در بیشتر موارد می‌توان ازدواج را در مرحله عقد نگاه داشت و همین امر می‌تواند برای جوان آرامش روانی کامل را فراهم آورد و نیاز جنسی را به طور نسبی تامین کند تا پس از حصول فرصت، مراحل را کامل و ازدواج کند. در این صورت دختر در خانه پدر خود می‌ماند و مخارجش بر عهده پدر است یا به همراه پسر دانشجوی در خوابگاه متأهلی موقتاً زندگی می‌کند تا بعداً وارد زندگی رسمی خود شود. در این صورت، با ایجاد آرامش در فرد، امکان بهره‌برداری بیشتر علمی و تحصیلی در وی فراهم و برای برگزاری مراسم ازدواج در یک فرصت مناسب و با فاصله مناسب از مقاطع حساس مانند ایام آزمون‌ها برگزار خواهد شد.

۴- تجمل‌گرایی در جهیزیه



برخی از دختران در اندیشه تهیه جهیزیه مفصل و اسباب با برندهای تجاری مشهور، برای سالیان متمادی پذیرش خواستگاران را به تعویق می‌اندازند. در مقابل برخی پسران نیز غرق در این اندیشه هستند که باید وسایل زندگی مشترک، از بهترین و مشهورترین آن فراهم گردد تا بتوان به ازدواج و خواستگاری اقدام کرد.

امام صادق فرمودند: «پیامبر خدا فاطمه را در حالی به خانه علی فرستاد که پوشش آن بانو، یک چادر بود و بسترش پوست یک قوچ و بالینش چرمی پر شده با رشته‌های تاییده از الیاف نخل»^(۱). منظور از نقل این روایت آن است که ما در شرایط حاضر می‌توانیم به حداقل امکانات امروزی بسنده کنیم و نه آنکه به صورت آرمانی درصدد تهیه بالاترین امکانات رفاهی باشیم که عموماً با دشواری روبه‌رو خواهیم بود.

۶- کسب مدرک برای افزایش شانس ازدواج



گاهی پسرها یا دخترها در تلاش‌اند تا از طریق به تأخیر انداختن ازدواج، هنگامی که تمام شرایط آن مهیا است و کسب مدرک سطوح تحصیلی بالاتر، به موقعیت ازدواج مناسب‌تر دست یابند. اما متأسفانه گاهی این مسأله دقیقاً جریان معکوسی را پدید می‌آورد و کسب مدارج عالی‌تر، شانس ازدواج را کاهش می‌دهد. افزایش سن نیز به عنوان دومین عامل، شانس ازدواج این افراد را کاهش می‌دهد. این امر به ویژه برای دخترانی صادق است که در انتظار مناسب‌ترین فرصت ممکن هستند و به صورت مکرر، فرصت‌های نسبتاً مناسب پیش‌رو را از بین می‌برند.

۷- خدمت سربازی

یکی دیگر از موانع پیش روی جوانان برای ازدواج، خدمت نظام وظیفه است که تنها در صورتی که پسر احساس نیاز به ازدواج نمی‌کند، می‌تواند از آن عبور کند و ازدواج را به بعد از آن موکول نماید، اما اگر سایر شرایط ازدواج فراهم است، خدمت سربازی نمی‌تواند مانعی جدی محسوب گردد. در این زمینه چند راه‌کار مطرح می‌شود:

۱. برخی ممکن است وضعیت خودشان را متزلزل و نامعلوم ارزیابی کنند، ولی بهتر است این مسأله را با خانواده دختر مطرح کنند تا آنها تصمیم‌گیری کنند. تعداد زیادی از خانواده‌های دختران، سربازی را مانع مهمی محسوب نکرده، بلکه اصالت و هدفمند بودن پسران را مهم می‌دانند.

۲. در خصوص ازدواج، هم می‌توان در مرتبه نخست، دختر مورد نظر را عقد و مراسم عروسی و آغاز زندگی مشترک را به بعد از اتمام دوره خدمت سربازی واگذار کرد.

(البته این نکته را هم باید در نظر گرفت که طی دوران سربازی، تخفیف‌های خوبی را برای متاهلین در نظر گرفته‌اند، از قبیل خدمت در بعضی از ارگان‌ها و یا در شهر خود و امثال آن.)





۸- مسکن

برخی افراد با وجود آنکه والدینی سازگار دارند و می‌توانند برای شروع، به طور مشترک یا مستقل در کنار والدین‌شان زندگی کنند، صرفاً به دنبال منزلی شخصی، مستقل و ترجیحاً در مناطق مرفه‌نشین هستند.

برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود:

۱ در صورت امکان در منزل والدین سکنی گزینند.

۲ می‌توانند زندگی مشترک را با منزلی هر چند کوچک در محله‌هایی ارزان‌تر شروع کرده و سپس در فکر ارتقای آن باشند.

چند توصیه:

۱ اشتغال در برخی مشاغل هنری و فنی به عنوان کارآموز حتی با درآمد اندک، پیشنهاد می‌شود.

۲ بسیاری از جوانان حتی با داشتن مدارک دانشگاهی به طور موقت در مشاغلی مانند ترجمه متون، همکاری در تألیف کتاب، فروش کتاب، تدریس در موسسات و... اشتغال دارند و کسب درآمد می‌کنند و برخی حتی با وجود آنکه وسیله نقلیه‌ای از خود ندارند با دریافت سهمی از صاحب خودرو، زندگی خود را اداره می‌کنند.

۳ تشکیل شرکت تعاونی‌های کوچک با درآمد نسبتاً مناسب در یک زمینه تولیدی و یا زمینه تخصصی و مواردی مانند آن هرگز دور از انتظار نیست و نباید فرمان خداوند متعال در قرآن را از نظر دور داشت که می‌فرماید: «و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید»^(۱). آری «دست خدا با جماعت است»^(۲).

۴ کاهش انتظارات و توقعات و نهراسیدن از مشاغل پرمشقت، هر کاری به اندازه خود سختی دارد. ممکن است برخی مشاغل از نظر شما پردرآمد و راحت باشد؛ اما این واقعیت ندارد و هر فردی برای رسیدن به آسایش در یک دوره، متحمل زحمات زیادی شده است.

۹- فقدان اشتغال

برخی از جوانان با توقعات روزافزون خود پیوسته در انتظار مشاغلی آزاد با درآمد بالا یا مشاغل اداری و دولتی هستند. این قبیل افکار مانع از آن خواهد بود که آنها به مشاغلی با درآمد پایین یا متوسط هر چند به صورت موقت سازگار شوند تا به تدریج به موقعیت‌ها و فرصت‌های مناسب‌تری دست یابند. در چنین شرایطی ارجح است، به جای هدر دادن زمان، به مشاغل ساده و عمومی‌تر اشتغال پیدا کرده و آن را مایه سرشکستگی خود قلمداد نمایند. چنان‌که معصوم می‌فرماید: «خداوند متعال، آدم فارغ و بی‌کار را که زیاد می‌خواهد دوست ندارد»^(۱). متأسفانه برخی جوانان و والدین به جای امید داشتن، به مشکلات ساختار جامعه اشاره می‌کنند و توجه ندارند که وجود این مشکلات توجیه‌کننده عقب‌نشینی و ضربه زدن به خود نیست.

۱. امام باقر (ع) از قول حضرت موسی (ع) نقل می‌فرماید: که

۲۲۷ و بحارالانوار ج ۷۳ ص ۱۸۰.

۲. تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى (مانده: ۴).

۳. یدالله مع الجماعه

حضرت موسی به خداوند عرضه داشت: «کدام بنده نزد تو

مبغوض‌تر است؟»، خداوند فرمودند: «جیفه باللیل بطل بالتهار»

یعنی بنده‌ای که شب مانند مردار می‌خوابد و روز را با بی‌کاری

۱۰ - موانع عاطفی

برخی موانع ازدواج نیز به عوامل هیجانی بازمی‌گردد؛ همچون ترس از سکونت در شهر دیگر، دور شدن از خانواده که برای برخی دختران دشوار است. اگر برخی شروط تا آن اندازه برای تان اهمیت دارد که نمی‌توانید از آنها بگذرید، می‌توانید شرایط خودتان را برای فرد مطلوب خود بیان کنید و پس از پذیرش وی، حتی در صورت لزوم آن را به عنوان شروط ضمن عقد ثبت کنید تا نتوان از آن سرپیچی کرد. بنابراین، این امر کاملاً بی‌معنی است که جنس مرد چنان است که اجازه نمی‌دهد چنین و چنان کنید. هم مردان و هم زنان دارای عقاید و باورهای متعددی هستند که از یک فرد به فرد دیگر متفاوت است.



۱۱ - موانع شناختی



نتوانیم فعالیت تعالی‌بخش داشته باشیم.

برخی از موانع، ناشی از ترس‌های نابه‌جایی هستند که دختر یا پسر را نسبت به ازدواج بدبین ساخته و عاملی برای گریز از ازدواج تلقی می‌شوند. بدبینی نسبت به جنس مقابل و مانند آن نمونه افکار تعمیم‌یافته‌ای هستند که توسط یک فرد شکست خورده به جامعه تزریق شده و جوانان را نسبت به ازدواج دل‌سرد می‌سازد، ولی فقط کافی است به این بیاندیشیم که آیا تمام خانواده‌ها شکست خورده هستند؟ ترس از دست دادن آزادی‌های فردی دوران مجزّدی، ترس برهم خوردن برنامه‌های زندگی و ترس از اجازه همسر به اشتغال دختر، از مواردی هستند که ممکن است باعث تعویق ازدواج شوند. لازم به ذکر است، عزلت‌گزینی راهبانه از سوی اسلام شدیداً منع شده است^(۱) و بهتر است ازدواج در سنین مناسب خود صورت گیرد. این مساله هنگامی تشدید می‌شود که دختر احساس می‌کند دوری از خانواده برای والدینش نیز سخت خواهد بود. این افراد با تصور نمودن لحظات دشوار در آینده، شرایط روحی نامناسبی را برای خود درست می‌کنند. گاهی برای اعتلای وجود خودمان باید مهاجرت کنیم. خداوند هر یک از ما را به عنوان موجود مستقل آفریده تا به تکالیف‌مان رسیدگی کنیم و نه آنکه تلاش کنیم تا برای همه عمر در کنار یکدیگر بمانیم و طاقت مفارقت از همدیگر را نداشته باشیم و

کارکردهای مثبت ازدواج:

- افزایش مسوولیت‌پذیری
- تکامل اجتماعی و معنوی
- ادامه نسل
- ارتقای سلامت روان جامعه
- کاهش رفتارهای مخاطره‌آمیز
- افزایش احساس امنیت در افراد
- ایجاد آرامش

۱. لاهبانیه فی الاسلام.



بخش ۲

سینمازمانی ازدواج

فصل ۱

شناخت‌های ضروری پیش از ازدواج

پیش‌نیازهای ازدواج به دسته‌ای از مسایل ضروری اطلاق می‌گردد که بدون وجود هر یک از آنها، فرد واجد شرایط کافی و لازم برای احراز مقام همسری نیست و صلاحیت ورود به زندگی مشترک را ندارد و صرف‌نظر از آن‌که با چه فردی ازدواج کند، خود مایه ایجاد تنش و از بین بردن پایداری بنیاد خانواده خواهد بود.

الف - خودشناسی

فرد دیگر می‌رسم.

من به والدینم وابسته هستم!

شناخت نسبت به وضعیت خلق و خوی خود

توانایی نه گفتن به دیگران را ندارم و به همین دلیل با تعهدات زیادی روبه‌رو می‌شوم!

آیا موفقیت همسر من می‌تواند احساس شکست را در من ایجاد نماید؟

آیا دارایی همسر من باعث می‌شود تا من احساس حقارت کنم؟

من روحیه رقابت‌جویی و شکست دادن دیگران را دارم؟

شناخت نسبت به میزان مسؤلیت‌پذیری خود

آیا تا به حال برای خرید مایحتاج خانه به مادرم کمک کرده‌ام؟

حوصله شستن ظروف و پختن غذا ندارم!

آیا به تعهدات خودم پایبند و مقید بوده‌ام؟

آیا تاکنون مسؤلیتی داشته‌ام؟

من وقتی مسؤلیتی را پذیرفتم چگونه رفتار می‌کنم؟

یکی از پیش‌نیازهای مهم ازدواج، تحقق آگاهی و شناخت نسبی نسبت به ابعاد گوناگون خودمان است. عدم شناخت خود بنا به دلایل گوناگون، با افزایش خطرپذیری اغلب مانع از تحقق یک ازدواج پایدار با میزان رضایت‌مندی متناسب به شمار می‌آید؛ برای مثال، افرادی که شناختی اندک نسبت به خویش دارند، نقاط ضعف خود را نمی‌شناسند و هرگز نمی‌توانند فرد متناسب با خود را نیز شناسایی نمایند. آنها درصدد درمان خصوصیات نامناسب خود برخواهند آمد. این قبیل افراد آماده ازدواج نیستند. ما در این بخش به برخی از مهم‌ترین ابعاد شناخت خویش اشاره می‌کنیم که عبارتند از:

شناخت ظاهر خود

ظاهر من چگونه است؟

آراستگی لباس تا چه اندازه برای من اهمیت دارد؟

معمولاً از چه پوششی استفاده می‌کنم و باور من در این خصوص چیست؟

شناخت احساسات و عواطف خود

آیا من حساس و زودرنج هستم؟

از شکست عصبانی می‌شوم!

من زودتر از دیگران به احساس انزجار و تنفر از

پیدا می‌کنم.

من برای خود آینده درخشانی را پیش‌بینی می‌کنم و....

آگاهی از توانایی‌ها و استعدادهای خود

من در چه زمینه‌هایی مهارت دارم؟
از پختن غذا متنفرم و حاضر نیستم آن را یاد بگیرم!
من حافظه خوبی ندارم و فراموشکار هستم!

آگاهی از ارزش‌ها و فرهنگ شخصی خویش

میزان پایبندی من به مذهب چقدر است؟
اهداف اساسی من در زندگی چه چیزی هستند؟
من نسبت به حجاب مقید هستم!
برای من محرم و نامحرم اهمیت خاصی دارد!
چه مواردی به عنوان خط قرمزهای من در زمینه مذهب وجود دارد؟

در واقع، شناسایی این ویژگی‌ها به ما کمک می‌کند تا نقاط منفی شخصیتی و رفتاری خود را اصلاح کنیم و همسری متناسب با خودمان را انتخاب کنیم. بنابراین هر اندازه که به شناخت خویش نایل شوید، زندگی زناشویی آرام‌تری خواهید داشت.



شناخت حساسیت‌ها و نقاط ضعف و قوت خود

نمی‌توانم زود طرف مقابل را به خاطر خطاهایش ببخشم!
من فردی لجباز هستم!
علاقه‌مندم تا مسایل را خیلی خشک و منطقی ببینم و حل کنم!
من فردی باگذشتم و با دوستانم درگیری خاصی نداشته‌ام!
من خیلی مهربان و دلسوزم و نمی‌توانم بخش دیگری را تحمل کنم!

شناخت نحوه ارتباط خود با سایرین

ارتباط من با دیگران دچار برخی مشکلات است و من نمی‌توانم از حقوق خودم دفاع کنم!
بیش از اندازه شوخی می‌کنم.
معمولاً در خصوص یک موضوع بدون سنجش علاقه مخاطب به کار خودم ادامه می‌دهم؟

شناخت علایق و سلیقه‌های خود

من از تفریحات و مسافرت‌های دست‌جمعی خوشم نمی‌آید!
من حوصله نشستن در میهمانی‌های طولانی را ندارم!
من دوست ندارم در حضور جمع درباره موضوعات شخصی من گفتگو شود!
از تماشای مسابقات فوتبال خسته نشده و روزانه چندین ساعت بابت آن وقت صرف می‌کنم!
دوست دارم میزکارم همیشه منظم باشد
کمد لباس‌های من همیشه بهم ریخته و نامنظم است و....
من استعداد یادگیری هر نوع کاری دارم
من همیشه در کارهای جمعی بر دوستانم تقدم

نشانه‌های عدم آمادگی فرد برای ازدواج

۱ عدم پذیرش مسؤولیت در قبال دیگران: مثل بی‌مسؤولیتی در قبال افراد خانوادهٔ کنونی، یا بی‌توجهی نسبت به وضعیت زندگی و نظم منزل؛ سستی در انجام وظایفی که بر عهده شما گذاشته شده است.

۲ عدم توانایی در برقراری یک ارتباط منطقی با اطرافیان به صورت مکرر و در مکان‌ها و موقعیت‌های گوناگون؛ هر چند از نظر شما در تمام موارد، دیگران مقصر هستند.

۳ وابستگی شدید عاطفی به والدین و عدم توانایی در ایجاد تمایز بین احترام به والدین و تلاش برای دریافت حقوق خود که در نتیجه منجر به عدم توانایی در اخذ تصمیم به تنهایی در خصوص مسایل شخصی خواهد شد. بنابراین، چنانچه هنوز مصالح خود را نمی‌شناسید، نمی‌توانید به تنهایی برای زندگی خودتان برنامه‌ریزی کنید، توانایی لازم را برای گرفتن تصمیم‌های کوچک و بزرگ زندگی خودتان ندارید یا هنوز تحت نفوذ کامل مادر یا تحت فرمان پدر قرار دارید، به احتمال قوی فردی وابسته هستید. افراد وابسته معمولاً نقشه‌ای برای زندگی مشترک خودشان نداشته و به سادگی مسیر حرکت خود را بر اساس قدرت نفوذ منبع وابستگی که معمولاً والدین یا یکی از بستگان است، تغییر می‌دهند و حتی ممکن است بر علیه همسر خود به سادگی تحریک شوند.

وجود برخی خصوصیات و رفتارها که در زندگی کنونی خودتان از آن برخوردار هستید، نشانه مناسبی برای آن است که بدانید برای ازدواج آماده هستید یا نه، و ابتدا باید به برطرف کردن نقاط ضعف خود بپردازید و بعد برای ازدواج اقدام کنید.

اشتباه نکنید، گمان نکنید که بعد از ازدواج این خصوصیات را اصلاح خواهید کرد. این دسته از مسایل مشکل‌ساز هستند و در مصاف با هر فرد دیگری که در یک ارتباط تنگاتنگ با شما قرار دارد، به ایجاد تنش و کشمکش منجر خواهند شد. نباید از خاطر دور بماند که بر اساس آیات شریف قرآن، هدف اصلی ازدواج، کسب آرامش، دوستی و مودت است که با وجود این خصایص، دستیابی به آنها بعید به نظر می‌رسد.^(۱)

در تمام این موارد ضرورت دارد که ابتدا از طریق مشاوره، مسایل را برطرف و سپس به ازدواج اقدام کنید. همچنین به شما مؤکداً توصیه می‌کنیم که در صورت پی بردن به هر یک از این شاخصه‌ها در فرد مقابل نیز به او یادآوری کنید که ابتدا باید به حل مسأله بپردازد. توجه داشته باشید که این موارد باعث بروز کشمکش‌های خانوادگی، نارضایتی از زندگی مشترک و در نهایت، طلاق می‌شود. البته همواره احساس و تفکر کاذبی وجود دارد که «بعد از ازدواج درست می‌شوم و اخلاقم بهتر می‌شود» و این مانع از یک اقدام منطقی و گام برداشتن برای حل مسأله و درمان به شمار می‌آید. برخی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند نشانه عدم آمادگی برای ازدواج محسوب شود، عبارتند از:

۱. لا وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ؛ ترجمه: و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد (الروم: ۲۲).



برای افراد خانواده خود وقتی را اختصاص دهید. **۱۶** در پی یافتن همسری مناسب هستید که پس از ازدواج با او، در زندگی مشترک با هیچ‌گونه مشکل و اختلافی روبه‌رو نشوید.

۱۷ با خانواده خودتان ارتباط رضایت‌بخشی ندارید، علی‌رغم اینکه فکر می‌کنید مشکل از جانب ایشان است.

۱۸ نمی‌توانید به‌جز منطق و طرز فکر خود، طرز فکر دیگری را بپذیرید و به همین دلیل در برابر دیگران رفتاری تدافعی یا تهاجمی می‌گیرید و قادر به درک دیگران نیستید.

۱۹ دامنه مشکلات شخصی خود را به تمام حیطه‌های زندگی خود گسترش می‌دهید، مشکلات کاری خود را داخل منزل می‌آورید و خانه را با تنش روبه‌رو می‌سازید.

۴ عدم توانایی در نگهداری دارایی خودتان؛ به گونه‌ای که بدون آنکه والدین به پول شما نیاز داشته باشند یا با وجود آنکه خودتان نیاز شدید مالی دارید، همه دارایی‌تان را صرف دیگران می‌کنید.

۵ عدم توانایی در کنترل خشم و تنفر خود و روی آوردن به پرخاشگری و خشونت

۶ عدم توانایی گوش دادن به دیگران و نیز عدم علاقه به درک دیدگاه آن‌ها

۷ تنها در پی کسب لذت و علائق شخصی خود بوده و نمی‌توانید به دیگران نیز بیان‌دهید و مسوولیت‌ها و تعهدات خودتان در قبال دیگران را انجام نداده و آن‌ها را بر دیگران تحمیل می‌کنید.

۸ سرگردانی، عدم تثبیت و عدم توانایی پیگیری در یک رشته تحصیلی، یک موقعیت شغلی یا تغییر مکرر و مداوم دوستان، و یا تغییر مکرر در عقاید و باورهای خود.

۹ فقدان توانایی ابراز وجود برای دریافت حقوق مشروع خود و در نتیجه رفتار کردن بر اساس «کم‌رویی» یا «پرخاشگری انفعالی»، «ترفندبازی» و «انتقام‌جویی»

۱۰ ابتلا به برخی اختلالات روانی، مانند: افسردگی، اضطراب و وسواس اجباری

۱۱ خود را کامل می‌دانید و نقاط ضعف خود را نمی‌بینید.

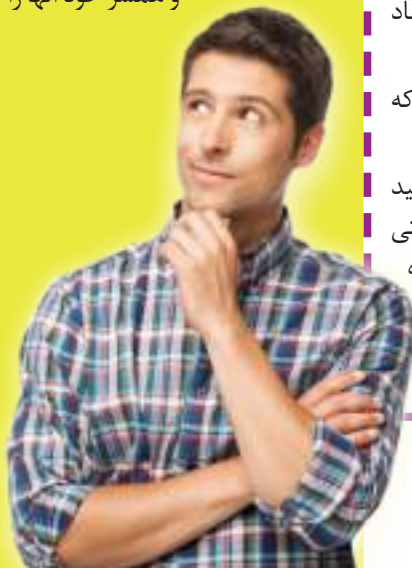
۱۲ هرگز توان و تحمل مورد ارزیابی و انتقاد قرار گرفتن را ندارید.

۱۳ هیجان‌مدارانه رفتار کردن مثل آن‌که نمی‌توانید رازی را حفظ نمایید.

۱۴ خود را چنان توانمند می‌دانید که می‌توانید افکار، احساسات و رفتارهای هر فردی، حتی همسر آینده‌اتان را مطابق میل و دلخواه خودتان تغییر دهید.

۱۵ چنان رقیب‌باز هستید که نمی‌توانید

همه این امور اگر اصلاح نشوند می‌توانند زندگی آینده شما را دچار مشکل کنند. بنابراین باید خود را خوب بشناسید و اشکالات خود را قبل از ازدواج مرتفع کنید و یا حداقل بدانید که چنین مشکلاتی را دارید و باید در آینده با کمک اعضای خانواده و همسر خود آنها را حل و فصل کنید.



عدم نیاز به «کامل شدن مطلق» برای ازدواج

متأسفانه برخی افراد می‌خواهند «برای ازدواج کامل باشند تا همسر خوبی باشند!» و این باور اجازه نمی‌دهد تا آنها اقدام به ازدواج کنند و به دنبال شرایطی هستند که هرگز محقق نخواهد شد. از نظر لارسن (۱۹۹۷) یکی از باورهای نادرست درباره ازدواج این است که «تا هنگامی که نتوانم به خودم به عنوان یک همسر اعتماد کنم، نباید ازدواج کنم». این افراد بر اثر تفکرات کمال‌گرایانه^(۱) انتظاری غیرواقع‌بینانه از خود دارند. در واقع، این افراد تلاش می‌کنند تا ازدواج خود را تا زمان «کامل مطلق شدن» به تأخیر بیندازند؛ چیزی که هرگز محقق نخواهد شد. تنها نکته ضروری برای ازدواج دست یافتن به یک «احساس تکامل نسبی» است که رو به پیشرفت باشد. برای ازدواج، کامل بودن لازم نیست، بلکه کافی است که خودمان را در مسیر تکامل قرار دهیم.

خودکنترلی

پس از آنکه افراد به یک خودآگاهی مناسب دست یافتند، باید به کنترل خویشتن نیز نایل آیند. در واقع، خودآگاهی به تنهایی نمی‌تواند مانع از بروز رفتارهای ناپخته باشد، بلکه ما باید از یک خودکنترلی^(۲) و بردباری نیز به میزان کافی برخوردار باشیم. به همین دلیل آموزه‌های دینی نیز به این نکته تأکید دارند که «اگر بردبار نیستید، خود را به بردباری وادار سازید»^(۳). این مسأله در خصوص کنترل خشم و سایر خصایص منفی اخلاقی نیز صادق است و باید نهایت تلاش خودتان را در اصلاح آنها به کار گیرید.

ب - کسب شناخت درباره نقش خود و همسر

شناخت نقش واقعی هر یک از دو جنس زن و مرد در زندگی مشترک به تعدیل رفتار در زندگی کمک می‌کند و مانع از ایجاد انتظارات و خواسته‌های نامناسب می‌شود. بخشی از این نقش‌ها را قانون و شرع تعیین کرده است، اما باید توجه داشته باشید که حقوق نمی‌تواند همه مرزها را تعیین نماید و اخلاق باید محور زندگی مشترک قرار گیرد.

برخی از دختران و پسران با توقعات و انتظاراتی نابه‌جا درباره نقش زن و شوهر وارد زندگی مشترک می‌شوند. برخی مردان به جای آنکه از نقش خود برای استحکام خانواده بهره گیرند، به اشتباه دستورهایی غیرمنطقی و غیرمعقول را ارائه داده و انتظار تبعیت از آنها را دارند که این انتظارات بی‌جا، زندگی را تلخ و دچار مشکل می‌کند.



1.Perfectionism

2.Self-control

۳. «ان لم تکن حلیمًا فتعلم فانه قل من تشبه بقوم الا اوشک ان بصیر منهم». ترجمه: اگر بردبار نیستی خودت را بردبار نشان ده، زیرا کم است کسی خود را شبیه به گروهی نشان دهد مگر این که جزو آنها گردد. کتاب شرح غرالحکم و درالکلم از آقا جمال الدین خوانساری، ج ۳، ص ۱۱.

۱- شناخت‌های مرتبط با همسر



یکی دیگر از پیش‌نیازهای ازدواج، کسب آگاهی نسبت به مسایلی است که مرتبط با همسران است. مادامی که شما نسبت به ویژگی‌ها، محدودیت‌ها، شرایط زیستی، روانی، نقش و وظایف همسران و وظایف و نقش خودتان در قبال همسران به عنوان جنس دیگر هیچ‌گونه آگاهی نداشته باشید و متقابلاً او نیز از این موارد در خصوص شما آگاهی نداشته باشد، هر دو با انتظارات غیرموجه و غیرواقع‌بینانه‌ای روبه‌رو خواهید شد و بر همین اساس، کنش و واکنش‌های ناسازگارانه‌ای میان شما پدید خواهد آمد که رضایت‌مندی زناشویی را به مخاطره می‌افکند.

۲- شناخت تفاوت‌های زن و مرد

و به نوعی درک متقابل برسید. اگر یک ویژگی در مرد باعث نوعی نقص در عملکرد زناشویی می‌شود، باید آن را جبران نماید و متقابلاً همسرش نیز باید با توجه به آن ویژگی با شوهر خود رفتار کند. اکنون برخی از مهم‌ترین موارد تفاوت‌های بین زن و مرد را از زاویه روان‌شناختی یادآور می‌شویم.

یکی از موارد ضروری در شناخت همسر، شناخت مربوط به تفاوت‌های میان دو جنس زن و مرد است. از نظر ایدلسون و اپستین^(۱)، وجود برخی باورهای نادرست درباره تفاوت‌های جنسیتی مانند نداشتن درک صحیح از تفاوت‌های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد، باورهای ارتباطی غیرمنطقی محسوب می‌شوند که می‌توانند یک رابطه زناشویی را تخریب کنند.

به همین اندازه برخی از تفاوت‌های ناشی از وضعیت فرهنگی، عوامل محیطی و اجتماعی نیز در این اختلافات موثر هستند. در هر صورت، عدم آگاهی از این تفاوت‌ها اغلب باعث پدید آمدن برخی انتظارات نابه‌جا و ناهم‌خوانی خواهد شد که این خود موجب بروز سوءتفاهم میان زن و شوهر می‌شود. آگاهی از این تفاوت‌ها از بروز ناراحتی‌های بی‌مورد جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود تا در برخورد با همسران بر اساس این تفاوت‌ها، واکنش مناسب نشان داده و علاوه بر حذف موارد فوق، برخی راهبردهای مناسب را مورد استفاده قرار داده



۱- کلی‌نگر در برابر جزئی‌نگر

مردان در مقایسه با زنان با یک نگاه کلی به مسایل می‌نگرند؛ در حالی که زنان جزئی‌نگر هستند. این خصیصه موجب می‌شود تا زنان جزئیات یک مسأله را با دقت بیشتری مدنظر داشته و به یاد آورند و بر این اساس با جزئیات بیشتری درباره آن به گفتگو بپردازند، در حالی که مردان به جزئیات توجه ندارند. این ویژگی مردان گاهی از سوی زنان با عنوان «مردان بی‌دقت» و در مقابل، ویژگی جزئی‌نگری زنان نیز با عنوان «زنان حساس» تعبیر می‌شود. وجود این تفاوت و اختلافات ناشی از آن کاملاً مشهود است. ایراد عمده از سوی زنان، اتهام مردان به بی‌دقتی، بی‌مبالاتی و بی‌سلیقه‌گی در انجام کارها خواهد بود؛ در مقابل، مردان از بهانه‌جویی زنان و اتلاف وقت و هزینه برای رسیدن به یک برتری که فاقد ارزش است، شکایت دارند. اغلب چنین به نظر می‌رسد که زنان پرحرف‌تر از مردان هستند و این مسأله موجب شکایت مردان می‌شود. این ویژگی بر مبنای خصیصه جزئی‌نگر بودن زنان توجیه‌پذیر است؛ در مقابل، مردان متهم به کم‌حرفی هستند و اینکه در ارتباط کلامی از طرح جزئیات خودداری می‌کنند.



۲- تفاوت در ابعاد ارتباطی

زنان و مردان در بُعد ارتباطی نیز در چندین جنبه با یکدیگر تفاوت دارند:

الف) تخلیه تنش از طریق گفتگو

زنان در مقایسه با مردان، بیشتر تمایل دارند تا تنش‌های خود را از طریق گفتگو تخلیه کنند. این در حالی است که مردان در هنگام بروز تنش، بیشتر تمایل دارند تا خلوت کنند و کمتر مورد پرس‌وجو قرار گیرند.

ب) تفاوت در مهارت‌های ارتباط کلامی

زنان در مقایسه با مردان از یک برتری نسبی در گزینش و به‌کارگیری واژه‌های مناسب برخوردارند. آنها همچنین در زمینه روان بودن سخن گفتن و استفاده از برخی مهارت‌های کلامی مانند: لطافت در سخن گفتن برتری نشان می‌دهند. دقیقاً برعکس، تسلط و مهارت کلامی مردان برتری کاملی را از لحاظ کیفیت و کمیت نسبت به زنان نشان می‌دهد.

ج) تفاوت در مهارت‌های ارتباط غیر کلامی

زنان بیشتر از مردان از ارتباط غیر کلامی (ارتباط بدون استفاده از واژه)، همچون: استفاده از اجزای چهره، زبان بدن و مانند آن برای برقراری ارتباط، نشان دادن واکنش و ابراز احساسات خود استفاده می‌کنند و از مهارت بیشتری نیز در این زمینه برخوردارند.

د) تفاوت در نحوه گوش دادن

یکی دیگر از تفاوت‌ها مربوط به شیوه گوش دادن و پاسخ‌دهی به ارتباط است. در حالی که مردان از پاسخ‌های مثبت صرفاً برای تأیید (مثلاً: بله، درست می‌گویید!) استفاده می‌کنند، زنان از پاسخ مثبت علاوه بر تأیید، به‌منظور پذیرندگی (بله، گوش می‌دهم!) نیز استفاده می‌کنند. احتمالاً شاهد بوده‌اید که یکی از شکایات عمده زنان از همسرشان مربوط به عدم ابراز عشق، عدم قدردانی، عدم تحسین و ستایش توسط مرد است؛ بیشتر مردان معتقدند، اگر عشق در قلب باشد در رفتار متجلی می‌گردد و نیازی به ابراز آن نیست. با این همه نباید چنین تصور شود که با وجود برتری نسبی زنان نسبت به مردان، هیچ‌گونه مشکل ارتباطی در بین نخواهد بود. مثلاً چنانچه زن تلاش کند تا خود را برتر نشان دهد و در روابط بین فردی پیش‌دستی نماید، این رفتار موجب بروز برخی سوءتفاهم‌ها شده و مردان را به خشم می‌آورد. همچنین بروز حالات آمرانه از سوی زن نیز به معنای درهم شکستن اقتدار مرد تلقی شده و موجب بروز تنش در روابط بین فردی می‌شود؛ در حالی که گاهی تا مدت‌ها هیچ‌یک از طرفین، علت واقعی چنین تنش‌هایی را در نمی‌یابند. اغلب این موارد تنها هنگامی که همسران به یک مشاور مراجعه می‌کنند، توسط مشاور شناسایی و برطرف می‌شود.

۳- تفاوت در نقش مدیریتی

در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون، برای مردان مدیریت خانه و خانواده مهم است. این امر مورد تأیید دین مبین اسلام نیز هست^(۱) که مردان را سرپرست خانواده قرار داده است. از طرفی این مساله با قدرت بدنی مرد نیز سازگاری بیشتری دارد. البته سرپرستی مردان هرگز به معنای تبعیض جنسیتی یا تصمیم‌گیری مستبدانه آنها نیست. پس برای مرد اهمیت دارد که زن بدون نظر خواهی و مشورت وی درباره مسایل کلی خانواده خودسرانه تصمیم‌گیری نکند و از او پیشی نگیرد. بنابراین بهتر است خانم‌ها در رفتارهای خود مراقبت بیشتری به خرج دهند و مدیریت مرد را خدشه‌دار نکنند.



۴- تفاوت در زمینه عشق



مردان بیشتر علاقمند هستند تا به صورت منطقی به عشق نگاه کنند. مثلاً در موارد متعددی شاهد آن هستیم که مردان در استفاده از کلمات عاشقانه طفره می‌روند و تمایل دارند تا زنان بپذیرند که همه تلاش‌های آنها برای همسرشان ترجمان همان عشقی است که آنها به دنبالش هستند. مردان از اینکه تحت نفوذ هر فرد دیگر و از جمله همسر خود قرار گیرند، به شدت آزرده خاطر می‌شوند و نسبت به آن واکنش منفی نشان می‌دهند. گویا آنها این ابراز عشق‌های اشباع شده را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کنند و آن را مایه شکستن اقتدار مردانه خود می‌دانند و آن را نوعی تلاش برای نفوذ و محدود ساختن خود ارزیابی می‌کنند. در مواردی نیز این رفتار، همچون رفتار مادرانه ارزیابی می‌شود که آنها را به مثابه یک کودک در نظر می‌گیرد و این کار موجب ناراحتی مردان می‌شود. در مقابل، زنان علاقمند هستند تا عشق خود را ابراز نمایند و بیشتر از عباراتی همچون «آفرین...»، «عزیزم...» و .. استفاده می‌کنند که در صورت زیاده‌روی، به مردان احساس حقارت و اینکه تحت نظر و کنترل هستند را می‌بخشد و به همین دلیل ممکن است باعث خشمگین ساختن آنها شود.

۱. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ ترجمه: مردان، سرپرست زنانند (سوره نساء، آیه: ۳۴)

۵- تفاوت در رفتار جنسی



«شاید یکی از نیرومندترین تفاوت‌هایی که بین زنان و مردان وجود دارد مربوط به رابطه جنسی است. در حالی که زنان تمایل دارند رابطه جنسی را به احساس عاطفی و نزدیکی ربط دهند، مردان رابطه جنسی را به عنوان یک پیشرفت، ماجراجویی، ابراز کنترل و قدرت یا فقط لذت جسمی، ادراک می‌کنند. زنان تمایل دارند برای رابطه جنسی ارزش قایل شوند زیرا این رابطه به زنان حس مشارکت عاطفی و همبستگی می‌دهد. در مقابل، مردان تمایل دارند رابطه جنسی را از سایر جنبه‌های رابطه جدا کنند؛ برای مثال، مردها بیشتر تمایل دارند بر برانگیختگی جنسی تمرکز کنند (شمس اسفندآباد، ۱۳۸۴). در این مساله معمولاً مردها زودتر به اوج لذت جنسی می‌رسند و زن‌ها دیرتر و اگر مردها اصول ارتباط جنسی با همسر را رعایت نکنند، زندگی دچار مشکل خواهد شد.

۶- تفاوت در جنبه عاطفی

زنان نسبت به مردان موجودات عاطفی‌تری هستند. با تلفیق این خصیصه با ویژگی جزئی‌نگر بودن، می‌توان پی برد که چرا یک زن معمولاً به طرح جزئیاتی درباره مشکلات و مسایل دوره‌های مقدماتی ازدواج و زندگی مشترک تکیه می‌کند و برای بارها آن را تکرار می‌کند. بنابراین یک زن همان‌گونه که نسبت به تاریخ دقیق روزهای مهم زندگی مشترک توجه دارد، به همین اندازه وقایع ناگوار و ناخوشایند را نیز با جزئیاتش به صورت عاطفی و مکرر مورد پردازش قرار می‌دهد. این در حالی است که مرد نسبت به این مسایل بی‌توجه است و این تفاوت دست‌مایه برخی تنش‌ها در زندگی مشترک قرار می‌گیرد؛ چنان‌که زن به اشتباه این بی‌اعتنایی مردان به رویدادها را ناشی از عدم علاقه مرد نسبت به خودش تفسیر می‌نماید.



تضاد سنخ‌های شخصیتی همسران

ج. شناخت کامل نسبت به مسأله ازدواج:

کسب شناخت کامل درباره پیمان ازدواج، زندگی مشترک و کارکردهای آن از سوی طرفین، یکی از پیش‌نیازهای یک ازدواج پایدار و رضایت‌مندانه است. بدون دستیابی به این شناخت، نخستین گام‌های افراد برای همسریابی، موضوعات ضروری برای گفتگو و هدف از تشکیل زندگی مشترک نیز مبهم خواهد بود. مادامی که چنین شناختی حاصل نشود، انتظارات غیرواقعی، کاذب و نامناسب در هر یک از همسران شکل می‌گیرد، که نتیجه‌ای جز اختلاف ندارد. گاهی در فرد انتظاراتی بیش از اندازه نسبت به این مسأله شکل می‌گیرد و گاهی فرد با یک انتظار ناقص و ناکارآمد روبه‌رو خواهد بود. چنان‌که ممکن است، هدف از ازدواج را صرفاً در ارضای غریزه جنسی خود و دیگری بدانند که در این صورت انتظاری ناقص شکل گرفته و عنصر مسؤولیت‌پذیری در فرد تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، انتظارات بیش از اندازه کاذب نیز می‌تواند به ایجاد توقعات نابه‌جا، درگیری و سوءاستفاده از دیگری بیانجامد. چنان‌که اگر فرد از دواج را یک معامله تصور نماید، زن همچون بنده بی‌چون و چرا و تحت امر مرد خواهد بود که وظیفه دارد در خدمت مرد برای هر امری باشد و اگر ازدواج در حدّ یک رابطه زیستی جدید تلقی شود، مرد تنها به عنوان یک عنصر فراهم‌کننده مسایل زیستی تنزل خواهد یافت.

برخی معتقدند که سنخ شخصیتی فرد باید کاملاً متضاد با همسرش باشد؛ چنان‌که، یکی از باورهای رایج آن است که بهتر است افراد عصبی مزاج با افراد خونسرد ازدواج کنند. حضور این دو سنخ متضاد در کنار یکدیگر باعث ایجاد تعادل میان دو قطب «پر جوش و خروش» و «خونسرد» خواهد شد و نهایتاً هر دو مکمل نقاط ضعف یکدیگر خواهند بود. اما در واقع، این نوعی کلی‌گویی بوده و نمی‌تواند مورد اعتماد قرار گیرد. شواهد و تجارب مشاوره‌ای نشان می‌دهد که عدم رضایت‌مندی از زندگی مشترک در میان افراد دو سنخ متفاوت می‌تواند دست‌مایه مشاجرات و تعارض‌های بین فردی باشد. این مسأله در خصوص افراد دارای سنخ شخصیتی برون‌گرا و درون‌گرا نیز کاملاً مشهود است. افراد برون‌گرا علاقمند به برقراری ارتباط و اهل معاشرت با دیگران هستند؛ در حالی که افراد درون‌گرا کمتر چنین علاقه‌ای را از خود نشان می‌دهند. این مسأله پس از ازدواج می‌تواند مایه ناآرامی و تلاطم روانی باشد، هنگامی که فرد ملزم به تابعیت دیگری باشد؛ از سوی دیگر، این امر موجب تعارض و جدال در خصوص رفتن یا نرفتن به یک مکان یا میهمانی خاص می‌شود.

پژوهش‌های متعددی حاکی از لزوم تناسب شخصیتی میان همسران برای سازگاری بیشتر و رضایت‌مندی از زندگی زناشویی خواهد بود. البته آزمون‌های شخصیتی می‌توانند تضادهای شخصیتی و مشکلات احتمالی منتهی به ناسازگاری میان زوجین را نشان دهد. برای مثال هنگامی که دو فرد دارای سطح بالایی از خصیصه «سلطه‌گری» هستند، همواره برای کنترل رابطه به رقابت خواهند پرداخت و زندگی دوام نخواهد داشت یا با نارضایتی بالایی ادامه خواهد یافت^(۱)

۱. نرس، رادنی، ا.، ترجمه: حسن پاشا شریفی و همکاران، سنجش خانواده: کاربرد آزمون‌های شخصیت برای زوج‌ها و خانواده‌ها، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۹.

فصل ۲

باورهای نادرست درباره ازدواج

برخی از دختران و پسران ازدواج را پناهگاهی برای تحقق همه‌امیال و آرزوهای خود می‌دانند و گمان می‌کنند که پس از ازدواج به هر آنچه در خانه پدری خود نداشته‌اند دست می‌یابند. این‌گونه افکار بلندپروازانه و دور از واقعیت، آنها را با انتظاراتی کاذب از همسرشان روبه‌رو می‌سازد که به محض برخورد با ناکامی، خود را شکست خورده دانسته و اغلب نیز ابراز تمایل به طلاق می‌کنند.

برخی از این باورها بدین شرح است:

- ❖ در ازدواج مناسب، زوجین هیچ چیز را از یکدیگر مخفی نمی‌کنند!
 - ❖ زوجین مناسب هرگز خشمگین نمی‌شوند!
 - ❖ زوجین خوشبخت کوچک‌ترین اختلاف فکر و سلیقه‌ای نخواهند داشت!
 - ❖ در زندگی مشترک، همه خواسته‌های آنها برآورده خواهد شد
- و امثال این‌ها، در حالی که هر زن و شوهری اختلاف‌هایی دارند که باید راه‌حل آنها را بدانند و زود حل‌وفصل کنند.

۱- باور به اینکه
«ازدواج خوب یعنی
خوشبختی کامل»

۳- تلاش بیشتر

این اعتقاد با این تفکر شکل می‌گیرد که من با هر کسی که برای ازدواج انتخاب کنم خوشبخت خواهم شد، به شرط آن که به قدر کافی تلاش کنم. لارسن (۱۹۹۲) تأکید می‌کند که تلاش دو همسر برای حل مشکلات و مؤثر ساختن یک ازدواج، دو فرد بالغ و متفکر را می‌طلبد.

۴- عشق کافی است

فرد دارای این عقیده شاید چنین بگوید: «عاشق کسی شدن برای من دلیل کافی برای ازدواج است». جامعه غربی عشق رمانتیک را به عنوان شرطی لازم برای ازدواج ارزشمند می‌شمارد. در واقع، اشخاص کمی هستند که ازدواج را بدون عشق تصور کنند. اگر عشق به عنوان تنها معیار در نظر گرفته شود، سایر توانایی‌های اساسی فردی و بین فردی از نظر دور خواهد ماند و ممکن است این عشق کاذب موجب شود که در مشاهده نقاط ضعف همسر غفلت صورت گیرد. همان‌طور که در بیان امیرالمومنین (ع) هم داریم که «حب الشیئی یصمی و یصم» یعنی، محبت شدید به کسی یا چیزی انسان را کور و کر می‌کند.

۲- ارتباط کامل

صاحب این عقیده این چنین می‌اندیشد: «ما باید قبل از ازدواج ثابت کنیم که ارتباط مؤثری خواهیم داشت». البته توجه به فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده پیش از ازدواج بسیار عاقلانه است، مانند: ارتباط خوب، مهارت‌های حل مشکل، تشابه و همانندی ارزش‌ها و عقاید. جستجوی چنین ارتباطی و چنین همسری که این مهارت‌ها و قابلیت‌ها را داشته باشد عاقلانه است. اما از آنجا که موفقیت کامل در ازدواج را نمی‌توان تضمین کرد، برای کم کردن محدودیت این تفکر می‌توان این‌گونه اندیشید که هیچ راهی برای تضمین خوشبختی کامل پیش از ازدواج میسر نیست. فقط باید تا حدود لازم توجه داشته باشیم و راه‌حل‌های لازم را هم بدانیم و به امید این که هیچ مشکلی نخواهد بود، ازدواج نکنیم و اگر هم مشکلی پیش آمد از طریق صحیح برای حل آن بکوشیم.

۵ - هم‌زیستی

این عقیده چنین است: «اگر من و همسر آینده‌ام قبل از ازدواج با هم زندگی کنیم، شانس و خوشبختی‌مان را افزایش خواهیم داد».

مرور سوابق هم‌زیستی و موفقیت‌های بعدی در ازدواج نشان داده است افرادی که قبل از ازدواج با هم زندگی می‌کنند، آمادگی بیشتری برای نارضایتی از زندگی جدایی دارند. کسانی که هم‌زیستی می‌کنند به نسبت کسانی که هم‌زیستی نمی‌کنند مشکلات بیشتری در رابطه با تعهد دارند و تمایل کمتری برای ارزشمند شمردن ازدواج و نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق دارند.



۶ - انتخاب باید آسان باشد



عقیده‌ای دیگر می‌گوید انتخاب همسر باید ساده باشد و این انتخاب حاصل یک شانس و یا اتفاق است. بنابراین فرد شاید تصور کند که برای انتخاب همسر، باید به جای دقت کردن، در انتظار یک اتفاق بماند. چنین فردی در انتظار شانسی برای دیدار و عشق در اولین نگاه است بدون آنکه از تفکر محتاطانه و آمادگی لازم، کمک بگیرد و با اعتقاد به شانس و قسمت، در انتظار یک ازدواج اتفاقی خوب است. مواردی که عنوان شدند فقط تعدادی از نگرش‌ها و باورهای غیرمنطقی افراد نسبت به انتخاب همسر هستند. نحوه‌ی نگرش افراد نسبت به فرایند انتخاب همسر امری بسیار حیاتی و مهم است که با درک باورهای غیرمنطقی و محدود کننده درباره انتخاب همسر می‌توان از مضرات آنها جلوگیری کرد.

۷ - همه آدم‌ها ازدواج می‌کنند؛ پس من هم

یکی از باورهای نادرست این است که بالاخره تمام دختران و پسران باید یک روزی ازدواج کنند؛ پس چون همه افراد ازدواج می‌کنند، پس من هم به ناچار باید ازدواج کنم و این امری طبیعی است.

۸- برای هر فرد فقط یک همسر مناسب خلق شده

لارسن (۱۹۹۹) یکی از باورهای نامناسب درباره ازدواج را اعتقاد به این امر می‌داند: «برای من در این دنیا فقط یک همسر مناسب خلق شده است که می‌تواند من را خوشبخت کند و من با جست‌وجو و صبر کردن می‌توانم به او برسم و اگر به او نرسیدم نمی‌توانم و نباید با شخص دیگری ازدواج کنم و با یافتن او نباید او را به هیچ قیمتی از دست بدهم». نتیجه این تفکر احساس ناکامی شدید در این افراد است و باعث می‌شود تا فرد با انتظار کشیدن پیوسته و منفعلانه، فرصت‌های مناسب بی‌شماری را از دست بدهد و سن فرد همچنان افزایش و شانس ازدواج او کاهش یابد و تضمینی هم وجود ندارد که به این فرد خیالی دست پیدا کند.

۹- باورهای کمال‌گرایانه یا ایده‌آل‌گرایی در انتخاب همسر

افرادی که از باورهای کمال‌گرایانه^(۱) در ازدواج برخوردارند، همواره درصدد ایجاد شرایطی بهتر از آنچه اکنون در پیش روی آنها قرار دارد، هستند. برخی ممکن است از آن تحت عنوان «دقت و سواسی» یا «بهانه‌جویی» یاد کنند. به هر حال این رفتار می‌تواند منجر به از دست دادن برخی فرصت‌های مناسب یا نسبتاً مطلوب و تأخیر در ازدواج یا بروز رفتار تدافعی دیگران در برابر فرد کمال‌گرا شود. دختران کمال‌گرا غالباً خواستگاران را با بهانه‌جویی بدون پایه نمی‌پذیرند و پسران کمال‌گرا نیز اغلب به بهانه دست‌یابی به همسر زیباتر و جذاب‌تر، فرصت‌های مناسبی را از دست خواهند داد. یکی از عوامل بدون همسر ماندن دختران، وجود افکار کمال‌گرایانه‌ای است که دختران در سنین ۱۷ تا ۲۲ سالگی شدیداً در معرض آن قرار دارند. این خطر برای دختران بیشتر از پسران مطرح است؛ چرا که اگرچه گذر زمان باعث افول تمایلات کمال‌گرایانه خواهد شد، اما از تعداد خواستگاران یک دختر نیز کاسته خواهد شد.

۱۰- باور به «عشق شدید، جبران‌کننده

همه موانع است!»

یکی از باورهای نادرست این است که عشق شدید ما به یکدیگر برای رضایت‌مندی و پایداری زندگی مشترک به تنهایی کافی بوده و می‌تواند برطرف‌کننده همه معایب، ناهمسانی‌ها، مشکلات و موانع موجود باشد. این باور نادرست که در دختران نسبت به پسران بیشتر متداول است، باعث می‌شود تا فرد از پذیرش برخی واقعیت‌ها خودداری کند؛ این افراد معمولاً در برابر مستندات و شواهد مشاورین نیز ایستادگی می‌کنند و موقعیت خود را کاملاً متمایز از تمام کسانی که در همان مسأله مشابه گرفتار بوده‌اند، می‌دانند.



فصل ۳

انگیزه‌های نامناسب برای ازدواج

بر خلاف انگیزه‌های منطقی، معقول و مشروع که از هر ازدواج مورد انتظار است، برخی اهداف و انگیزه‌ها نامناسب و غیرمعقولند که به آنها اشاره می‌کنیم.

۱ - ازدواج با انگیزه دستیابی به ثروت

خوشبختی و سعادت در زندگی مشترک تنها محصول قدرت مالی نیست. اگر توجه خودتان را صرفاً بر کسب پول و ثروت معطوف نموده و بسیاری از عوامل انسانی، اخلاقی و عاطفی را در نظر نگیرید، در زندگی خود روی خوش نخواهید دید. در روایتی از پیامبر اسلام (ص) آمده است که با زنان به خاطر زیبایی و مال‌شان ازدواج نکنید؛ زیرا چه بسا مال و ثروت‌شان، آنها را به طغیان و سرکشی وادارد^(۱). هنگامی که دختر یا پسر ثروتمندی که فاقد خصوصیات انسانی است و اکنون همسرتان شده است، ثروت خود را به رخ شما می‌کشد و عزت نفس شما را مخدوش می‌کند، حاضر خواهید شد به هر قیمت ممکن از او فاصله بگیرید؛ هرچند اقدام به طلاق نکنید. در این صورت، خود را در همسرگزینی شکست خورده خواهید دید. اما اگر چنین همسری حتی فخرفروشی نکند و مشغول کسب ثروت بیشتر، عیش و سرگرمی‌های خود باشد، باز هم خود را تنها و شکست خورده خواهید یافت. پس ضروری است جوانب دیگر موضوع را بررسی نمایید. بنابراین ثروت نباید اولین و مهم‌ترین عامل انتخاب افراد باشد.

۲ - ازدواج با انگیزه‌های منفعت‌گرایانه

برخی از ازدواج‌ها با این انگیزه صورت می‌گیرند که برای فرد منفعتی جانبی در بردارند. مثلاً ممکن است فرد مجرد نتواند بر اساس قوانین به کشورهای خارجی مسافرت کند. یا ممکن است یک پسر برای برخوردار شدن از برخی امتیازات قانونی، به ازدواج با دختری دارای یک موقعیت خاص ترغیب گردد. چنان‌که ممکن است با تصویب یک قانون بتواند از خدمت سربازی معاف شود. وجود این مسأله گاهی باعث می‌شود که فرد خواهان، شرایط مهم را نادیده انگارد و صرفاً برای برخورداری از امتیاز مذکور، آنها را پیش پا افتاده و قابل اغماض تصور کند. اما روشن است که پس از برخورداری از امتیاز مذکور، کارکرد چنین ازدواجی به انتها رسیده و نوعی احساس نارضایتی از ازدواج بروز می‌کند. اساساً در ازدواج باید سودگرایی و منفعت خود مطرح نباشد، بلکه کمال و منفعت یکدیگر مدنظر قرار گیرد.



۳- ازدواج اجباری



گاهی برای تحقق پیوند زناشویی، انواع تهدید بدنی و فشارهای روانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پدیده هم از سوی خانواده دختران و هم پسران مشاهده می‌شود. شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم». امام علیه السلام فرمودند: «با زنی که خودت مایل هستی ازدواج کن و زنی را که پدر و مادرت [بدون رضایت تو] انتخاب کرده‌اند، رها کن»^(۱). رضایت‌مندی در این ازدواج‌های تحمیلی بسیار پایین بوده و این‌گونه ازدواج‌ها از دوام اندکی نیز برخوردارند؛ در نتیجه، اگر دختر یا پسری بر خلاف میل و رضایت درونی خود به ازدواج وادار شود، احتمال بروز ناسازگاری و کشمکش در چنین خانواده‌ای بسیار بالا خواهد بود، به ویژه این‌که اثری از عشق و محبت در این‌گونه ازدواج‌ها یافت نمی‌شود (بستان و همکاران، ۱۳۸۵). البته ضروری است که تمام شرایط سلامت انتخاب برای فردی که مورد علاقه شما است، فراهم و انتخاب‌تان عاقلانه باشد.

۴- ازدواج صرفاً به خاطر مصالح والدین یا بستگان فرد مقابل

ازدواجی که تنها به خاطر رضایت والدین و بدون وجود علاقه صورت می‌گیرد و فرزند، وجه‌المصلحه والدین خود قرار می‌گیرد، بیشتر بستگی به شانس دارد تا درایت و انتخاب‌گری.

ازدواجی که به خاطر رودربایستی پدر یا مادر از خواهران یا برادران یا اطرافیان دیگر صورت می‌گیرد، نمی‌تواند از تضمین لازم و کافی برای پایدار ماندن برخوردار باشد. در حالی که هر فرد باید ذاتاً علاقمند به زندگی مشترک باشد و خود را برای پذیرش مسؤولیتی جدی آماده سازد، گاهی اشتیاق بیش از اندازه یا خواست والدین و اطرافیان مبنای ازدواج افراد قرار می‌گیرد. یکی دیگر از موارد نادرست در ازدواج هنگامی است که فرد با در نظر گرفتن مزایا و ویژگی‌های اطرافیان فرد به ازدواج با او رضایت می‌دهد. در این صورت فرد، شرایط و ویژگی‌های اختصاصی فرد مقابل را در نظر نمی‌گیرد، یا آنها را کوچک و بی‌اهمیت تلقی می‌کند. همچنین گاهی ازدواج، نه از سر علاقه بلکه تنها بر اساس نحوه ارتباط با والدین یا یکی از بستگان فرد مقابل صورت می‌گیرد که متأسفانه نمی‌تواند مورد تأیید قرار گیرد. به مواردی از این وضعیت توجه نمایید:

■ چون به مادرش ارادت دارم، می‌خواهم با او ازدواج کنم.

■ پدرش آدم متدینی است و نسبت به او مطمئن هستم که نمی‌گذارد پسرش به من ظلم کند!

■ برادرش موقعیت اجتماعی خوبی دارد و من به او افتخار خواهم کرد و.....

۵- ازدواج برای فرار از مشکلات خانوادگی

یکی از مواردی که دختران و پسران را به ازدواج ترغیب می‌کند، فرار از خانواده‌ای است که از هم پاشیده و یا کانون اختلافات است. گاهی دختر، مورد طعنه و کنایه خانواده خودش قرار گرفته یا او را مورد شتمات قرار می‌دهند که چرا نتوانسته است تاکنون ازدواج کند؛ در این صورت ممکن است دختر از روی اجبار برای آن که از مزاحمت‌های خانواده رهایی یابد، به یکی از خواست‌ها بدون هیچ‌گونه علاقه‌ای پاسخ مثبت دهد. این قبیل ازدواج‌ها نیز از استواری لازم برخوردار نبوده و متزلزل هستند.

۶- ازدواج به‌منظور دستیابی به امتیازات

برخی از دختران یا پسران صرفاً به‌منظور دستیابی به امتیاز همسر دکتر یا مهندس شدن و یا انتساب به استاد و رییس اداره و ریاست دانشگاه و مانند آن به ازدواج می‌پردازند. این در حالی است که این افراد سایر شرایط از قبیل سن و سال، اخلاق و رفتار و تعهد فرد مقابل را در نظر نمی‌گیرند. این قبیل ازدواج‌ها دارای ریسک بالایی هستند و انتساب به این عناوین نمی‌تواند برای مدت مدیدی رضایت‌آور باشد.

گاهی نیز افراد گمان می‌کنند با قرار گرفتن در کنار چنین فردی خواهند توانست به یک پیشرفت علمی یا اخلاقی و معنوی نایل شوند، در حالی که زندگی مشترک قواعد خاص خود را دارد و روشن است که حتی یک استاد اخلاق متبحر نیز ممکن است، همسر خوبی برای تعداد بسیاری از شاگردانش محسوب نگردد و نتواند خواسته‌ها، سلیقه‌ها، و اهداف او را برآورده سازد؛ چون ممکن است فرهنگ، سبک زندگی و روحیات متفاوتی داشته باشد. همسر بازیگر و هنرپیشه معروف شدن نیز همین وضع را دارد و شما نیز هر روز شاهد فروپاشی چنین ازدواج‌هایی هستید. شما ممکن است اسیر احساساتی که او در یک صحنه از



خود بروز داده است باشید و به اشتباه گمان کنید که او در زندگی واقعی نیز همواره این‌گونه رفتار خواهد کرد، اما فراموش نکنید که این فقط یک نقش کلیشه‌ای است که در صحنه‌های واقعی زندگی رنگ خواهد باخت. بنابراین حتی با وجود علاقه، هرگز از ملاک‌های یک انتخاب سالم سرپیچی نکنید.

۷- ازدواج از روی ترحم و دلسوزی

ازدواج از روی ترحم و دلسوزی اغلب به واسطه ناتوانی بدنی، نقص در زیبایی، فقدان یک ویژگی یا وجود آسیب‌های اجتماعی در فرد مقابل صورت می‌گیرد. هدف اصلی ازدواج نمی‌تواند صرفاً نجات فرد آسیب‌خورده‌ای که قرار است همسر آینده ما باشد قرار گیرد، بلکه در ازدواج لازم است نخست نسبت به طرف مقابل حسی از اعتماد و علاقه داشته باشید و علاوه بر آن، به وجود یک کمال نسبی در او باور داشته باشیم. او قرار است هم‌تای شما و همکار شما در تربیت فرزند باشد؛ پس باید بتوانید به وجود او افتخار کنید، نه این‌که او را تحمل کنید. همچنین لازم است که آسیب مورد نظر یک نقطه ضعف عمده نباشد که در آینده همان را دست‌مایهٔ تاخت‌وتاز، منت گذاشتن یا مایهٔ تنفر از فرد قرار دهیم. زندگی، درمانگاهی برای درمان همسر نیست. بنابراین مشخصا کسی که اکنون با یک آسیب و نابهنجاری روبه‌رو است، ممکن است شما را با آسیب روبه‌رو سازد و به همین دلیل نمی‌تواند همسری مناسب برای شما به شمار آید. ما در ازدواج منجی دیگری نیستیم و تجارب متعدد نشان داده است که افرادی که از روی دلسوزی و ترحم به دیگری به ازدواج با او تن در داده‌اند، در نهایت به صورت یک طلبکار خود مرتکب بالاترین جفاها در حق او شده‌اند و یا خودشان متحمل آسیب‌هایی شده‌اند.

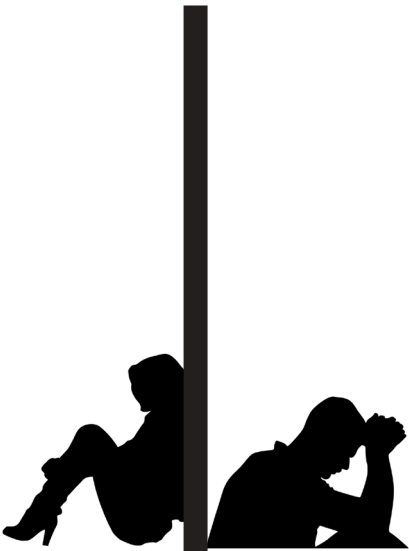
نمونه:

- «من باید این مرد را از تنهایی و اعتیاد نجات دهم!»

- «این دختر به‌خاطر بد رفتاری پدرش بزه‌کار شده؛ بنابراین باید با ازدواج، او را از دست پدرش نجات دهم!»

۸- پذیرش ازدواج به‌خاطر تهدید فرد مقابل

گاهی ممکن است دختر یا پسر با تهدید به خودکشی یا دیگرکشی یا تهدید منتهی به نقص عضو، تلاش کند تا فرد مقابل را به پذیرش ازدواج وادار سازد. در تمام این موارد اولین نکته‌ای که باید ذهن شما را به خود مشغول سازد این است که فردی که به‌خاطر یک ناکامی کوچک چه تهدید واقعی باشد یا جرأت آن را نداشته باشد، به این رفتار یا تهدید روی می‌آورد، چگونه زندگی مشترک آینده را اداره خواهد کرد. بدیهی است که این افراد دچار رگه‌های شخصیتی ناسالمی هستند که به واسطه آن نمی‌توانند مسولیت و تعهد خود را در قبال شما و زندگی مشترک‌تان ایفا نمایند و از این قبیل رفتارها به عنوان راهبردی برای تمام زندگی استفاده خواهند کرد تا شما و اطرافیان را به تسلیم وادار سازند.



۹- ازدواج مصطلحتی

هنوز هم یافت می‌شود ازدواج‌هایی که برای پایان دادن به مخاصمات دو قوم یا قبیله یا دو خانواده صورت می‌گیرند. همچنین گاهی ازدواج به‌خاطر توسعه اهداف والدین، مانند: شراکت مالی پدران یا توسعه روابط تجاری آنها صورت می‌گیرد. معمولاً در این گونه ازدواج‌ها، خواسته‌ها و تفاوت اهداف دختر و پسر در نظر گرفته نمی‌شود و به همین دلیل عدم رضایت از زندگی مشترک در این قبیل زوجین افزایش می‌یابد.

۱۰- ازدواج با انگیزه درمان افسردگی و اختلالات

برقراری روابط رضایت‌بخش را برای فرد کاهش می‌دهد؛ برای مثال، بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی یا اختلالات شدید شخصیتی نسبت به سایر افراد احتمال کمتری دارد که ازدواج کنند و اگر هم ازدواج کنند به احتمال زیاد به طلاق منجر می‌شود (لانج، شآپ، و ون وایدنفلت، ۱۹۹۳)^(۱) اگر فرد مقابل مبتلا به یک یا چند اختلال روانی است و از آن رنج می‌برد، لازم است، نسبت به میزان اختلال آگاه شوید، ماندگاری آن را جویا شوید و با پزشک یا درمان‌گر او گفتگو کنید.

برخی افراد گمان می‌کنند که پس از ازدواج، افسردگی و اضطراب آنها بهبود خواهد یافت. برخی والدین گمان می‌کنند که ریشه مشکلات روحی و روانی فرزندان‌شان نیازهای جنسی است که برآورده نشده است و اگر فرد از نظر مسایل جنسی تأمین شود، بهبود خواهد یافت. مثلاً فرد دارای نشانه‌های مشهود افسردگی و خیم یا اختلال دیگری است و اطرافیان به او توصیه می‌کنند که: «اگر ازدواج کنی، حالت بهتر خواهد شد!».

ازدواج، رویداد و تغییری مهم در زندگی و مستلزم هماهنگی با فرد مقابل، انتظارات، تعهد و مسوولیت در برابر همسر است. زندگی مشترک نیازمند برخورداری از تحمل بالایی برای سازگاری است. از آنجا که افراد مبتلا به افسردگی و سایر اختلالات روانی در زندگی شخصی خودشان دچار مشکلاتی هستند، نمی‌توانند در زندگی مشترک با دیگری اهداف مشترک را برآورده نمایند. در نتیجه، این افراد باید در ابتدا با مراجعه به متخصص مربوطه، برای درمان خود از طریق دارو و روان‌درمانی اقدام کنند و نه این‌که بخواهند با ازدواج مشکل‌شان را حل کنند. اختلال روانی شدید نیز شانس



۱۱- انتخاب همسر بر اساس ویژگی‌های خاص

عموماً هر یک از ما ممکن است نسبت به ویژگی‌هایی که واجد آن نیستیم و آنها را مطلوب می‌دانیم، جذب شویم و به همین دلیل احتمال بیشتری هست که افراد دارای آن ویژگی، مورد علاقه ما قرار بگیرند. در نتیجه، گاهی ما فریفته یک ویژگی، استعداد و توانایی در فرد مقابل می‌شویم که هرگز نشانه آن نیست که او لزوماً همسری درخور و مناسب ما باشد. «ذوق شاعری»، «هوش بالا»، «شوخ طبعی»، «هوش ریاضی بالا» و بسیاری موارد دیگر، هیچ ارتباطی با نحوه سلوک و رفتار فرد ندارند و تعیین‌کننده مزاج و منش اخلاقی افراد نیستند. توجه داشته باشید که این قبیل مسایل چیزهایی نیستند که سلامت و رضایت‌مندی زندگی مشترک به آنها وابسته باشد. به همین دلیل، عملکرد این افراد پس از ازدواج، متفاوت از چیزی خواهد بود که از آنها به عنوان همسر انتظار داشتید.

به هر حال توجه داشته باشید که اگرچه دین‌داری فرد مقابل از جمله شروط لازم برای انتخاب همسر است، اما هرگز کافی نیست، بلکه علاوه بر آن، فرد باید از سلامت روانی، وجدان، عقل و خرد، منطق و اخلاق هم برخوردار باشد. بنابراین، دین‌داری فرد مقابل تنها در کنار سایر شروط یاد شده می‌تواند مقدمه یک زندگی زناشویی باثبات و بانشاط محسوب شود.

۱۲- ازدواج بر اساس جبران و عقاید خرافی

برخی افراد به ازدواج‌هایی روی می‌آورند که مبنای آنها تلاش برای جبران، رها شدن از عذاب وجدان، احساس مادیونی و احساس گناه کاری است. گاهی افراد مرتکب جنایت یا خیانتی در حق کسی شده‌اند و اکنون تلاش می‌کنند تا با ازدواج با خود فرد یا بستگان او، از بار سنگین عذاب وجدان خود بکاهند. فردی که سال‌ها پیش در حق شریک خود خیانت کرده است، اکنون دختر خود را به اجبار به عقد پسر فرد مقابل در می‌آورد. یا دختری که باعث اخراج پسری از دانشگاه شده است، اکنون برای به‌دست آوردن دل او و کفاره گناهانش به ازدواج با او رضایت می‌دهد. برخی عقاید خرافی نیز در این زمینه مشهود است: «من نذر می‌کنم که اگر در رشته مناسبی قبول شوم، با فلانی ازدواج کنم!». این نوع ازدواج‌ها نیز با دوام نخواهند بود.

۱۳- ازدواج برای جبران شکست‌های عشقی

گاهی نیز فرد برای جبران عشق شکست خورده قبلی، به یک ازدواج جدید روی می‌آورد، در حالی که هنوز در فضای ازدواج گذشته چه مثبت یا منفی قرار دارد و نمی‌تواند آن را مورد بررسی قرار دهد که این اقدام زمینه شکست دیگری را فراهم می‌کند. به همین دلیل فرد ابتدا باید به بهبود حال خود و اصلاح نقاط ضعف خود بپردازد که ممکن است چندین ماه به طول بیانجامد و پس از آن به دقت صلاحیت فرد مقابل و خصوصیات فرد مقابل را بررسی کند و در صورت تأیید، به ازدواج اقدام کند.

۱۴ - ازدواج با انگیزه اصلاح فرد مقابل

مانند: فحاشی و بدزبانی، ضرب و شتم و خشونت، مصرف الکل، استعمال دخانیات، بی‌مبالاتی نسبت به مسایل دینی، معاشرت با افراد ناباب، ارتباط نامشروع گسترده با جنس مخالف و مواردی از این دست صادق است.

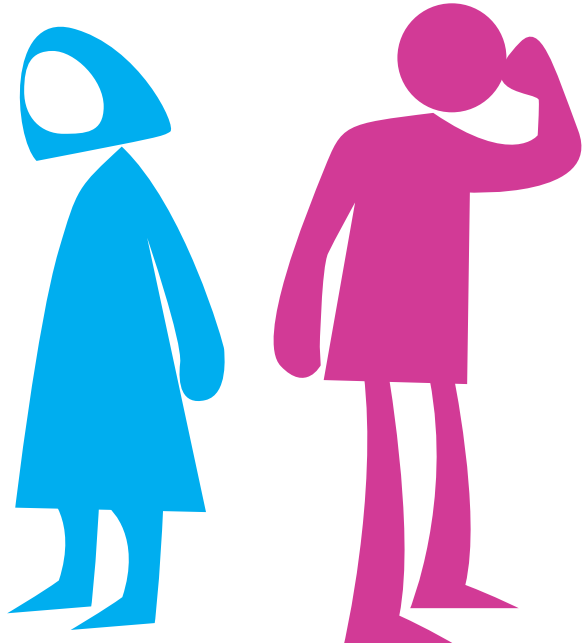


هرگز به ازدواج با فردی که دچار مشکلات و عادت‌های نامناسب رفتاری است، به این امید که می‌توانید شخصاً او را تغییر دهید، نباشید. بنابراین بهتر است بر اساس شرایط کنونی وی تصمیم بگیرید. شما در این اندیشه هستید که فرد معتاد به موادمخدر، سیگار یا الکل، فردی که نماز نمی‌خواند یا مقید به امور شرعی نیست را تغییر داده و اصلاح نمایید؛ اما باید بدانید که تغییر دادن این افراد به احتمال زیاد فراتر از توان شما است. توجه خود را به محدود مواردی که در اطرافتان وجود دارد، معطوف نسازید. این موارد اندک نمی‌تواند نماینده واقعی تعداد بسیاری از ناممکن‌ها محسوب شود.

این وضع به ویژه در خصوص رفتارهای نامطلوبی

۱۵ - ازدواج از روی ترس و فشار

برخی دختران و خانواده‌ها از ترس این‌که ممکن است هرگز برای آنها در آینده خواستگاری پیدا نشود، به ازدواجی بدون تأمل و بررسی راضی می‌شوند. گاهی نیز فشار اجتماع و خانواده، دختر یا پسر را به یک اقدام شتابزده و عجولانه سوق می‌دهد. این مسأله بیشتر در مورد دخترانی رخ می‌دهد که در انتخاب همسر وسواس بیش از حد داشته‌اند و فرصت‌های زیادی را از دست داده‌اند.



نمونه‌هایی از باورهای نامناسب برای انتخاب همسر

۱ - انتخاب بر اساس باور به قسمت و تقدیر

این یکی از باورهای رایج نادرست در زندگی زناشویی است. منظور از این باور، تصور آن است که تلاش برای یافتن همسر و عدم تلاش در این زمینه هر دو نتایجی یکسان و از پیش تعیین شده دارد و مشخص است که کدام دختر با کدام پسر ازدواج خواهد کرد. این باور نادرست، از نظر منابع دینی و عقلی نیز تأیید نمی‌شود. آیاتی نیز وجود دارند که سرنوشت انسان را مرهون تلاش خودش معرفی می‌نمایند از جمله: «سرنوشت هر کس در گرو اعمال او است»^(۱) و «برای انسان بهره‌ای جز تلاش و کوشش او نیست!»^(۲)

همه ما باید نسبت به این مسأله اعتقاد داشته باشیم که سرنوشت همه امور به دست خداوند متعال است و همچنین خداوند متعال نسبت به سرنوشت همه امور آگاه است؛ اما این به معنای تعطیل نمودن عقل و تدبیر در زندگی نیست. شما باید نهایت دقت در تحقیقات را به عمل آورید و نهایتاً کارها را به خداوند واگذار کنید. توجه به این نکته ضروری است که توکل بر خدا در همه حال ممکن و بلکه ضروری است و این مسأله هرگز مانع از تلاش ما نخواهد بود. خداوند برای انجام امور عالم، اسباب و مسبباتی را قرار داده که ما باید به آنها دقت کنیم. همچنین باید سنت‌های الهی را بشناسیم و از آنها غافل نباشیم.

باورها به عنوان عواملی شناختی، منشا رفتارهای ما هستند. حال اگر این باورها نامناسب باشند، رفتارها نیز نابهنجار خواهند شد و پیامدهای ناگواری را رقم خواهند زد. متأسفانه برخی از باورها در پوشش‌های دینی و با نام عقاید دینی، باعث لطمه وارد آوردن به زندگی افراد می‌شوند. در این موارد، فرد به دلیل عدم برخورداری از اعتماد به نفس یا ابتلا به کاهلی، مجموعه مسایلی را که خداوند بر حسب اختیار به او واگذار نموده است، به گمان خویش به خدا واگذار و در وظایف عقلی و دینی خود کاهلی می‌کند. این افراد با توسل به «قسمت»، «تقدیر و مشیت الهی»، «توکل بر خدا»، «استخاره نابه‌جا و نابخردانه» و مانند آن، از به‌کار بستن روش‌های پسندیده‌ای همچون: «تدبیر»، «کاوش و پیگرد» و «مشاوره با متخصص» خودداری نموده و سرنوشت خود را در معرض آسیب‌های گوناگون قرار می‌دهند. البته در هر فرهنگی، تعداد زیادی از این قبیل باورها وجود دارند که مجال ذکر آنها وجود ندارد ولی قاعده کلی این است: «هر باوری که عاملی برای ازدواج بدون علاقه باشد یا مانع از ازدواج با فردی شود که از نظر شرع، منطقی و عقل مناسب به نظر می‌رسد، باوری نادرست و نامناسب به شمار می‌آید و نباید برای آن ارزشی قایل شد».



۱. كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً؛ سوره مدثر، آیه ۳۸.

۲. أُن لِّیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ ترجمه: و این‌که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست سوره نجم، آیه ۳۹.

۴- انتخاب از روی ترس از عقوبت

یکی دیگر از باورهای خرافی در دختران و پسران، انتظار پیامدی منفی یا ازدواجی نافرجام در نتیجه ردّ دختران یا خواستگاران است که چشم امید به پاسخ مثبت شما داشته‌اند. برخی ممکن است پاسخ ردّ دادن به خواستگاران یا پاسخ منفی پسران در مورد دختران را موجب دل‌شکستگی آنها و قهر و غضب خداوند برای این کفران نعمت بدانند. از نظر آنها خشم خداوند موجب نگون‌بختی آنها می‌گردد. این قبیل باورهای واپس‌گرایانه هرگز صحت نداشته و خداوند همواره خیرخواه بندگان بوده و نگرانی در این زمینه بی‌مورد است. خداوند سرنوشت افراد را در اختیار خودشان قرار داده و نسبت به این امر راضی است. البته همه می‌دانیم که دقت و وسواس بیش از اندازه، زندگی را با رکود و رخوت روبه‌رو می‌سازد؛ اما گاهی به دلیل شرایط نامناسب و نابهنجاری شخصیتی و عوامل مختلف نامناسب، جواب منفی دختر یا پسر معقول است و این حقی است که خداوند برای هر فردی قرار داده که تصمیم‌گیرنده زندگی آینده خود باشد.



۲- انتخاب بر اساس باور به «بخت خوب»، فقط بخت نخست!»

این نیز یکی از باورهای فاقد منطق است که به سپردن سرنوشت خویش به شانس و احتمال می‌انجامد. در برخی موارد نیز این تفکر که «بخت خوب، همان بخت اول است»، موجب شده تا بسیاری از دختران در سنین پایین و اغلب به طور ناخواسته ازدواج نمایند. متأسفانه پیامد این باور آن است که اکنون بسیاری از دختران به ویژه در مناطق دورافتاده و خرده‌فرهنگ‌ها، پس از ازدواج متحمل رنج‌ها و آسیب‌های گوناگون می‌شوند. این در حالی است که ما همواره در خصوص دقت در همسرگزینی برای دختران مورد سفارش قرار گرفته‌ایم؛ چون ازدواج همچون ریسمانی بر گردن است که فرد را به اطاعت وامی‌دارد^(۱).

۳- انتخاب بر اساس استخاره

بر خلاف تصور عمومی، معنای واقعی استخاره در فرهنگ امامان معصوم صرفاً نوعی «دعا» و «طلب خیر کردن»^(۲) در اموری مهم همچون ازدواج است^(۳) و نه آنچه امروز متداول و مرسوم است که سرنوشت افراد تنها به شانس باز شدن یک صفحه از قرآن کریم یا وسایلی مانند آن بستگی دارد. شیوه معصوم در این موارد، هرگز موجب تعطیلی عقل با نام دین نبوده است و امامان معصوم از مسیر عقل به تصمیم‌گیری مبادرت می‌ورزیدند. به کارگیری روش استخاره هرگز نمی‌تواند مقدم بر تحقیق، پرس‌وجو، مشاوره و فرمان عقل باشد. به همین دلیل، همواره باید به این اطمینان برسیم که این فرد نابهنجار نیست؛ بلکه صرفاً در مورد جامع بودن او و همسانی با خودمان با تردید روبه‌رو هستیم. در واقع، استخاره مربوط به مواردی است که تحقیقات انجام شده و ما در مورد جامعیت او یا همسان بودن با خودمان یا مواردی دیگر در یک حالت میانه قرار داریم و برای نهایی کردن و انتخاب یکی از دو طرف مساوی استخاره می‌کنیم نه این‌که همه چیز را رها کرده و فقط با استخاره انتخاب کنیم.

۱. هرگاه شخصی از شما دخترش را شوهر می‌دهد، او را در اطاعت شوهر درآورده است، پس لازم است تا هر یک از شما دقت کند که دخترش را در اختیار چه کسی قرار می‌دهد (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۷۱).

۲. استخیر الله

۳. مراجعه کنید به: وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۴؛ بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۲۵۶.

فصل ۴

لزوم فوریت ازدواج

◀ سن مناسب برای ازدواج

سنّ ازدواج نه تنها در جوامع مختلف متفاوت است، بلکه در جامعه‌ای واحد نیز در طول زمان ثابت نمی‌ماند و بر طبق شرایط مختلف، کم و زیاد می‌شود. بی‌تردید مسأله بلوغ جنسی به عنوان یک عامل زیستی و فیزیولوژیک، تا اندازه‌ای در تعامل با محیط، آهنگ متفاوتی به خود خواهد گرفت. در مناطق گرمسیری بلوغ جنسی (و نه بلوغ شناختی-اجتماعی یا عاطفی) که وابستگی شدیدی به وضعیت بدنی دارد، سریع‌تر از مناطق سردسیری صورت می‌پذیرد. در یک منطقه خاصّ ما واقعاً نمی‌توانیم ازدواج را محدود به سن خاصی بدانیم؛ بلکه این مسأله بیشتر به ظرفیت شناختی افراد نسبت به کل هستی و زندگی مشترک و زناشویی وابسته است. تردیدی نیست که تا چنین بینشی ایجاد نگردد، هر گونه تلاش زود هنگام برای تشکیل خانواده اقدامی نامناسب به شمار می‌آید. در واقع، «هر چند مقتضای طبیعت انسان این است که هر گاه به بلوغ جنسی رسید، به ارضای نیاز جنسی اقدام کند، ولی از آنجا که ازدواج به عنوان شیوه بهنجار ارضای این نیاز، تنها بُعد زیستی ندارد و مانند دیگر امور انسانی با فرهنگ شکل گرفته و جهت می‌یابد، معمولاً افزون بر بلوغ جنسی، بلوغ اجتماعی و اقتصادی نیز ضرورت می‌یابد» (بستان، ۱۳۸۵). در حالی که، بلوغ جنسی بیشتر به سن و شرایط غذایی و محیطی وابسته است، بلوغ اجتماعی نیز به معنای کسب شناخت کافی از قواعد و هنجارهای اجتماعی و داشتن قدرت لازم برای تشخیص امور و توانایی برای تصمیم‌گیری در مواقع لزوم است.

با تحقق بلوغ جنسی، یکی از نیرومندترین غرایز انسان، یعنی غریزه جنسی به طور طبیعی ایجاد می‌شود. در این صورت، جوان باید تلاش کند تا خود را در برابر انحرافات جنسی مصون سازد، این غریزه را در مسیری سالم به کار گیرد و آن را به نحوی سالم ارضا نماید. اما به خوبی می‌دانیم که محافظت از خویشتن در برابر نیروی غریزه جنسی نسبتاً دشوار است و مستلزم برخورداری از تقوایی بالا است. به واسطه همین دشواری کنترل غریزه جنسی است که برخی نمونه‌ها مانند تقوای حضرت یوسف در برابر خواهش نفسانی زلیخا الگو قرار داده شده است. با این همه نباید فراموش نمود که شدت این غریزه به اندازه‌ای بالا است که خداوند نجات حضرت یوسف پیامبر را نیز وام‌دار عنایات خداوندی می‌داند^(۱) و مسلماً این نوع عنایت برای هر جوانی فراهم نیست. از طرفی شرایط کنونی جامعه به گونه‌ای است که زمینه لغزش‌هایی را بر سر راه جوانان ایجاد کرده است. در اسلام، اگرچه ازدواج به عنوان امری «مستحب مؤکّد» تلقی می‌شود، اما هنگامی که بیم آن برود که فردی به دلیل عدم توانایی کنترل غریزه جنسی در معصیت فرو می‌افتد، ازدواج بر او «واجب» می‌گردد.



۱. وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاٰ رَیُّ بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهٗ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ (سوره یوسف؛ آیه ۲۳).

ازدواج دیر هنگام

اگرچه در ازدواج دیر هنگام از هیجان‌مداری فرد کاسته می‌شود و افراد از ثبات عاطفی بیشتر برخوردارند، اما پذیرش بار مسئولیت یک زندگی مشترک برای برخی افراد که دیرتر از موعد مقرر به ازدواج روی می‌آورند، غیرقابل تحمل خواهد بود. بر هم خوردن سبک زندگی شخصی، که در آن لزوم هماهنگی با هیچ فرد دیگری نیاز نبوده است، احتمالاً یکی از عوامل مؤثر در این زمینه است.

ازدواج بر اساس ترتیب تولد

گاهی والدین بر این باور هستند که دختران‌شان بر اساس ترتیب تولد ازدواج کنند. گاهی والدین بیم آن دارند که اگر از دختر بزرگ‌تر عبور کنیم، ممکن است از این پس هرگز خواستگاری برای او مراجعه نکند. این موضوع گاهی باعث می‌شود سرنوشت چند خواهر یا برادر به یکدیگر وابسته شود و آنها نیز با مشکلاتی در این زمینه روبه‌رو شوند.

بدون تردید، در مواردی خواهران یا برادران، ازدواج را عمداً به دلیل ادامه تحصیل یا موارد مشابهی به تأخیر می‌اندازند و یا از روی سخت‌گیری و سواسی خواستگارهای‌شان را رد می‌کنند. هرگز نباید ازدواج را به تأخیر انداخت و اساساً این فرهنگ باید از جامعه زوده شود و هر یک از افراد باید در انتخاب زمان، مکان و فرد شایسته خود آزاد باشند.

ازدواج زودهنگام

ازدواج‌های زودهنگام به آن دسته از ازدواج‌ها اطلاق می‌شود که فرد، حداقل به یکی از شرایط بلوغ جنسی، شناختی و یا اجتماعی دست نیافته باشد. مشکل ازدواج زودهنگام برخاسته از عدم آمادگی برای پذیرش تعهدات ازدواج و نقش‌های ناشی از آن است (وینچ، ۱۹۷۱). هر چند اسلام سن خاصی را برای ازدواج مقرر نکرده است؛ اما بر اساس روایات معتبر اهل بیت^(ع) و سیره عملی آنها، شواهد معتبری برای تعجیل در ازدواج به دست آمده که باید آن را بر لزوم اقدام به ازدواج در نخستین زمان ممکن با این شرط که مصالح فرد هم در آن در نظر گرفته شود، تلقی نمود^(۱). اسلام مشکلات ناشی از ازدواج‌های زودهنگام را نادیده نمی‌گیرد و برای رفع آنها کوشش می‌نماید (بستان و همکاران، ۱۳۸۵).

به خوبی می‌دانیم که گاهی فاصله بین زمان عقد تا عروسی، چند سال به طول می‌انجامد؛ در نتیجه، انتظار می‌رود که با آموزش مهارت‌های لازم، ظرفیت شناختی هر دو طرف نسبت به مسایل زندگی ارتقا یابد. به هر صورت، از نظر روان‌شناختی تحقق ظرفیت شناختی در جوانی که خواهان ازدواج است، ملاک قطعی و کامل‌ترین پیش‌بینی کننده برای ازدواج مناسب است.



۱. «یکی از حقوق فرزند بر پدر، آن است که پس از بالغ شدن، او را به ازدواج در آورد» وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۰.



بخش ۳

خواستگاری و مسائل مرتبط

فصل ۱

آشنایی

آشنایی، نخستین گام برای انتخاب همسر است. متداول‌ترین روش برای آشنایی، از طریق معرفی دیگران و برگزاری جلسه خواستگاری صورت می‌گیرد. منظور از آشنایی در این بحث صرفاً روشی است که در آن دو نفر از وجود یکدیگر آگاه می‌شوند. این آشنایی را «آشنایی مقدماتی» می‌گویند. بنابراین مقصود از نحوه آشنایی روشی است که طرفین، نخستین ارتباطها و برخوردها را بر پایه آن با یکدیگر برقرار می‌کنند. اما در بیشتر موارد، مقصود از آشنایی، شناخت و آگاهی تفصیلی و روشی هدف‌مند به منظور کسب اطلاعات درباره فرد مقابل با هدف ارزیابی برای ازدواج است.

◀ مراقب تأثیر جاذبه باشید

جذابیت ظاهری شامل جذابیت بدنی، لباس و آرایش می‌شود که بیشترین تأثیر را بر ما می‌گذارد، می‌تواند ما را از منطق دور سازد و فریب دهد و ما به سادگی نمی‌توانیم از آن رها شویم. پس ما جذب افراد جذاب می‌شویم؛ در این صورت، روشن است که به احتمال زیاد مشاهده برخی صفات مطلوب، وجود صفات نامطلوب را می‌پوشاند، در حالی که اغلب هیچ منطقی برای این گرایش درونی خود نداریم. نباید فراموش نمود که ظاهر جذاب، الزاماً به رضایت زناشویی بیشتر و یا زندگی شادمانه‌تر منتهی نمی‌شود (برشاید و همکاران، ۱۹۷۲)^(۱). این مسأله هنگام آشنایی با یک فرد به منظور همسرگزینی نیز رخ می‌دهد؛ مثلاً انتظار داریم که یک دختر یا پسر «زیبا و جذاب»، دارای خصوصیتی همچون: «مهربان»، «باهوش» و «صمیمی» و در مجموع «همسری بالقوه خوب» باشد. همچنین به عنوان یک زن انتظار دارید که یک مرد که اخیراً به شما در انجام برخی کارها کمک کرده است، از سایر خصوصیات، همچون «سخاوتمندی»، «شجاعت» و «عقلانیت» نیز برخوردار باشد. در این صورت متقاعد خواهید شد که می‌توان به او برای همسر بودن اعتماد نمود. از طرفی یک دختر یا پسر جوان که در اوج غریزه جنسی و نیاز جدی به همسر است ممکن است با دیدن ظاهر زیبا، فریب ظاهر را خورده و معایب او را نادیده بگیرد و به معیارهای صحیح انتخاب دقت نکند.

◀ نحوه آشنایی طرفین

برای آشنایی در امر ازدواج حتماً مسیرهایی را که اطمینان بیشتری دارند انتخاب کنید. یک مسیر مطمئن مسیری است که در آن فرد مورد نظر به صورت حقیقی، عینی و ملموس قابل دسترس بوده و موجودیت و هویت او به طور کامل شناخته می‌شود. همچنین ضروری است که یکی از افراد که سرپرستی شما را بر عهده داشته و دارای تجارب کافی است را به عنوان حامی برای بررسی فرد مقابل برگزینید. این فرد خواهد توانست بر جریان آشنایی شما نظارت داشته و آن را ارزیابی نماید و موارد مخاطره‌آمیز را یادآور شده و از آن پیشگیری نماید. هرگز در آرایه مشخصات خود برای طرف مقابل شتاب‌زده رفتار نکنید. این‌گونه رفتارها هنگامی که از سمت دختران صورت می‌پذیرد، فرد مقابل یا اطرافیان او را به تفسیرهای نادرستی سوق می‌دهد و چنین تصور می‌کنند که دختر قصد تحمیل خود را بر پسر دارد.

1. Berscheid, E., Walster, E., & Campbell, R. (1972). Grow old along with me. Unpublished manuscript, Department of Psychology, University of Minnesota.

پرهیز از ایجاد وابستگی

همیشه به فکر «انتخاب عاقلانه و زندگی عاشقانه» باشید. یادتان باشد «عشق هرگز کافی نیست!». در آشنایی مقدماتی یکی از توصیه‌های همیشگی به دختران و پسران این است که: «مادامی که التزام جدی به فرد مقابل، در حضور خانواده و متعهد شدن نسبت به همدیگر بر اساس عرف، شرع و قانون به وقوع نپیوسته، به همدیگر دل نبندید!». این هشدار به‌منظور پیشگیری از آسیب‌هایی است که غالباً دختران و پسران در نتیجه عدم تحقق ازدواج دلخواه‌شان با آن روبه‌رو می‌شوند. به هر حال، هرگز نباید احتمال عدم تحقق ازدواج را از نظر دور داشت. در این صورت افراد به یکدیگر وابسته شده و معمولاً دختران در این بین از لحاظ عاطفی متحمل ضربه‌های شدیدی می‌شوند. چون بعد از وقوع وابستگی عاطفی، آسیب‌های روانی متعددی برای فرد پیش خواهد آمد.

آشنایی از طریق فضای مجازی

آشنایی از طریق فضای مجازی که امروزه متداول شده است، ذاتاً روش مطلوبی نیست، چون احتمال بسیاری وجود دارد که افراد اطلاعات نادرستی را از خود ارایه دهند و میزان شناخت نسبت به فرد مقابل نیز اندک است. در فضای مجازی افراد خود را مطلوب جلوه می‌دهند و فرد مقابل بر این اساس اقدام به عمق بخشیدن به رابطه نموده و خود را متعهد و ملتزم به فرد مقابل می‌داند؛ گاهی نیز ممکن است وابستگی صورت پذیرد که حتی با وجود عدم مطلوبیت فرد به علت وابستگی، باز هم مجبور به ادامه رابطه خواهد بود؛ حتی اگر فرد مقابل نه به نیت ازدواج، بلکه به قصد سوءاستفاده از فرد مقابل، رابطه را آغاز کرده باشد. اما در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اغلب با آشکار شدن حقیقت، پس از اقدام به ازدواج، فرد خود را در مقابل یک عمل انجام شده می‌بیند و آسیب‌های گوناگونی متوجه او خواهد شد. بنابراین نباید ارتباط مجازی طولانی‌مدت را جبران‌کننده ضعف این نوع آشنایی دانست.

اگر به هر دلیل چاره‌ای جز استفاده از فضای مجازی برای آشنایی و انتخاب همسر ندارید، باید بسیار محتاطانه و در مراحل بعدی به صورت حضوری و از طریق ارتباط خانواده‌های طرفین و نه ارتباط حضوری خودسرانه تا سر حد اطمینان نسبت به شایستگی و لیاقت فرد مقابل مسأله را پیگیری نمایید تا به یک شناخت نسبتاً کامل و اطمینان‌بخش دست یابید.



ازدواج در مراکز همسریابی

واسطه‌ها

در فرهنگ ایرانی افرادی خیرخواه وجود دارند که با آشنایی با خانواده‌های طرفین، دو خانواده را به یکدیگر معرفی نموده و برای تحقق ازدواج فرزندان آنها تلاش می‌کنند. پیامبر اکرم می‌فرماید: هر کس مقدمات ازدواج دو نفر را فراهم نماید، خداوند او را با زنان بهشتی تزویج می‌نماید و به هر قدمی که برداشته و به هر کلمه‌ای که در این مورد بیان داشته است، خداوند پاداش یک‌سال عبادت را برای او ثبت می‌نماید^(۱).

اما افراد واسطه باید توجه داشته باشند که بدون شناخت، نباید تلاش کنند تا به هر نحو ممکن ازدواج به وقوع بپیوندد. همین‌طور طرفین هم نباید تحت تأثیر اصرارهای واسطه قرار گیرند؛ بلکه با بررسی همه جانبه موضوع و مشاوره اقدام مناسب را انجام دهند. این نوع وساطت‌های خیرخواهانه اگر همراه با شناخت خوبی از دو طرف باشد و سعی شود افراد و خانواده‌های با افکار نزدیک به هم به یکدیگر معرفی شوند، بسیار ارزشمند است.

اگر قصد رجوع به هر یک از مراکز همسرگزینی را دارید، در ابتدا حتماً باید از روش‌های گردش کار (فرایند عمل) این مؤسسات آگاهی کامل پیدا کنید و هرگز به طور خودسرانه اقدام ننمایید؛ به همین دلیل کاملاً ضروری است که همیشه به همراه والدین و سرپرست خود با این مؤسسات ارتباط برقرار نمایید و در هیچ یک از مراحل به تنهایی یا پنهانی با مجموعه و کارکنان ارتباط برقرار ننمایید. وجود برخی سوابق مثبت و دریافت نشان‌ها و کسب رتبه‌های گوناگون نیز نمی‌تواند اطمینان آفرین و باعث پیشگیری از آسیب‌ها باشد. در هر صورت و تحت هیچ شرایطی با کارکنان این قبیل مؤسسات، خارج از روال و چارچوب سازمانی اقدام به برقراری رابطه ننمایید؛ تمام مراحل که جزء گردش کار این مؤسسات است باید، عیناً در پرونده درج گردد و در صورت هرگونه تخطی و پیشنهاد درخواستی نامعقول از سوی کارکنان، رییس و مسؤول مؤسسه را در جریان قرار داده و در غیر این صورت مقامات انتظامی و قضایی را در جریان خواسته‌های نامشروع مؤسسه مذکور قرار دهید. به هر حال می‌دانیم که هر مؤسسه‌ای از عده‌ای افراد تشکیل شده است که در بهترین شرایط، باز هم ممکن است یکی از کارکنان و از جمله یکی از متولیان همان سازمان شخصاً یا با تبانی چند نفر دیگر، خارج از وظایف اداری و سازمانی خود، به سوءاستفاده از اطلاعات خصوصی و محرمانه افراد مبادرت نمایند.

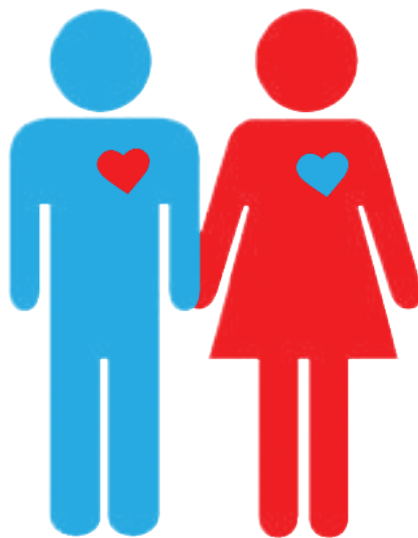


پرهیز از گفتگوی خودسرانه

به دختران توصیه می‌شود که هرگز خودسرانه به گفتگو با پسر یا خانواده او نپردازند. پذیرش دعوت‌ها مخاطره‌آمیز هستند و فرصت‌هایی که طلایی می‌نمایند، بیشتر افراد را نگون بخت می‌سازند. گذشته از فریب‌ها که بیشتر دامن‌گیر افرادی است که بدون خانواده اقدام می‌کنند، فاقد پشتوانه هستند و در بسیاری از موارد شرایط ناخواسته به آنها تحمیل می‌شود. ممکن است فردی بگوید چون خانواده‌های ما اجازه نمی‌دهند که ما راحت با هم گفتگو کنیم، بنابراین لازم است خودمان بدون نظارت آنها به گفتگو بپردازیم. استقبال از این مسأله می‌تواند خطرآفرین باشد. چون با ایجاد یک جاذبه و تمایل بین دو جنس ممکن است محور روابط آینده از ازدواج خارج گردد یا شناخت لازم حاصل نشود و خطرهای جدی در پی داشته باشد.

روابط پیش از ازدواج

دوست شدن‌ها و روابط صمیمانه پیش از ازدواج^(۱)، به صورت جدی از سوی منابع اسلامی مورد نکوهش قرار گرفته است.^(۲) یک بررسی تطبیقی (سایینی، ۱۹۹۵، ص ۵۱۹) که در شصت و شش کشور صورت گرفته است، نشان داده است که هر اندازه زنان در جامعه بیشتر با مردان در ارتباط باشند، میزان طلاق بالاتر خواهد بود. فقدان اعتماد نسبت به همسری که پیش از ازدواج با فردی دیگر در ارتباط بوده است، میزان اعتمادپذیری زوجین نسبت به دیگری را کاهش می‌دهد؛ چرا که هر یک از آنها به این می‌اندیشند که او می‌تواند مجدداً وارد رابطه‌ای دیگر شود. از سوی دیگر، هنگامی که وابستگی ایجاد می‌شود معمولاً مشکل است که افراد درگیر بتوانند به یک ارزیابی مبتنی بر شناخت دست یابند؛ چون معمولاً ذهن به برخی فیلترهای محدودکننده آلوده می‌شود و برخی از اطلاعات مهم را تصفیه می‌کند و همین‌طور در جذب اطلاعات نیز به طور گزینشی عمل می‌کند. این تصفیه و گزینش اخبار و اطلاعات باعث می‌شود تا بخش قابل توجهی از اطلاعات که برای یک تصمیم منطقی ضروری هستند از میان بروند. حتی اگر روش شما خواستگاری رسمی باشد، باز هم در فرآیند کسب شناخت نباید به یکدیگر وابسته شوید و مسأله باید در حدّ یک علاقه برای ادامه دادن، اگر تمام جوانب فرد مقابل مثبت باشد باقی بماند.



1. Premarital relationships

۲. و لا متخذات اخدان؛ ترجمه: و نه زنانی که دوستان پنهانی می‌کنند (سوره نساء: ۲۵) و لا متخذی اخدان؛ ترجمه: و نه مردانی که دوستان پنهانی می‌گیرند (سوره مائده: ۵). (سایینی، ۱۹۹۵، ص ۵۱۹)

ارایه پاسخ به درخواستها

خیابان محل عبور و مرور است و نه محل انجام خواستگاری. خواستگاری مناسب تنها در حضور خانواده صورت می‌گیرد. دختری که در خیابان به درخواست دیگران رأساً پاسخ می‌دهد نشان می‌دهد که در خانواده‌ای زندگی می‌کند که سرپرستی مناسبی نداشته یا به خانواده و والدین خود اعتماد ندارد و برای آنها ارزشی قایل نیست. این کار عملاً فرصتی را برای ضربه خوردن دختر در زندگی زناشویی فراهم می‌آورد. در واقع، هیچ چیز مانع از آن نخواهد بود که ما از این رفتار شتاب‌زده و مبتنی بر هیجان دختر برداشتی دیگر داشته باشیم.



ارایه درخواست خواستگاری با روش منطقی

در آموزه‌های اسلامی خواستگاری از آداب خاصی برخوردار است که بر اساس آن شایسته است نخست فرد نیت خواستگاری کند و با وضو و [دو رکعت^(۱)] نماز بگزارد و به دعا بپردازد:

«بار خدایا! تو می‌توانی و من نمی‌توانم. تو می‌دانی و من نمی‌دانم. تو بر همه چیز آگاهی. پس اگر در فلانی (نام او را می‌برید) برای دین و دنیا و آخرت من خیر می‌بینی، و اگر جز او را برای دین و دنیا و آخرت من بهتر می‌بینی، او را برایم قسمت فرما»^(۲).

به دختران و خانواده‌های آنها مؤکداً توصیه می‌شود تنها از روش‌های اطمینان برانگیز و قطعی درخواست‌های خواستگاری را بپذیرند و از پذیرفتن هرگونه درخواست فاقد مشخصات و ناگهانی بپرهیزند. مسیرهای کوتاه ممکن است یک بخت و اقبال، ارزیابی شوند؛ اما گاهی پرمخاطره هستند. بنابراین توصیه می‌شود که مسیرهای غیرمتداول و نامرسوم را نادیده انگارند.

۱. امام علی (علیه‌السلام): دو رکعت نماز بگزارد و در آن سوره حمد و پس را بخواند! (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۶۸، ح ۱۸).

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱۱۸۱. عن ابی ایوب الانصاری (کی‌نیا، ۱۳۶۹).

خواستگاری دختر از پسر

هرچند بر اساس منابع تاریخی همواره خواستگاری از سوی مردان صورت می‌گرفته است، اما همواره این پرسش مطرح بوده است که آیا این مسأله می‌تواند از سوی جنس دختر نیز صورت پذیرد.

اگر چه نمی‌توان هیچ‌گونه منع شرعی یا قانونی را در این زمینه مشاهده نمود، اما ترجیح داده می‌شود که این مسأله رخ ندهد. البته از آنجا که فرهنگ‌ها دارای تفاوت‌های چشم‌گیری هستند، ممکن است در این مورد نیز تفاوت‌هایی مشاهده شود؛ با وجود این، در اغلب فرهنگ‌ها خواستگاری از سوی پسر صورت می‌گیرد.

بنابراین درخواست جنس مرد از دختر مرسوم و متداول است. بخش زیادی از نگرانی‌ها در مخالفت با پیشنهاد دادن دختر برای ازدواج، به این احتمال باز می‌گردد که ممکن است در آینده از آن به عنوان یک دستاویز علیه دختر استفاده شود. شوهران بدرفتار اغلب اظهار می‌کنند که «خود من را به این ازدواج مجبور کردی!» اما در قرآن کریم خواستگاری حضرت شعیب از موسی نقل شده و خداوند آن را زشت ندانسته است و هیچ اشکالی ندارد که از طرف خانواده دختر به پسری پیشنهاد ازدواج داده شود البته اگر این نوع پیشنهاد از طرف ریش سفیدها و بزرگ‌ترها باشد بهتر است.

کسب اطلاعات اولیه پیش از جلسه خواستگاری

کسب اطلاعات درباره وضعیت فرد مقابل از لحاظ دارا بودن برخی شرایط اساسی برای هر یک از طرفین، یکی از وظایف مهمی است که باید پیش از برگزاری جلسه خواستگاری صورت پذیرد. در واقع، تعداد قابل توجهی از جلسات خواستگاری با نتیجه منفی از پیش تعیین شده‌ای روبه‌رو هستند و هیچ توجیهی برای این برخورد ندارند. واسطه‌هایی که خانواده‌ها را به هم معرفی می‌کنند اگر دقت کنند می‌توانند مانع این نوع خواستگاری‌های بی‌نتیجه باشند.



پرهیز از ردّ یا پذیرش زودهنگام

پس از کسب برخی اطلاعات و استنباط یک ناهمگونی احتمالی در برخی موارد جزئی، هیچ‌گاه نباید در تصمیم‌گیری برای ردّ فرد مقابل شتاب‌زده اقدام نمایید. این الزام درباره مسایل جزئی و کم‌اهمیت، حتی پس از نخستین برخورد نیز باید رعایت گردد.

برای مثال، ممکن است درباره چهره فرد یا رنگ پوست یا برخی مسایل دیگر، گزارش‌هایی را دریافت نمایید که شما را نگران سازد؛ یا حتی خودتان آن ایراد جزئی را مشاهده نموده یا به آن پی ببرید؛ با وجود این، هیچ‌گاه پیش از انجام یک گفتگوی کامل درباره سایر شرایط و مشاهده کلّ موقعیت به تصمیم زودهنگام درباره ردّ یا پذیرش ازدواج مبادرت ننمایید.





فصل ۲

گفتگو و روش های مربوطه

مکان مناسب برای خواستگاری و گفتگو

محل انجام گرفتن خواستگاری معمولاً خانه دختر است. برخی از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که خواستگاری از دخترشان در محل زندگی آنها صورت نگیرد تا در محل زندگی، مشکلاتی را برای آنها پدید نیاورد. این دسته از خانواده‌ها نگران آن هستند که در صورت موفقیت آمیز نبودن جریان خواستگاری، ممکن است از تمایل سایر خواستگاران دیگر نیز کاسته شود. همچنین گاهی خانواده یکی از طرفین در شهر دیگری زندگی می‌کند و ممکن است تمایل به خواستگاری در یک مکان خارج از محل زندگی باشد. آنچه بیان شد، ممکن است برای برخی از خانواده‌ها موجه باشد؛ اما نباید از آن به عنوان یک بهانه استفاده کرد و همواره ترجیح بر آن است که خواستگار با حضور در خانه دختر با فضای زندگی، فرهنگ و آداب خانواده وی آشنا شود.

شرایط مکان گفتگو

بهترین مکان برای گفتگو مکانی است که ساده، آرام و فاقد هرگونه تجمّلات و تشریفات باشد. هر اندازه یک مکان دارای تجمّلات خاص باشد، امکان پدید آمدن جوّ هیجانی بیشتر خواهد بود و مانع از کنش واقعی دو طرف خواهد بود. هر چقدر در یک مکان تشریفات قرار گیرند، علاوه بر ایراد فوق، فرصت کمتری نیز در اختیار قرار می‌گیرد تا درباره مسایل اصلی گفتگو کنند. لازم است که هیچ شخص ثالثی در آن مکان حضور نداشته باشد یا تردد نکند. حضور افراد دیگر اعم از والدین، مشاور یا هر فرد دیگر، مانع از خودافشایی دو طرف در گیر در امر ازدواج خواهد بود؛ چه بسا لازم باشد مسایلی بین طرفین تبادل گردد که طرفین قصد نداشته باشند برای فردی دیگر بازگو کنند.

حضور فیزیکی و مجاورت فیزیکی، این امکان را به ما می‌دهد تا با ارزیابی «زبان بدن»^(۱) فرد مقابل، به بخشی دیگر از «پیام‌های غیر کلامی»^(۲) ناخواسته که قابل اعتمادتر از «پیام‌های کلامی»^(۳) هستند، دست یابیم. گفتگو از طریق تلفن با محدودیت‌های خاصی روبه‌رو است که اغلب واقعیت‌ها را درباره افراد پنهان می‌سازد و نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای گفتگوی حضوری محسوب گردد.

- 1 . Body language
- 2 . Non-Verbal messages
- 3 . Verbal messages

جلسه نخست خواستگاری و گفتگو

نخستین جلسه خواستگاری و گفتگو معمولاً با هم صورت می‌گیرد. نخستین جلسه گفتگوها بیشتر صرف بررسی وضعیت کلی یکدیگر خواهد شد؛ اینکه آیا وضعیت ظاهری دختر و پسر مورد تأیید یکدیگر هست یا نه و آیا خانواده‌ها نظری مساعد درباره یکدیگر دارند یا نه، موضوع گفتگو در این نخستین جلسه خواهد بود. گاهی ممکن است با یک تمایل مقدماتی دختر و پسر و موافقت اجمالی خانواده‌ها، طرفین علاقمند باشند تا دختر و پسر با یکدیگر به گفتگو بپردازند که در این صورت نخستین جلسه گفتگو همراه با جلسه خواستگاری شکل می‌گیرد.

در ادامه، دختر و پسر به گفتگو درباره خودشان و تاریخچه‌ای از زندگی خودشان می‌پردازند. روشن است که بیان هیجانی خاطرات گذشته مطلوب نیست، بلکه گفتگو صرفاً درباره مسیری خواهد بود که من به عنوان یک شخصیت از آنها عبور کرده و از رهگذر آن به وضعیت کنونی رسیده‌ام. این در حالی است که بیان خاطرات، امری جزئی و شخصی بوده و عمدتاً با هدف سرگرمی یا عبرت‌آموزی صورت می‌گیرد.



قواعد جلسه خواستگاری

خواستگاری باید به صورت رسمی و حضوری و الزاماً توسط خود فرد خواهان و خانواده او صورت گیرد و نه توسط پیک و واسطه. در ابتدا هرگز نیاز به آگاه ساختن همه اهل فامیل نیست، چراکه گاهی ممکن است توافقی صورت نگیرد.

نخستین جلسه دیدار را جدی تلقی کنید و برداشت خوبی را مطابق آنچه که واقعیت دارد از خودتان بر جای بگذارید. عمل به این توصیه هرگز به معنای مجاز دانستن فریب کاری نیست، بلکه دقیقاً به عکس، به معنای آن است که با اعمال سلیقه، اجازه ندهید تا تصویری معیوب از شما در اذهان دیگران شکل بگیرد. همچنین سعی نکنید تصویری را جز آنچه واقعاً هستید، از خود به نمایش بگذارید یا وضعیتی کاملاً مغایر با زندگی اصلی خودتان را ارایه دهید. این قبیل ترفندها به زودی آشکار می‌شوند.

مؤکداً به خانواده دختران توصیه می‌شود که از شتاب‌زدگی در انجام کارها و اصرار در تعارف نمودن پرهیز کنند. این قبیل رفتارها موجب برانگیختن شک و بروز سوءتفاهم در خانواده پسر می‌شود و آنها را به تأمل وامی‌دارد تا علت این شتاب‌زدگی را دریابند. در این موارد بر اساس تشریفات معمول رفتار کنید. مثلاً: «اصرار بر ماندن برای صرف شام!» در برابر یک خانواده غریبه کاملاً فاقد توجه بوده و ممکن است معنای نامناسبی را القا کند. این به معنای آن نیست که برخلاف آداب و توصیه‌های اسلامی در باب اکرام به میهمان و کرامت انسان، خانواده‌ها را بی‌دلیل در انتظار بگذاریم، بلکه صرفاً به این معنا است که خانواده‌ها باید با آرامش و وقار به پاسخ‌دهی بپردازند. برخی توصیه‌های غیرکارشناسانه بر خلاف آداب و شئونات اسلامی مانند: «تأخیر در باز کردن در منزل!»، و مانند آن، هرگز مجوزی نداشته و رفتاری اخلاقی تلقی نمی‌شود. همچنین به دختران توصیه می‌شود که در جلسه آشنایی از زیاده‌روی در حرف زدن در برابر خانواده دیگر خودداری نمایند و حساب شده و عاقلانه گفتگوهای لازم را برای شناخت بهتر مطرح کنند.

گفتگوی طرفین

توصیه می‌شود که والدین از انجام این مرحله طفره نروند و مناسب‌ترین فرصت‌ها را به آن اختصاص دهند. انجام گفتگو میان طرفین نباید به عنوان یک رسم معمول و تشریفات نگریسته شود. افراد بسیاری را می‌شناسیم که بر اساس پیش فرض‌هایی ناکافی از این مرحله عبور کرده‌اند و صرفاً آن را به عنوان یک رسم تشریفاتی سپری کرده‌اند. این افراد اغلب، بدون آنکه به یک شناخت ارزشمند درباره فرد مقابل دست یافته باشند، به تصمیم مثبت رسیده‌اند، اما بعدها نسبت به این انتخاب زود هنگام و بدون دقت اظهار پشیمانی کرده‌اند.

تعداد جلسات گفتگو

برخی از خانواده‌ها اصرار بیش از اندازه دارند که جلسات خواستگاری کاملاً محدود برگزار شود و فوراً خاتمه یابد. متعدد شدن جلسات گفتگو نباید مایه نگرانی ما یا والدین شود. هر چه شناخت طرفین از یکدیگر بیشتر باشد، تصمیمات واقع بینانه‌تری را اتخاذ خواهند نمود. البته روشن است شما در طی چند جلسه نمی‌توانید به بخش عظیمی از واقعیت‌های ناپیدا دست یابید. بنابراین می‌توان توصیه نمود که خانواده‌های طرفین شرایطی را برای تعامل در خارج از جلسات گفتگو، مانند: سفرهای کوتاه‌مدت دو خانواده تدارک ببینند که در طی آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی فرصت ظهور پیدا کنند. در چنین موقعیت‌هایی، افراد و خانواده‌ها با احتمال بیشتری از نقش بازی کردن خارج شده و به صورت طبیعی رفتار می‌کنند. در نتیجه، خصوصیات افراد هر دو خانواده و به ویژه دو طرف اصلی بارز و آشکار گردیده و می‌توان بر اساس آن‌ها به تصمیم‌گیری پرداخت. البته باید توجه داشت که گفتگو و مرادو دختر و پسر باید کاملاً حساب شده و تحت نظارت اولیا باشد. توجه داشته باشید که ظرفیت کسب شناخت از طریق گفتگو محدودیت خاصی داشته و دارای یک سطح اشباع‌پذیری خاصی است؛ در نتیجه، کسب شناخت بیشتر درباره فرد مقابل هرگز از راه برگزاری جلسات متعدد امکان‌پذیر نبوده و به همین دلیل برخی روش‌های مکمل دیگر مانند: پرس‌وجو و تحقیقات، تعامل خانوادگی و انجام سفرهای کوتاه‌مدت باید مورد توجه خانواده‌ها باشد.



لزوم آشکارسازی پیام‌های مبهم

گاهی فردی که خواهان ازدواج با شما است، هنگام ارایه اطلاعات درباره خود، پیام‌های مبهمی را برای شما ارسال می‌کند تا در آینده به دروغ‌گویی، کتمان حقیقت و امثال آن متهم نشود. این افراد تلاش می‌کنند تا با استفاده از ترفندها به اهداف خود دست یابند و بعدها در صورت بروز هر مسأله‌ای مدعی هستند که قبلاً درباره آنها توضیح داده‌اند و بی‌توجهی شما بر عهده آنها نیست. در بیشتر مواقع، والدین او، یا همراهان فرد یک مسأله را با قصد کوچک‌سازی آن مطرح می‌سازند. در این مواقع بهترین روش برای مقابله با این قبیل پیام‌های مبهم، خارج ساختن آنها از وضعیت ابهام به وسیله پرسش‌های جزئی است. به چند نمونه در این زمینه توجه نمایید:

نمونه ۱



فرد الف: «پسر/ دختر ما گاهی تحمل خود را از دست می‌دهد.»
فرد ب: «دقیقاً توضیح دهید که منظور شما از تحمل چیست و در این مواقع چه می‌کند؟»

نمونه ۲



فرد الف: «من هم مثل شما قصد دارم تا درجه دکتری ادامه دهم.»
فرد ب: «ممکن است بدانم که مدرک کنونی شما چیست؟»
- «با چه معدلی قبول شده‌اید؟ چگونه بعد از ازدواج ادامه تحصیل خواهید داد؟ و»

نمونه ۳



فرد الف: «فقط گاهی اوقات صدایش بالا می‌رود.»
فرد ب: «منظورتان این است که عصبانی است؟»
«آیا او زیاد عصبانی می‌شود؟ و در موقع عصبانیت چه واکنش‌هایی را بروز می‌دهد؟»

لزوم توجه به پرسش‌های فرد مقابل

ولتر توصیه کرده است که افراد را از پرسش‌های‌شان بشناس و نه از پاسخ‌های‌شان (هاجی و همکاران، ۱۳۸۴). شما می‌توانید از طرز مطرح کردن پرسش، موقعیت طرح پرسش، تعداد پرسش‌های فرد در هر زمینه، فاصله زمانی بین پرسش‌ها به برخی حقایق پنهان، دغدغه‌ها و روحیات و خلقیات فرد مقابل پی ببرید.



فصل ۳

تحقیق درباره فرد مقابل

می‌دهند و مشاهدات ناشی از تعاملات اجتماعی نمی‌توانند تمام خصوصیات و منش‌های درونی یک فرد را به طور کامل برای ما مشخص سازد. این قبیل محدودیت‌ها باعث نمی‌شوند تا ما از این شیوه جست‌وجو چشم‌پوشی کنیم و گاهی باعث می‌شوند تا دقت بیشتری را درباره آن به‌کار گیریم. به هر حال ما راهی به جز این روش به عنوان دومین شیوه کسب اخبار و اطلاعات نداریم و باید دقت‌های لازم را به‌کار گیریم.



«کارشناسان امور خانواده بر این باورند که بسیاری از مشکلات و اختلافات خانوادگی، از شتاب‌زدگی و عدم انجام مطالعات دقیق در مرحله‌ی گزینش، اعتماد بی‌مورد به اظهار نظرهای واسطه و اطرافیان، جدی نگرفتن برخی نقاط ضعف مهم یا توجیه آنها، بزرگ‌نمایی برخی ویژگی‌های غیرمهم و در مواردی فریب‌کاری و اغفال آگاهانه نشأت می‌گیرد» (بستان، ۱۳۸۳). بر خلاف آنچه ضرورت دارد، عموم افراد گمان می‌کنند که ما صرفاً پس از برگزاری چندین جلسه خواستگاری و پذیرش اجمالی فرد، باید با جستجو درباره آنچه فرد مدعی بوده است به تأیید یا عدم تأیید آنچه گفته شده است، پردازیم. اما در واقع، ما باید در تمام مراحل خواستگاری و پیش از آن به شناسایی فرد مقابل پردازیم؛ لیکن روشن است که سطح پرس‌وجو و تحقیق در هر مرحله، متفاوت خواهد بود. مثلاً در ابتدای آشنایی دو خانواده معمولاً در تحقیق، به دریافت برخی اطلاعات در حد کلی بسنده می‌شود؛ اما همگام با پیشرفت در جلسات، بر ابعاد تحقیق افزوده شده و میدان تحقیق گسترده‌تر خواهد شد. پرداختن به تحقیق ما را از برخی محدودیت‌های کسب اطلاعات درباره فرد مقابل طی جلسات خواستگاری رها می‌سازد. البته روش تحقیق هم از محدودیت‌های خاصی برخوردار است و ممکن است فرد برخی از قسمت‌های کردار و منش خود را از دسترس دیگران دور نگه دارد؛ مثلاً واقعاً معتاد باشد و هیچ‌گونه نشانه‌ای را از خود نشان ندهد. علاوه بر آن، تحقیق کاملاً مبتنی بر یک دیدگاه شخصی است و جدای از غرض‌ورزی‌ها و کینه‌توزی‌ها، گاهی افراد با یک دید مسامحه‌گرانه فرد را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و مثلاً در مجموع او را مناسب ارزیابی می‌کنند. محدودیت دیگر آن‌که تمام افراد در جامعه بر اساس نقش‌های خود رفتار می‌کنند. بنابراین رفتاری متفاوت از آنچه واقعاً هستند نشان

ویژگی‌های افراد تحقیق‌کننده

- بتواند به آسانی تمام پرسش‌ها را مطرح سازد و متقابلاً قادر به پاسخ‌گویی باشد.
- رفتاری هوشمندانه داشته باشد، به خودافشایی نپردازد و اهداف تحقیق را فاش نسازد.
- برای دریافت اطلاعات باج ندهد و اطلاعات مهم دیگر را فاش نسازد.
- به طور نامحسوس و بدون هیاهو به کسب اطلاعات بپردازد.
- هدفمند باشد و از روی کنجکاوی درصد تجسس و کشف مطالب نامرتب باشد.
- فهیم، رازدار و با تدبیر باشد.

منابع تحقیق

خانواده فرد مقابل باید فهرستی از منابع تحقیق را در اختیار شما قرار دهد. این منابع الزاماً باید مشتمل بر موارد زیر باشد: دوستان، همکاران، آشنایان، اقوام نزدیک، بستگان و همسایگان از جمله این موارد هستند. کسبه محل، اهالی مسجد و امام جماعت مسجد، اساتید دانشگاه هم می‌توانند منابع معتبری محسوب شوند. شما هنگام تحقیق احتمالاً به مخالفان و موافقانی برمی‌خورید که ممکن است به ابراز مطالبی بپردازند. محقق اگر فهیم و دقیق باشد این‌گونه موارد را شناسایی می‌کند.

شما باید علاوه بر آنچه ذکر شد، از افرادی دیگر نیز پرس‌وجو کنید. مثلاً ممکن است خانواده مقابل نام دو نفر از همسایگان خود را معرفی نماید. شما پیش از مراجعه به این دو نفر، در ابتدا باید به تحقیق از چند تن از دیگر همسایگان مطلع که معرفی نشده‌اند، بپردازید و سپس به خانواده‌های معرفی شده مراجعه کنید. شما باید هنگام تحقیق از کسانی که در فهرست قرار ندارند، درباره افراد حاضر در لیست و ارتباطشان با خانواده مورد نظر نیز پرسش‌هایی را به عمل آورید. این شرط باید در تمام موارد منابع تحقیق رعایت شود و نباید هیچ‌گاه در آغاز به فردی که معرفی شده است، مراجعه کنیم؛ مگر آنکه فرد معرفی شده به درستی شناخته شده باشد.

فردی که قصد دارد به تحقیق بپردازد، علاوه بر آنکه باید خیرخواه شما باشد و نسبت به او مطمئن باشید، باید رفتار صادقانه داشته و واجد برخی شرایط خاص دیگر نیز باشد. فردی که مسامحه‌گر نباشد و دیگران نتوانند او را به سادگی فریب داده یا متقاعد سازند. بنابراین باید از به‌کارگیری افرادی که نمی‌توانند ارتباط خوبی برقرار کنند یا معمولاً دچار احساس شرم و گناه هستند، خودداری شود؛ چون فوراً از طرح پرسش‌های مستقیم و صریح خودداری نموده و با مطرح ساختن برخی پرسش‌ها به یک احساس شرم و تقصیر کاری می‌رسند و مسایل را به خوبی مطرح نمی‌سازند. مناسب‌ترین افراد کسانی هستند که رفتاری پرخاشگرانه نداشته و کاملاً دوستانه و قاطعانه رفتار می‌کنند. این افراد می‌توانند رفتاری صادقانه و در عین حال دوستانه داشته باشند و با دیگران ارتباط برقرار سازند.

همچنین افرادی که تلاش می‌کنند تا با استفاده از ترفندبازی به پرس‌وجو بپردازند، برای این کار مناسب نیستند؛ چون این افراد به سادگی شناسایی می‌شوند و به‌خاطر رفتار غیرصادقانه‌ای که در پیش گرفته‌اند مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند. اکنون مهم‌ترین ویژگی‌های محقق، به اختصار آرایه می‌شود:

- به خیرخواهی و صداقت او نسبت به خودتان کاملاً مطمئن باشید.
- با او رابطه‌ای صمیمانه داشته باشید تا بتوانید متقابلاً خواسته‌ها، مسایل و محدودیت‌ها را با یکدیگر در میان بگذارید.
- از شما و ویژگی‌های شما به طور کامل آگاهی داشته باشد.
- دارای حسن تدبیر، درایت و باتجربه باشد که بتواند ویژگی افراد و سخنان آنها را ارزیابی کند.
- دارای رفتار قاطع و صمیمانه باشد و کم‌رو یا پرخاشگر نباشد.
- کم‌حرف یا پرحرف نباشد.

الف. اقوام و بستگان

اقوام و بستگان یکی از منابع مهم و ارزنده برای کسب اطلاعات درباره فرد مقابل هستند. اما بزرگ‌ترین ایراد این منبع، امکان عدم بی‌طرف بودن افراد فامیل است که ممکن است آن را نامعتبر سازد. به هر حال فرد ممکن است برخی ایرادات را به زبان نیاورد یا آن را کم‌اهمیت جلوه دهد. البته افراد فامیل نیز گاهی به دلیل اختلافات ممکن است به بدگویی بپردازند که در این صورت باید چندین منبع موازی را مورد استفاده قرار دهید.

ب. همسایگان

پرس‌وجو از همسایگان نیز یکی دیگر از منابع ارزنده برای تحقیق به شمار می‌آید. این منبع از این نظر با منابع دیگر همچون بستگان تفاوت دارد که اغلب افراد فامیل دور از یکدیگر به سر می‌برند و بسیاری از افراد فامیل نمی‌توانند از نحوه تعامل افراد خانواده با یکدیگر و از مسایل خاص مرتبط با یکدیگر آگاه باشند. اما همسایگان معمولاً از طرز رفتار، آداب و معاشرت، مشاجرات درون خانوادگی، رفت‌وآمد با افراد مناسب و نامناسب، آگاهی بیشتری دارند.

میزان وجهت و اعتبار یک فرد در محله نیز یکی از مواردی است که می‌تواند اعتمادآفرین باشد و همسایگان می‌توانند به آن گواهی دهند. به همین دلیل مناسب است آدرس محله‌هایی را که این خانواده در گذشته زندگی می‌کرده، نیز درخواست نمایید و از تحقیق در آن محله‌ها غفلت نشود.

ج. دوستان و آشنایان

این منبع همواره به عنوان یک منبع سوگیرانه و جانبدارانه مطرح بوده است و به همین دلیل از این نظر کمتر می‌تواند ذاتاً مورد اعتبار قرار گیرد، اما نحوه صحبت کردن این افراد، طرز رفتار آنها، محلی که در آن زندگی می‌کنند و بسیاری از ویژگی‌های‌شان می‌تواند نشان دهنده شخصیت فرد مورد تحقیق باشد. ما با دریافت فهرستی از دوستان فرد مورد نظر و مراجعه به هر یک از آنها، می‌توانیم به تصویر مناسبی از گرایش‌های اختصاصی فرد مورد تحقیق دست یابیم و این اقدام می‌تواند ضعف موجود در روش‌های دیگر را برطرف نماید. نکته دیگر این است که شخصیت هر فردی را می‌توانیم از دوستان و دشمنانش به دست آوریم.

د. افراد حاضر در محل کار و همکاران

حضور در محل کار باعث می‌شود تا افراد بخش قابل توجهی از زندگی خودشان را با دیگران بگذرانند و از این طریق دیگران نسبت به خصوصیات و ویژگی‌های آنها آگاه شوند. افرادی که در محل کار حضور دارند، شامل: مدیران، همکاران، همکلاسی‌ها، اساتید و همسایگان محل کار هستند که فرد با آنها در ارتباط است یا در معرض مشاهده آنها قرار دارد. این منبع نسبت به اقوام و بستگان از سوگیری کمتری برخوردار است و واجد شرایط بی‌طرفی است. این منبع از این لحاظ اهمیت می‌یابد که می‌تواند نحوه زندگی اجتماعی و میزان سازگاری فرد با دیگران را به ما بشناساند.

با وجود آنچه بیان شد، بزرگ‌ترین ایراد این منبع، امکان دخالت بیش از اندازه برخی ویژگی‌های فرد در انجام وظایف سازمانی‌اش هنگام پاسخ‌دهی به پرسش‌ها است که گاهی می‌تواند گمراه‌کننده باشد. در این موارد گاهی فردی که مسؤول مستقیم این فرد است، به دلیل حسن انجام وظایف شخص مورد تحقیق، خود را موظف می‌داند که از او تعریف کند یا برعکس ممکن است مشکلات کاری را به ارزیابی کلی از او منتهی سازد و واقع‌بینانه قضاوت نکند.



شرایط منابع تحقیق

نخستین مسأله در انجام تحقیق، شناسایی افرادی است که آگاه و صادق باشند. اطمینان یافتن درباره این دو ویژگی تا حدّ زیادی ما را از صحت اطلاعات به دست آمده مطمئن می‌سازد. به همین دلیل در ابتدا لازم است ما از چندین مسیر درباره معتبر بودن اشخاصی که منابع تحقیق ما هستند، مطمئن شویم. این افراد باید از چندین ویژگی برخوردار باشند؛ آنها باید با دقت و غیرمسامحه‌گر، آگاه، صادق، بی‌طرف، فارغ از خصومت‌ورزی یا کینه‌توزی باشند. برخی افراد با وجود صادق بودن، مصلحت‌اندیشی می‌کنند و برخی حقایق و واقعیات را انکار یا کتمان می‌کنند. بنابراین همواره دقت کنید که آیا این فرد درصدد کتمان و انکار برخی واقعیات هست یا نه. شما می‌توانید این نکته را در خلال یک گفتگو با طفره‌روی او مشاهده کنید.

صداقت منابع تحقیق

برخی نشانه‌ها کمک می‌کنند تا به صداقت یا عدم صداقت منبع مورد تحقیق پی ببرید:

۱ هرگاه هنگام طرح یک پرسش دقیق، با سکوت، مردد بودن در پاسخ دادن، بازی با واژه‌ها و عدم تمایل فرد به پاسخ‌دهی روبه‌رو شدید، آن را به عنوان نشانه کتمان‌گر بودن فرد منبع و صحت داشتن مسأله مورد پرسش بشناسید. این مسأله به ویژه در مورد دوستان و بستگان می‌تواند صحت داشته باشد.

۲ یک منبع تحقیق تنها از این نظر ارزش دارد که مشاهدات خود را به طور مستقیم برای ما بیان می‌کند؛ البته او می‌تواند اطلاعات اضافی مانند قضاوت خود و استنباط خود را نیز اضافه کند؛ اما ما نباید این دو حیطة را با یکدیگر اشتباه بگیریم و ضروری است که آنها را به اندازه کافی از یکدیگر متمایز سازیم.

۳ هرگاه با واژه‌هایی همچون «خوب»، «بد»، «متعادل» و مانند آن روبه‌رو شدید، درباره آنها توضیح بیشتری درخواست کنید. این واژه‌ها مبهم هستند و نیاز به توضیح دارند؛ چون افراد منظوره‌های متفاوتی را از این واژه‌ها دارند و برداشت‌های افراد هم از این واژه‌ها متفاوت خواهد بود.

۴ هنگامی که در حال پرس‌وجو هستید و مشاهده می‌کنید که او از پاسخ‌دهی به یک یا چند پرسش طفره می‌رود، او را حساس نکنید و به رفتار تدافعی وادار نسازید. لکن در آن مورد از منابع دیگر جستجوی بیشتری انجام دهید.



روش جمع‌بندی اطلاعات دریافتی

پس از دریافت اطلاعات از منابع گوناگون ما با مطالب ضد و نقیضی روبه‌رو خواهیم بود که می‌تواند این اطلاعات را ردّ یا تأیید نماید. در این شرایط نیاز به جمع‌بندی خواهیم داشت.

این مسأله چندان دور از انتظار نخواهد بود که ما نهایتاً با انبوهی از اطلاعات روبه‌رو باشیم که برخی از آنها به صورت کلی یا جزئی در تضاد و تناقض با یکدیگر باشند. چنانچه دوستان و مخالفان فرد، یک ویژگی یا خبری را به طور یکسان مطرح می‌سازند می‌توان درباره آن به اطمینان کامل رسید. عکس این مطلب نیز صحت دارد و اگر هر دو، ویژگی خاصی را ردّ کردند می‌توان درباره صحت آن اطمینان حاصل نمود. در تمام موارد، گواهی افراد مورد اعتماد و الزاماً آگاه، بر حرف یا اظهارات دیگر برتری خواهد داشت؛ مگر آنکه فرد مورد اعتماد، بی‌اطلاع باشد یا صرفاً گمان می‌کند که اطلاع دارد، اما در واقع ما مطمئن هستیم که او را فریب داده‌اند و هرگز امکان دستیابی به اطلاعات را نداشته است.

اما گاهی ما با اطلاعات نه متناقض اما متضاد روبه‌رو می‌شویم؛ مثلاً عده‌ای می‌گویند «قبلاً نامزد داشته است و نامزدش به دلیل بدرفتاری او را رها کرده است» و عده‌ای دیگر می‌گویند «نامزدش به دلیل وضعیت اشتغال نامعلوم از او جدا شده است»؛ در اینجا مسأله نارضایتی بین او و نامزدش آشکار می‌گردد و درباره آن مطمئن می‌گردیم و این مسأله را به عنوان موضوع تحقیق به مجموع پرسش‌های خود اضافه می‌کنیم و درباره آن به تحقیق می‌پردازیم. اما هنوز هم برای رسیدن به یک نتیجه قطعی زود است.

همیشه از محقق بخواهید درست همان مطلبی را که شنیده است برای شما نقل کند و بدون اعمال هرگونه قضاوت و ارزشیابی شخصی آنها را ارایه نماید.

پرسش‌های تحقیق

آماده‌سازی پرسش‌های تحقیق توسط فرد خواستگار یا فردی که داوطلب ازدواج است، پیش از مراجعه برای تحقیق مسأله‌ای ضروری است. این اقدام موجب می‌شود تا محقق طی کوتاه‌ترین زمان ممکن، مناسب‌ترین پرسش‌ها را مطرح سازد و در میان انبوه اطلاعات فرد مورد تحقیق سرگردان نشود. از سوی دیگر، این اقدام باعث می‌شود تا اهداف خاصی را برگزینید و گفتگویی هدفمند را ترتیب دهید و محقق از گفتگوهای پراکنده دور بماند. مهم‌ترین این موارد عبارتند از:

- ۱ خصوصیات فرد
- ۲ خصوصیات افراد خانواده
- ۳ مشاجرات درون خانواده و نزاع با همسایگان و افراد دیگر
- ۴ نوع روابط والدین و فرزندان با یکدیگر
- ۵ روابط والدین با یکدیگر
- ۶ خصوصیات افرادی که با خانواده یا فرزندان معاشرت می‌کنند.
- ۷ روابط اجتماعی خانواده با افراد و خانواده‌های دیگر
- ۸ بارزترین ویژگی‌های هر یک از اعضای خانواده (خوب یا بد)
- ۹ نوع پوشش اعضای خانواده
- ۱۰ مشکلات و نابهنجاری‌های خانواده و هر یک از اعضای آن
- ۱۱ وضعیت مذهبی فرد مورد نظر، والدین و هر یک از افراد خانواده
- ۱۲ مشکلات اخلاقی و انحرافات اجتماعی
- ۱۳ امور مالی، معیشتی و اقتصادی خانواده
- ۱۴ سرگرمی‌ها و تفریحات



انجام تحقیق ممکن است چندین روز به طول بیانجامد. به همین دلیل گاهی دختر یا پسر یا خانواده آنها در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری عجله به خرج می‌دهند و در همان نخستین روز تحقیق به یک پاسخ منفی یا مثبت قطعی می‌رسند. این در حالی است که برای رسیدن به یک نتیجه مناسب، ما باید تمام منابع مورد اشاره را طی کنیم و آن را به طور ناقص رها نسازیم. در این‌گونه موارد اعتماد به حدس و گمان زیان‌آور است و باید تا روشن شدن هر مطلبی دقت و حوصله داشته باشیم.

مر اجعه به مشاور



همان‌گونه که بیان شد، نمی‌توان ازدواج را به عنوان مقوله‌ای «شناسی» قبول کرد که تنها بعد از انتخاب می‌توانیم از درون آن آگاه شویم. تمام مسیرهایی که تاکنون پیشنهاد شد، راهی برای یک «انتخاب عاقلانه» بود، اما به هر حال هر یک از روش‌ها دارای نقص و کاستی‌هایی بود که برخی راه‌های جبران‌کننده نیز برای آنها مورد اشاره قرار گرفت. با این همه، نقص‌ها همچنان باقی هستند و ما نمی‌توانیم شخصاً تمام خصوصیات فرد مقابل را شناسایی کنیم و از این نظر برخی متخصصین برای بررسی آنها آموزش‌هایی ویژه دیده‌اند.

ارایه نتیجه و پاسخ‌دهی

پس از تمام بررسی‌ها طرفین باید نتایج بررسی‌ها را با در نظر گرفتن مصالح گوناگون به اطلاع یکدیگر برسانند. پاسخ دادن به درخواست ازدواج دیگران، محدود به یک زمان خاص است. بنابراین، به تأخیر انداختن یک پاسخ به خواستگار، عملاً به معنای پاسخ منفی، منصرف شدن یا عدم تصمیم درباره ازدواج تلقی می‌شود. برخی از دختران و پسران هنگام ارایه پاسخ منفی با این ترس روبه‌رو هستند که مورد غضب خداوند قرار بگیرند و خداوند نظر خود را از آنها برگرداند. توجه داشته باشید که انتخاب حق شمامست البته از این حق، عاقلانه و به‌درستی استفاده کنید و بدون دلیل سخت‌گیری نکنید. یکی از مهم‌ترین نکات، هنگام ارایه پاسخ منفی آن است که کیفیت این پاسخ باید به گونه‌ای تنظیم شود که منجر به رنجش خاطر، هتک حرمت یا از دست رفتن حیثیت فرد مقابل اعم از دختر، پسر یا خانواده او نشود. اما این امر هیچ ارتباطی به میزان ظرفیت فرد مقابل ندارد؛ چراکه گاهی افراد مقابل زودرنج هستند و با وجود آنکه هیچ‌گونه سوءرفتاری نسبت به آنها صورت نگرفته است، باز هم رنجیده‌خاطر می‌گردند. روشن است که در این موارد شما هرگز مقصر نیستید و تصمیم درست و عاقلانه نباید موجب نگرانی شما یا پدید آمدن احساس گناه در شما شود.

تحقیق درباره یکدیگر

ما برای پذیرفتن فرد دیگر به عنوان همسر به چیزی بیش از حمل بر صحت و نگاه گذرا و امثال آن نیاز داریم. به همین دلیل بسنده کردن به این که «ما چیز بدی از او سراغ نداریم!» نباید ملاک انتخاب قرار گیرد. ما باید در مورد یکدیگر احراز صلاحیت کنیم. هر چقدر افرادی که از آنها پرس و جو می‌کنیم دارای رابطه صمیمانه‌تری با فرد مورد نظر باشند، تأیید آنها دارای اعتبار کمتری خواهد بود. گاهی به دلیل دور بودن راه، منصرف شده‌ایم و نتیجه آن محروم ماندن از بخشی از واقعیات است که می‌توانست پیش از ازدواج ما را از قرار گرفتن در یک مسیر نادرست بازدارد.

معتبرترین منابع جستجو، افراد سرشناس و چهره‌های شاخص محلی هستند. ائمه جماعات مساجد نیز معتبر و مهم هستند. کسبه محلی و افرادی که اغلب به امانت‌داری و سایر خصایص مثبت مشهور هستند، برای تحقیق مناسبند. به آنها مراجعه کنید. مراقب تبانی افراد به نفع فرد مورد تحقیق یا بر علیه او باشید.

هرگز به این مسأله که فرد مذکور توسط یک سازمان مورد پذیرش قرار گرفته است و پس از انجام تحقیقات متعدد گزینش شده است اعتماد نکنید. اینها دو مسأله

کاملاً جداگانه هستند و گزینش

توسط یک نهاد نمی‌تواند

مبنای مناسبی برای یک

زندگی مشترک برای تمام

عمر قرار گیرد. فراموش نکنید

که افراد در محل کار خود با

یک نقش سازمانی رفتار می‌کنند

و ممکن است بخشی از واقعیات

در پشت این نقاب نقش، پنهان بماند.

بنابراین تأکید انحصاری بر یکی از این

راهها، حتماً شیوه‌ای ناقص و ناکارآمد خواهد بود.

و تحقیقات همه جانبه و دقیق باعث خوشبختی ما

در زندگی مشترک خواهد شد.

متعهد شدن نسبت به یکدیگر پیش

از شناخت کامل

یکی دیگر از مسایل که به دلیل کم‌تجربگی دختر و پسر و گاهی خانواده‌های آنها روی می‌دهد، آن است که پسر و دختر در طی زمان، تدریجاً به جای ارزیابی و شناخت یکدیگر، به اشتباه، به ایجاد یک رابطه عمیق عاطفی دست می‌زنند و درگیر یک رابطه صمیمانه می‌شوند که البته با خطرپذیری بالایی روبه‌رو خواهد بود. این دو خواسته اساساً با هم متفاوت هستند. آشنایی به منظور پیگیری، بررسی و درنهایت انتخاب یا عدم انتخاب فرد مقابل، کاملاً متمایز از برقراری رابطه‌ای بدون هدف یا با هدف ارضای کمبودهای عاطفی، جنسی و یا سپری کردن اوقات است. این‌گونه روابط عاشقانه امکان بررسی دقیق و انتخاب عاقلانه را سلب می‌کند و احتمال پاسخ‌های مثبت بر اساس یک شناخت ابتدایی بسیار زیاد خواهد بود و روشن است که درگیری احساسات و عواطف برای ارایه یک پاسخ مناسب ناکافی خواهد بود.





فصل ۴ معیارهای انتخاب همسر

الف) معیارهای اصلی انتخاب همسر

هر ازدواجی حداقل باید از چهار جنبه تضمین شود. این شروط به عنوان حدّ نصاب برای ارایه پاسخ مثبت هستند؛ اما افراد می‌توانند شروط دیگری را به این موارد بیافزایند. بنابراین سایر شروط کاملاً در اختیار افراد بوده و می‌توانند بنا بر عقیده شخصی یا سلیقه شخصی خود رفتار کنند.

۱- سلامت دینی:



سلامت دینی به معنای آن است که نه تنها دین‌داری ضروری است؛ بلکه فرد باید در دین‌داری خود نیز رفتاری معقول و خردپسندانه داشته باشد. حدّ نصاب دین‌داری، عامل بودن به ارکان دین مثل انجام واجبات، مانند به‌جا آوردن نماز و روزه و ترک محرمات از قبیل دوری از آلودگی‌ها است. پیامبر اکرم (ص) به شخصی که می‌خواست ازدواج کند، فرمودند: بر تو باد که همسر دین‌دار بگیری^(۱). در مورد

دیگری فرمودند: «کسی که با زنی به خاطر ثروتش ازدواج کند، خداوند او را به حال خودش وا می‌گذارد و کسی که فقط به خاطر زیبایی با زنی ازدواج کند، در او امور ناخوشایند خواهد دید. کسی که به خاطر دین و ایمانش با او ازدواج کند، خداوند همه آن امتیازات را برایش فراهم خواهد کرد»^(۲).

۲- سلامت عقلی:

وجود توان عقلی متناسب و هم‌گون میان همسران برای درک مسایل عمومی زندگی و رفتار سازگارانه ضروری است.



۳- سلامت روان:



عدم ابتلا به بیماری‌های روانی مانند افسردگی، وسواس اجباری، جنون ادواری و اختلال دوقطبی، یا اختلالات مرتبط با بدبینی و سوءظن شدید و بی‌مورد یا روان‌پریشی و سایر اختلالات روانی مرتبط با آن نیز جزء شرط‌های ضروری برای تشکیل یک زندگی سالم و متعالی است.

۱. «علیک بذات الدین؛ وسائل، ج ۱۴، ص ۳۰.

۲. وسائل، ج ۱۴، ص ۳۱.

۳. «إذا جاءكم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه و ان لا تفلحوا تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر (وسائل، ج ۱۴، ص ۵۱).

■ ۴- سلامت اخلاقی:



برخورداری از سلامت اخلاقی همواره باید مدنظر قرار گیرد. این مسأله مورد توجه بزرگان دینی و امامان معصوم نیز بوده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: با کسی که اخلاق و دینش مورد پسند باشد، ازدواج کنید. اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد!^(۳). نمونه اخلاق بد، لجباجت و تک حرفی بودن، تکبر نسبت به همسر، بی‌ادب بودن، بی‌وفایی، کینه‌توزی، سوءظن داشتن، سبکی

و هرزگی، کم‌ظرفیتی و بی‌تابی، با محبت نبودن و بد چشم بودن است. یکی از شیعیان نامه‌ای خدمت امام رضا علیه السلام می‌نویسد تا درباره یکی از خویشاوندان خود که بد اخلاق است و اکنون خواستگار دخترش است، مشورت کند. حضرت در پاسخ فرمودند: «اگر بد اخلاق است دختری را به او نده»^(۱).

ممکن است فردی بخواهد سلامت بدنی را نیز جزء این شروط قرار دهد. این کاملاً شخصی بوده و الزامی نیست. به هر حال گاهی افراد توان روحی رسیدگی به یک فرد معلول را به عنوان همسر ندارند؛ همچنین شخصی ممکن است چنین ازدواجی را در طاقت خود نداند. در تمام این موارد باید به خواسته فرد با دیده احترام نگریسته شود. همچنین تناسب در زمینه‌های فرهنگی و معیارهای زیبایی‌شناختی (زیبایی ظاهری) و معیارهای مادی و اقتصادی از جمله مواردی نیستند که الزاماً به تنهایی یک زندگی را به سامان برسانند یا آن را متلاشی سازند. ما در این قبیل موارد می‌توانیم به بررسی‌های موجود درباره آسیب‌شناختی ازدواج مراجعه کنیم و سهم این عوامل را در زندگی معمولی مشخص سازیم. البته بر خلاف مطالعات آسیب‌شناختی، مواردی نیز وجود دارند که در آنها با وجود برخی ناهمگونی‌ها، یک ازدواج همچنان پایدار مانده است. این موارد خواه آنها را استثنا بدانیم یا ندانیم، نمی‌توانند ما را وسوسه نمایند که افراد را به سوی آنها تشویق و تجویز نماییم. تفاوت عمده این قبیل شروط با شروط اصلی آن است که شروط و معیارهای اصیل هیچ جایگزینی ندارند؛ اما برای این موارد گاهی یک یا چند جایگزین وجود دارد که می‌تواند آن را جبران نماید. به هر حال موارد جبران کننده توسط روان‌پزشک، روان‌شناس و مشاور تعیین می‌شود و افراد نباید به صورت خودسرانه به ارزیابی بپردازند و اقدام کنند.

■ ۵- اصالت خانوادگی

شهرت، ثروت و موقعیت اجتماعی خانواده، به مفهوم شرافت خانوادگی نیست، بلکه منظور آراسته بودن خانواده به سجایای اخلاقی، اصالت، نجابت، پاکي و تدین خانوادگی طرفین است، زیرا ازدواج با یک فرد مساوی است با پیوند با یک خانواده و فامیل و ایجاد یک نسل. در ازدواج و انتخاب همسر، معقول نیست انسان گمان کند: «من قصد ازدواج با خود فرد را دارم و با خانواده او هیچ کاری ندارم». با این همه، این شرط در مواردی محدود با نقطه‌ای پیچیده روبه‌رو می‌شود؛ مثلاً دختر یا پسر یک خانواده لابلالی، مستقل از خانواده خودش زندگی می‌کند و مسیر هدایت را برمی‌گزیند؛ روشن است که در این موارد پس از بررسی‌های لازم و تأیید اصالت این تفاوت و بررسی میزان تحمل خود، می‌توان نگاهی مثبت به چنین ازدواجی داشت و البته باید مشکلات دور ساختن فرزندان از چنین خانواده‌ای و بسیاری از مشکلات دیگر را تحمل نمود.

ب) معیارهای فرعی انتخاب همسر

این دسته از معیارها از این نظر فرعی نامیده می‌شوند که جزء اصول نیستند و نقش اساسی در ارتباط زناشویی ندارند. افراد بر حسب معیارهای خودشان ممکن است، برخی از آنها را پذیرفته و وارد زندگی مشترک شوند و در صورت توانمندی‌شان، هیچ مشکل اصلی برای زندگی مشترک‌شان پدید نیاید.

زیبایی ظاهری



زیبایی و تناسب هر چه بیشتر اندام از جمله نعماتی است که خداوند به صورت کم و بیش به افراد عطا نموده است اما به تنهایی نمی‌تواند ملاک مهمی برای ازواج موفق تلقی شود. تناسب اندام، زیبایی صورت، قد و قامت، رنگ پوست و بسیاری مواد دیگر، از جمله عواملی هستند که ملاکی برای زیبایی تلقی می‌شوند. اگرچه در روایات متعددی درباره لزوم در نظر گرفتن زیبایی همسر سخن به میان آمده است، اما در بسیاری از روایات دیگر نیز بر ایمان و تقوا تأکید شده است؛ چنانکه در روایتی از پیامبر اسلام آمده است: «زیبایی صورت زن را بر ایمان او ترجیح ندهید»^(۱).

به هر حال نباید از نظر دور داشت که هر چند جذابیت ظاهری می‌تواند زمینه مناسبی برای آشنایی و انتخاب اولیه باشد، اما الزاماً موجب پایداری ازدواج و احساس رضایت همیشگی از زندگی مشترک نخواهد بود. به همین دلیل باید به سایر عواملی که در تشکیل یک زندگی مشترک پایدار نقش مهم‌تری دارند، توجه بیشتری مبذول داشت. به همین دلیل هرگز زیبایی بر عواملی همچون ایمان، اخلاق، نجابت و پاکدامنی و مواردی مانند آن ترجیح داده نمی‌شود. اگر هر دو امتیاز در فردی جمع شده بود که بهترین شرایط است، اما در مواردی که در یک فرد زیبایی نسبی وجود دارد و ایمان در حدّ بالایی قرار دارد و در فرد دیگر زیبایی در حدّ بالا و مرتبه ایمان بسیار ضعیف است، گزینه نخست مناسب‌تر خواهد بود.

بنابراین ضروری است در اندیشه خصوصیات اخلاقی فرد مقابل باشید و از شروط اساسی چشم‌پوشی نکنید، حتی در بسیاری از موارد که معیارهای سختی در نظر گرفته‌اید که دستیابی به این حدّ از زیبایی امکان‌پذیر نباشد، لازم است به میزان نسبی زیبایی رضایت دهید و راه‌کارهایی را برای کنار آمدن با این موضوع انتخاب کنید. با این همه، اگر نمی‌توانید از این ویژگی اغماض کنید، نباید در خودتان احساس گناه راه دهید. به‌جای شرمساری، با خودتان و فرد مقابل صادق باشید

۱. قال رسول الله: لا یختار حسن وجه المرأه علی حسن دینها (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۰۱، ح ۴۴۵۹۰).

همسان همسری

یکی از مباحث مهم در همسرگزینی، همسان بودن زوجین است. واژه «کفو» به معنای شبیه و مانند است و در مسأله ازدواج تا حدی باید از نظر ظاهر و باطن بین دختر و پسر شباهت وجود داشته باشد. این امر مورد تأیید دین و علم نیز قرار گرفته است.

برخی افکار متعصبانه مبنی بر اینکه: «آنچه دین می گوید مهم است و نه آنچه علم می گوید»، ناشی از جهل است. علم به صورت استدلالی بر اساس تجارب بشری احتمال بروز اختلافات در زندگی را پیش بینی می کند و روشن است که دین بسیاری موارد مباح را در اختیار افراد قرار داده است؛ مهم ترین مرحله شباهت، باید در چهره دین داری جلوه کند به این معنا که از نظر دین اسلام، مؤمن هم کفو مؤمنه، و دین دار شبیه و مانند دین دار است. به فرموده قرآن مجید: «زنان پاک لایق مردان پاکند»^(۱). این پاکی در زنان و مردان در مرحله اول، پاکی و پاکیزگی باطن است، که عبارت از ایمان به خدا، قیامت، نبوت، قرآن و ملائکه و متخلق بودن به اخلاق حق است^(۲).

در هر جامعه ای، همسانی بر اساس معیارهای فرهنگی آن جامعه ارزیابی و تعریف می شود. اسلام به عنوان دینی فرهنگ ساز، به طور کلی اصل همسان همسری را می پذیرد^(۳)، اما می کوشد الگوی جدیدی از آن ارائه دهد. در برخی روایات، کفو به معنایی غیر از همسانی به کار رفته است و ارزش هایی اساسی به نام «عفت وری» و «تأمین معیشت» مورد اشاره قرار گرفته است^(۴). بر طبق این الگو، همسانی اصولی زن و شوهر در ایمان و

در واقع بیشترین خطر برای افرادی است که نمی توانند از چهره فرد مقابل راضی باشند، اما آن را بر خود تحمیل می کنند و برای یک عمر خود را مورد ملامت و سرزنش قرار می دهند و یا به سرزنش و تمسخر همسر خود می پردازند. این افراد گاهی برای دستیابی به ثواب یا تقرب الهی به مسأله ای که ناملایم با طبع آنها است، پاسخی مثبت ارائه می دهند. اما از آنجا که این افراد در گزینش همسر با خودشان صادق نبوده اند، اغلب رضایت مندی اندکی از زندگی مشترک خود دارند. این افراد در طول زندگی مشترک، همواره خود را مورد ستم و ظلم می بینند و به همین دلیل به خود حق می دهند که به بد رفتاری با همسر بپردازند. در مواردی که فرد نسبت به چهره فرد مقابل راضی نیست، اشتباه بزرگ آن است که اطرافیان با اصرار، فرد را به این ازدواج ترغیب کنند و مدعی شوند که پس از ازدواج علاقه ایجاد و نازیبایی برطرف می شود؛ چون خطر آن زیاد است و نمی توان نسبت به آن مطمئن شد. یکی از مهم ترین عواملی که در تغییر کارکرد خانواده و دور شدن آن از آرامش تأثیرگذار است، ناآشنایی داوطلبان ازدواج با معیارها و ویژگی هایی است که باید در انتخاب همسر به دقت مورد توجه قرار گیرند.



۱. «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبَاتِ». (سوره نور: ۲۶)
 ۲. مردی از پیامبر (ص) سؤال کرد: با چه کسی ازدواج کنیم؟ ایشان فرمودند: «الاکفاء؛ کفوها» او پرسید: کفوها چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: «المؤمنون بعضهم اکفاء بعض؛ مومنان برخی کفو برخی دیگرند.» (وسایل الشیعه، ج ۱۴: ۳۹)
 ۳. قال النبی (ص و سلم: اذا جائکم الاکفاء فانکحوهن و لا تربصوا بهن الحدثان. ترجمه: وقتی که اشخاص هم شان به خواستگاری دختران شما آمدند، به آنها دختر دهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید (نهج الفصاحه، ص ۳۷، ح ۱۹۳).

بودن طبقه اجتماعی ذاتاً عیب محسوب نمی‌شود و بندگان خدا را بر دیگری برتری نیست، مگر در تقوا^(۳)؛ با این همه، فرهنگ خاص فرد مختص طبقه پایین اجتماع و رفتار متفاوت وی می‌تواند مورد اشکال طبقه مؤمنین دیگری که در سطح بالاتر هستند، قرار گیرد و این منجر به افزایش تنش و درگیری خواهد شد.

«عموم صاحب‌نظران بر اصل همسان همسری^(۴) به عنوان معیار عام گزینش همسر در جوامع گوناگون توافق دارند. بر اساس این اصل، افرادی که درصد ازدواج بر می‌آیند، معمولاً کسی را برای همسری برمی‌گزینند که از بیشترین همسانی و مشابهت با آنها برخوردار باشد» (بستان و همکاران، ۱۳۸۵).



اخلاق است^(۱). اما این قبیل روایات ممکن است مورد سوءتعبیر واقع شوند؛ بنابراین، توجه به این نکته ضروری است که هرگز نمی‌توان چنین استنباط نمود که هر مؤمنی می‌تواند با هر مؤمنه‌ای ازدواج کند و انتظار رضایت‌مندی در حدّ کامل وجود داشته باشد. نمی‌توانیم به صرف وجود برخی نشانه‌های ظاهری دین‌داری حکم کنیم که این فرد یک مؤمن واقعی است، چراکه ایمان هم دارای مراتبی است و بیشتر ناسازگاری‌هایی که مشاهده می‌شود، از نظر علمی نیز قابل تبیین و پیش‌بینی است و در بین افراد به ظاهر متدین رخ می‌دهد. متأسفانه برخی ناصحین و مصلحین اجتماعی که نسبت به این مسایل آگاهی ندارد، بدون هیچ سوءنیتی، با استناد به این قبیل آیات و روایات، صرفاً به ظاهر و یا ادعای دین‌داری بسنده می‌کنند و اشتباه‌ها سایر موارد لازم برای همسانی را در نظر نمی‌گیرند و افراد مورد مشورت خود را متحمل خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی می‌کنند. در واقع، بیشتر افراد جامعه که از سطحی کم‌وبیش متوسط، از ایمان بهره برده‌اند یا هرگز از آن بهره‌ای ندارند و یا مرتبه‌ای پایین از ایمان را دارا هستند، نمی‌توانند بر اساس ایمان و تقوا از نفس اماره فارغ بمانند و به ناهمسانی‌ها واکنش نشان ندهند. این افراد در مواقع بروز بحران‌ها، از این موقعیت‌ها به عنوان دستاویزی برای سرکوبی همسر خویش استفاده می‌کنند^(۲). بنابراین هیچ‌گونه تناقضی بین توصیه‌های علمی و توصیه‌های دینی وجود ندارد. برای مثال، اگرچه پایین

۱. امام صادق (ع): الكفو أن يكون عفيفاً و عنده يسار؛ ترجمه: کفو بودن مرد و زنی برای ازدواج همین است که او مردی پاکدامن باشد و از نظر مالی بتواند زندگیش را اداره کند (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۴).
۲. المومن کفو المؤمنة و المسلم کفو المسلمة؛ ترجمه: مرد مؤمن کفو زن مؤمن است و مرد مسلمان کفو زن مسلمان. (وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۲۳، ح ۲)؛ قال رسول الله (ص): المؤمن کفو المؤمنة؛ ترجمه: مرد مسلمان کفو زن مسلمان می‌باشد. (الکافی، ج ۵، ص ۳۳۵)
۳. الإمام الحسن (ع): لرجل جاء إلیه یستشیرة فی تزویج ابنته: زوجه من رجل تقی، فإنه إن أحبها أکرّمها و إن أبغضها لم یظلمها؛ ترجمه: امام حسن (ع) به مردی که با ایشان درباره ازدواج دختر خود مشورت کرد، فرمود: او را به مردی باتقوا شوهر ده؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد گرمایش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد، به وی ستم نمی‌کند (مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۴۶).
۴. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (سوره حجرات: ۱۳)؛ ترجمه: ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

۳ سطح هوشی و شناختی



آیا برای ازدواج به سطح بالایی از هوش همسرمان نیاز داریم؟
آیا هم‌ترازی در سطح هوش ضروری است؟

یافته‌های برخی پژوهش‌های اخیر چنان نشان داده‌اند که با افزایش سطح هوشی در زنان، بر کیفیت زندگی افزوده شده و بر طول عمر مردان نیز افزوده می‌شود. نتایج این یافته‌ها تا اندازه‌ای و نه به طور کامل می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد؛

چرا که وجود برخی مؤلفه‌های دیگری نیز ضرورت دارد که در این قبیل پژوهش‌ها مورد توجه قرار نگرفته‌اند. البته روشن است که مقصود اصلی، منع ازدواج افراد دارای هوش انتزاعی پایین نیست؛ بلکه بیشترین تلاش آن است تا هر فردی با هم‌سطح خود ازدواج نماید.

۴ سلامتی جسمانی



سلامت بدنی از جمله نعمت‌های الهی است و در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد. این ملاک اگرچه به اندازه تقوی و کرامت انسان اهمیت داده نشده، لیکن در جای خود مهم است و قابل اغماض نیست. زیرا برخی از بیماری‌ها قابل معالجه نیستند و گاهی ممکن است قابل سرایت باشند و یا بر سلامت فرزندان خانواده تأثیر بگذارند؛ در چنین شرایطی

باید از این ازدواج فاصله گرفت. گاهی بیماری جسمی به گونه‌ای است که همسر را درگیر مداوا و تحمل هزینه‌های گزاف نموده و از مسیر پیشرفت بازمی‌دارد که در این صورت باز هم باید به دقت درباره توان و تحمل خودتان بیاندیشید و بعد تصمیم بگیرید.

۵ وضعیت اجتماعی و فرهنگی



وضعیت اجتماعی نیز یکی از عواملی است که در ازدواج باید بدان توجه نمود. برخی طبقه اجتماعی را بر پایه سه عامل ثروت، قدرت و منزلت تعریف می‌کنند. هر یک از این عوامل، تأثیر فراوانی بر شکل‌گیری تمایزهای اجتماعی بر جای می‌گذارد و از این رو، مشاهده می‌کنیم که هر یک از طبقات مختلف اجتماعی، سبک زندگی خاص خود را دارد

و هنجارهای طبقاتی فراوانی در کارند که برقراری روابط صمیمی میان افراد متعلق به دو طبقه اجتماعی را دشوار می‌سازند. حتی در صورت برقراری ارتباط اجتماعی، باز هم این ارتباط به ظاهر صمیمانه پس از مدتی دچار ناسازگاری خواهد شد. حتی نظریه معروف روبرت وینچ، موسوم به نظریه نیازهای مکمل که گاه به عنوان رقیبی برای نظریه همسان مطرح می‌شود، این ادعا را مطرح می‌سازد که فرد در مرحله همسرگزینی از میان افرادی که در محدوده انتخاب او قرار دارند، کسی را برمی‌گزیند که بالاترین درجه ارضای نیازهایش را به وی نوید دهد.

۶ وضعیت قومی و نژادی

قوم و نژاد همچنان از عوامل تمایز محسوب می‌شوند و از این بالاتر، نگرش‌های قوم‌مدارانه هنوز از تأثیر زیادی برخوردارند. تفاوت‌های قومی و نژادی غالباً با تعصب و پیش‌داوری همراهند (بستان و همکاران، ۱۳۸۵) و وجود همین قالب‌های ذهنی منفی، مانعی برای نزدیک شدن افراد متعلق به دو گروه قومی یا نژادی به یکدیگر محسوب می‌شوند و حتی در صورت نزدیک شدن به یکدیگر باز هم زمینه برای بروز مشکلات بر اساس این قبیل سوگیری‌ها و پیش‌داوری‌ها رو به فزونی خواهد گذاشت.

در مورد انواع تفاوت‌های فرهنگی میان قوم، نژاد یا فرهنگ خودتان و فردی که قرار است به عنوان همسر آینده خودتان برگزینید، آگاه شوید. در غیر این صورت، روبه‌رو شدن با یک پدیده نامتداول ممکن است موجب شگفتی و پشیمانی شما شود. برای مثال: برخی اقوام ممکن است نسبت به رعایت برخی مسایل شرعی و دینی با دیده مسامحه بنگرند و این امر می‌تواند مشکلات جدی به بار آورد.

گاهی تفاوت در زبان و لهجه ممکن است احساسی ناخوشایند در شما ایجاد کند که از این نظر هم باید موضوع را بررسی نمایید. تفاوت در زبان، گاهی افراد را دچار سوءظن می‌کند که نکند درباره من گفتگو می‌کنند. برخی افراد نیز ممکن است از لهجه همسر خودشان در حضور دیگران دچار شرمساری شوند که لازم است یا تغییر دیدگاه دهند و یا از این ازدواج منصرف شوند.

۷ وضعیت اقتصادی

وجود میزانی از هم‌ترازی در وضعیت اقتصادی و مالی دختر و پسر لازم است. تفاوت میان سطح درآمد طرفین یا خانواده‌های آنها نباید چنان باشد که طرفین عملاً در دو طبقه اقتصادی کاملاً متمایز قرار داشته باشند. توجه داشته باشید که تفاوت‌های فرهنگی ناشی از شرایط مالی نیز به مسایلی خاص می‌انجامد. در موارد متعددی شاهد سرکوفت شوهر نسبت به زنی بوده‌ایم که از لحاظ اقتصادی در طبقه متوسط یا پایین اجتماع قرار داشته است و گاهی نیز زن نسبت به شوهر خود سرکوفت می‌زند که من در خانه پدرم از امکانات بالایی برخوردار بودم. این وضعیت با توانمندی خانواده دختر افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که ممکن است به ایجاد یک احساس حقارت در پسر بیانجامد. این مسأله می‌تواند به یک دسته

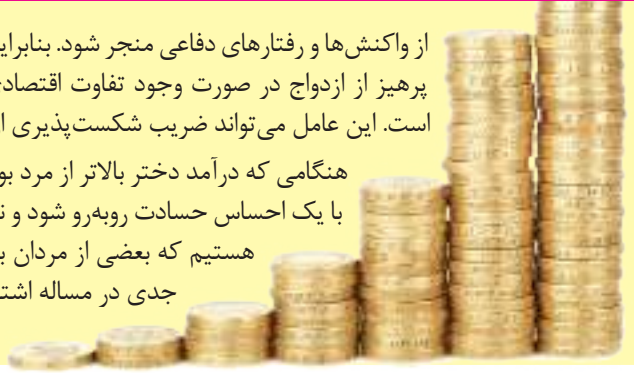
مسایل مرتبط با فرهنگ

فرهنگ به معنای جهان‌بینی، نحوه تفکر و نگرش ما به مسایل، و شیوه کلی رفتار کردن هر یک از ما بر پایه اندیشه ما است. برخی از عناصر سازنده فرهنگ توسط قوم، ملیت، و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم به ما انتقال می‌یابد و برخی موارد آن توسط نظام خانواده‌ای که در آن زندگی می‌کنیم فرا گرفته می‌شود. البته به تدریج با ورود به اجتماع و شکل گرفتن شخصیت برخی از عناصر آن را انتخاب می‌کنیم و نهایتاً نوعی از فرهنگ را برمی‌گزینیم.

در ازدواج، همسانی فرهنگی میان زوجین از اهمیت بالایی برخوردار است. به ویژه در جامعه ایران، فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های دینی است و گاهی تفاوت بین دو فرهنگ چنان بالا است که هر یک از دو فرهنگ در تضاد کامل با یکدیگر قرار دارند. این تفاوت ممکن است در خصوص برگزاری مراسم عقد، ازدواج یا مسایل مرتبط باشد. این‌گونه مسایل، اگرچه به اندازه خود دارای اهمیت هستند، اما تکرار ناشدنی بوده و دارای حساسیت به مراتب کمتری هستند. اما برخی خرده‌فرهنگ‌ها ممکن است قواعدی را برای کل روند و جریان زندگی توصیه کنند که برای یکی از طرفین قابل تحمل نباشد. ملاحظه می‌کنید که در این موارد مسأله ابعاد گسترده و فراگیری می‌یابد که نمی‌توان از این نحوه زندگی چشم‌پوشی کرد.

از واکنش‌ها و رفتارهای دفاعی منجر شود. بنابراین یکی دیگر از مسایلی که باید مورد توجه قرار گیرد، پرهیز از ازدواج در صورت وجود تفاوت اقتصادی چشم‌گیر میان سطح طبقه اقتصادی دو خانواده است. این عامل می‌تواند ضریب شکست‌پذیری ازدواج را افزایش دهد.

هنگامی که درآمد دختر بالاتر از مرد بوده و اشتغال او تثبیت شده‌تر باشد، ممکن است مرد با یک احساس حسادت روبه‌رو شود و نتواند با آن کنار بیاید. به همین دلیل گاهی شاهد آن هستیم که بعضی از مردان بی‌دلیل مانع اشتغال زن‌شان می‌شوند و یا اختلافات جدی در مساله اشتغال زن دارند.



۸ وضعیت مذهبی و دین‌داری



با توجه به اهمیت مذهب و معنادار بودن آن در ایران، نباید همسانی زوجین در مذهب را نادیده انگاشت. بر اساس تحقیقات متعدد در میان دانشجویان و جمعیت‌های گوناگون، مهم‌ترین ملاک برای همسرگزینی از نظر دانشجویان دختر و پسر و افراد غیردانشجو، «مذهبی بودن» معرفی شده است. وجود تفاوت و اختلاف بیش از اندازه در این زمینه می‌تواند به مشاجرات و افت کارکردهای اصلی خانواده منتهی گردد. بنابراین، شایسته است، افرادی که از نظر مذهبی مقید هستند، با کسانی ازدواج کنند که آنها هم از این نظر تقید دارند. اما گاهی ممکن است درصدد باشید تا خودتان را در یک التزام قرار دهید تا به تدریج در مسیر پایبند شدن قرار بگیرید. در این صورت بهتر است این نکته را با فرد مقابل در میان بگذارید تا شخصاً درباره آن تصمیم بگیرد، چون گاهی ممکن است نتوانید به آنچه در ذهن‌تان دارید دست یابید. برای مثال:

- «آیا مذهب ما با یکدیگر متفاوت است؟»

- «آیا ما در سطح پایبندی به دین با یکدیگر تفاوت چشم‌گیری داریم؟»

مساله سلامت دینی قبلاً جزء اصول، مطرح شده و خوب است وضعیت مذهب و دین‌داری به همان اصول اصلی در معیار انتخاب منتقل شود.

۹ گرایش‌های سیاسی

همه افراد دارای علاقه ورود مستقیم به مسایل سیاسی نیستند. اگر طرفین هیچ علاقه‌ای به مسایل سیاسی ندارند و گرایش خاصی هم ندارند، توصیه به ازدواج از این نظر بلامانع است. اما اگر زوجین دارای دو بینش و گرایش سیاسی متضاد و متعارض باشند و آن را در جریان زندگی خودشان دخالت دهند و هرگز نتوانند از آن چشم‌پوشی کنند، بی‌تردید باید از چنین ازدواجی چشم‌پوشی نمایند. همچنین گاهی جانب‌داری از یک گرایش سیاسی خاص دارای تبعات و پیامدهایی است که به طور ناخواسته زندگی طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه طرفین را با یکدیگر درگیر می‌سازد؛ در این صورت نیز باید از این ازدواج ممانعت به عمل آید.

۱۰ سطح تحصیلات



نزدیک بودن سطح تحصیلات موجب نزدیک‌تر شدن افق‌های فکری زن و شوهر و مایه آرامش خانواده خواهد بود. از آنجا که تفاوت زیاد در سطح تحصیلات منتهی به تفاوت در اندیشه و فرهنگ طرفین نیز می‌شود، باید آن را در انتخاب همسر مدنظر قرار داد. این تفاوت در ابعاد کلامی، شناختی، رفتاری و نگرش‌های دو طرف کاملاً ملموس است.

افراد دارای تحصیلات عالی نسبت به بقیه مردم بینش‌ها و نگرش‌های متفاوتی دارند (بستان و همکاران، ۱۳۸۵) و همین تفاوت باعث می‌شود که رفتارهایی متفاوت از افراد فاقد این ویژگی داشته باشند. دغدغه‌ها و مسایل جاری آنها متفاوت از دیگران است و همین مایه برخی تفاوت‌ها و تغییر در هنجارهای آنها خواهد شد؛ در نتیجه، ترجیح می‌دهند بیشتر با کسانی رابطه برقرار کنند که در سطح تحصیلی مشابهی قرار دارند (بستان و همکاران، ۱۳۸۵). بر اساس موارد مشاهده شده، گاهی بعد از ازدواج، زمینه‌هایی که هیچ‌گونه ارتباطی به سطح تحصیلات ندارد، هم به میان آورده می‌شود و دست‌مایه اختلاف قرار می‌گیرند؛ چنان‌که ممکن است دختر دارای تحصیلات بالا در درون خود با این احساس روبه‌رو شود که: «ازدواج من با این مرد، لطفی در حق او بوده است؛ او در شأن من نبود و من حقیقتاً از روی دلسوزی و ترحم به ازدواج با او رضایت دادم». همچنین گاهی شوهری که از نظر سطح تحصیلات، در سطحی پایین‌تر از همسر خود قرار دارد، تمام رفتارهای همسر خود را مغرضانه تفسیر می‌کند و گمان می‌کند که همسرش قصد برتری‌جویی نسبت به او را دارد. اما اگر دو طرف قبلاً این‌گونه احتمالات را بحث کرده و بنا را بر سازش و درک یکدیگر بگذارند قابل حل است.

۱۱ فاصله سنی همسران

اگرچه از نظر اسلام تصریحی در این خصوص دیده نمی‌شود و اسلام هنجار خاصی را در این خصوص معرفی ننموده است، اما مطالعات و بررسی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مؤید این امر است که رعایت میزان فاصله سنی طرفین نیز یک از جنبه‌های مهم در سازگاری زناشویی و آرامش در زندگی مشترک است. یکی از هنجارهای مهمی که به سنّ دو زوج مربوط می‌شود و در بیشتر جوامع وجود دارد، این است که شوهر باید حدود یک تا ده سال از زن خود بزرگ‌تر باشد. عمومیت این هنجار در اغلب جوامع شرقی و غربی دیده می‌شود ولی در میزان این تفاوت، جوامع مختلف با هم متفاوتند و حتی جامعه واحد نیز در طول زمان دچار تغییراتی می‌شود (بستان، ۱۳۸۵). بر اساس شواهد آسیب‌شناختی، رعایت این فاصله در جامعه ایرانی نباید بیشتر از ۸ سال باشد.

اگر چه اختلاف سنی در سنین بالاتر تابع برخی قواعد دیگر نیز می‌شود (مثلاً اینکه آیا دختر خواستگاری دیگر خواهد داشت یا از آن پس رو به افول می‌گذارد و این آخرین شانس دختر باشد که موقعیت نیاز به بررسی دارد و ...) و واقعاً نمی‌توان تنها همین یک مورد را مبنای تصمیم قرار داد، اما هنگامی که سن دختر خیلی بیش از سنّ پسر باشد و علاوه بر آن فاصله سنی طرفین نیز بیش از ده سال باشد، مسأله واقعاً پیچیده و دشوار می‌گردد و نمی‌توان به این ازدواج رأی مثبت داد.

این یک واقعیت است که تفاوت سنی میان همسران نباید زیاد باشد. چنانچه این تفاوت به بیش از ده

بیشتر بودن سن دختر

منظور از بیشتر بودن سن دختر شامل مواردی است که این تفاوت فاحش باشد و در این موارد هیچ‌گاه نمی‌توان چنین ازدواجی را توصیه نمود. اگرچه این مسأله توسط آموزه‌های دین اسلام مورد نهی و تأیید قرار نگرفته است، اما متأسفانه بزرگ‌تر بودن سن ازدواج دختر همواره دارای برخی مشکلات بوده است که احتمال رضایت‌مندی زناشویی را کاهش می‌دهد. این مسأله به عنوان یک مسأله عمده می‌تواند مطرح گردد و معمولاً هیچ مسأله دیگری نمی‌تواند این ضعف عمده را برطرف سازد. وجود برخی موارد استثنایی و ازدواج پیامبر اسلام (ص) با حضرت خدیجه (ص) هرگز نمی‌تواند موجب تجویز چنین ازدواج‌هایی باشد یا آنکه بتواند ضعف‌های آشکاری که در این قبیل ازدواج‌ها وجود دارد را جبران نماید. چراکه میزان ایمان و اطاعت آن دو وجود شریف قابل مقایسه با بسیاری از افراد نیست. در هر صورت، هرگونه ترغیب به این قبیل ازدواج‌ها ممکن است زندگی مشترک را با آشفتگی‌های خانوادگی روبه‌رو سازد. به طور عمومی، حتی وجود برخی ویژگی‌های مهم مانند پاک‌دامنی و متدین بودن فرد و مسایلی از این دست موجب تجویز و ترویج چنین ازدواجی نخواهد شد. در خصوص این مسأله باید جدی باشید و از هرگونه تردید فارغ بمانید؛ در غیر این صورت باید از آمادگی‌های روانی و دینی خاصی برخوردار باشید که برخی مخاطرات آن را پشت سر بگذارید که البته امری دشوار است.

سال برسد، شاهد تفاوت زیادی در رغبت‌ها، نگرش‌ها، گرایش‌ها و آستانه تحمل زوجین خواهیم بود. یکی از موارد مربوط به نگرشی است که هر یک از دو طرف نسبت به مسایل و موقعیت‌های زندگی دارند که کاملاً متفاوت از یکدیگر خواهد بود.

چنانچه اختلاف سنی پسر و دختر تا آن اندازه باشد که همسران نتوانند محدودیت‌ها و عواطف ناشی از مرحله رشد یکدیگر را در نظر گیرند، باز هم با یک وضعیت بحرانی روبه‌رو خواهیم بود؛ مثلاً انجام برخی رفتارهای عاشقانه تغلیظ شده برای افرادی که از حدّ سن خاصی فراتر رفته‌اند، قابل پذیرش نیست. در واقع، در این نوع ازدواج‌ها، «تفاوت نسل» در میان است که یک ایراد اساسی در ازدواج پدید می‌آورد. گاهی در اختلاف سنی بیش از ده سال، گویا دو نسل را در کنار هم قرار می‌دهد و بنا به دلایل متعدد نامناسب خواهد بود.

دختران و پسرانی که برای نخستین ازدواج خود اقدام می‌کنند، چنانچه بین ۱۸ تا ۳۰ سال سن دارند، حداقل اختلاف سنی ۲ تا ۳ سال است. این میزان هر چه به تساوی نزدیک‌تر باشد، از مطلوبیت پایین‌تری برخوردار است. اما حداکثر اختلاف سنی برای این افراد بین ۵ تا ۷ سال - با برتری سن پسر - است که از لحاظ روانی، فیزیولوژیکی و سایر موارد برای این افراد کاملاً مناسب است. از فرمایش پیامبر اکرم، که می‌فرماید: «با دختران جوان ازدواج کنید که آنها خوش‌خوتر هستند!» می‌توان چنین برداشت کرد که هر اندازه فرد جوان‌تر باشد، توان و حوصله بیشتری برای همراهی و هماهنگی با همسر خود را دارد.



مسأله تعیین میزان مهریه

متأسفانه اغلب افراد بینش درستی نسبت به مهریه ندارند و گاهی اگر فامیل عروستند، طرفدار مهریه بالا و اگر فامیل دامادند، طرفدار مهریه پایین هستند. این نوع دیدگاه‌های دوگانه و یک بام و دو هوا را گاهی در ازدواج‌ها شاهد هستیم. یک استدلال مناسب آن است که مهریه چه اندک باشد چه زیاد، هرگز نمی‌تواند تضمین‌کننده موفقیت و پایدار ماندن ازدواج باشد. اگر همسرمان فرد مناسبی نباشد، کم یا زیاد بودن مهریه تفاوتی ندارد. مردم عموماً علاقمند هستند تا به مسایل پیچیده، پاسخ‌های بسیط مطلق مثبت یا منفی بدهند و این در حالی است که مناسب‌ترین پاسخ‌ها تفصیلی هستند و باید با توجه به شرایط گوناگون در نظر گرفته شوند. مهریه نیز از جمله مواردی است که برخی مطلقاً با اندک بودن آن موافق هستند و مهریه سنگین را نامناسب می‌دانند. در مقابل افرادی دیگر، مهریه اندک را مایه بی‌ارزشی دختر تلقی می‌کنند. هر یک از دو طرف استدلال خاص خود را ارایه می‌کنند؛ اما این دو پاسخ افراطی نسبت به گزینه مهرالمثل نمی‌تواند راه‌گشا باشد. افرادی که مخالف مهریه‌های سنگین و موافق مهریه‌های اندک هستند، علاوه بر تمسک به روایات متعدد، چنین استدلال می‌کنند که اگر شوهر فردی نامناسب باشد، می‌تواند با استفاده از انواع ترفندها و بدرفتاری‌ها زن را به بخشش مهریه و نجات دادن جان خویش وادار سازد؛ بنابراین مهریه سنگین نمی‌تواند تضمین کافی را برای جلوگیری از طلاق فراهم سازد. وانگهی، مهریه سنگین ممکن است موجبات دلخوری مرد و خانواده او را فراهم آورد و پس از ازدواج، برخی ناسازگاری‌ها و رفتارهای خصمانه را پدید آورد. بهترین مهریه آن است که در حد اعتدال بوده و توسط خود پسر و دختر اندازه‌گیری و مطرح شود.



برخی از مهم‌ترین مسایلی که در آسیب‌شناسی این مسأله کاملاً متداول و شناخته شده است، عبارتند از:

❖ فشار اجتماعی، نفوذ و طعنه و کنایه‌هایی که هر یک از زوجین با آن روبرو خواهند بود، گاه طاقت‌فرسا بوده و اغلب منجر به شکست مقاومت روانی یک یا هر دو طرف خواهد شد.

❖ عدم توانایی پذیرش اصل ازدواج و اینکه خانواده طرف مقابل دختر را متهم به فریب دادن فرزند خود می‌کند.

❖ وجود احساسات و نگرش‌های متفاوت افراد نسبت به مسایل گوناگون که به وضعیت سنی، شرایط بدنی و روانی هر یک از دوره‌های رشد بستگی دارد.

❖ عدم پایبند ماندن پسر نسبت به زن و تلاش برای برقراری ارتباط با دختران جوان‌تر از همسر خود کاملاً مورد انتظار است. فکر کردن به این نکته که من جوان و خوش‌تیپ هستم، می‌تواند فرد را به سوی روابط خارج از خانواده ترغیب نماید.

❖ پیش‌فرض‌ها و افکار قالبی هر یک از طرفین نسبت به دیگری از قبیل: «ناپختگی پسر» یا «رفتار مادرانه خانم» که معمولاً هنگام مشاجرات پیش می‌آید.

❖ نگرانی دایمی خانم از بی‌وفایی شوهر جوان، نسبت به پیمان ازدواج و اینکه نکند که مورد فریب دختران جوان قرار گرفته و جذب آنها شود.

❖ کم شدن درخواست‌های جنسی زن و فعال بودن درخواست‌های جنسی مرد در چنین مواردی در سنین بالاتر مشکل اساسی چنین ازدواجی خواهد بود. زیرا به‌طور عموم امیال جنسی خانم‌ها زودتر از آقایان کاهش می‌یابد و به همین دلیل توصیه می‌شود که سن آقا ۳ الی ۵ سال بیشتر از خانم باشد.



بخش ۴

مراسم عروسی

برگزاری مراسم و تشریفات ازدواج

یکی از آموزه‌های دینی، لزوم برگزاری آشکار مراسم عروسی است. همچنین در خصوص تأکید بر این امر، رفتار پیامبر مکرم اسلام (ص) گواهی مناسب است؛ چنانکه نقل شده است روزی پیامبر گرامی اسلام از خانه‌های انصار صدای دف شنیدند، فرمودند چه خبر است؟ گفتند: ای پیامبر خدا! فلانی داماد شده است. حضرت فرمودند: «الحمد لله! ازدواج را علنی سازید.»

با این همه، صرف مخارج سنگین و زیاده‌روی در هزینه برای برگزاری مجالس مجلل، از مواردی است که عامل ازدواج هراسی شده و از سویی دیگر، اسراف بوده و تباه کردن اموالی است که خداوند در اختیار ما قرار داده است و آثار شوم آن نیز بعد از ازدواج، طعم خوش زندگی مشترک را بر کام زوجین تلخ می‌نماید و می‌تواند بخش زیادی از مشاجرات زوجین را تشکیل دهد. بنابراین هر کسی به اندازه توان و وسع مالی خود باید برای تسهیل این امر اقدام نماید.

دعوت میهمان‌ها

تهیه فهرستی از میهمانان همواره با دشواری‌هایی روبه‌رو است. شما باید بر اساس توان مالی خود و همسرتان، تعداد متناسبی از افراد را که به شما نزدیک‌تر هستند اعم از فامیل، دوستان، آشنایان و همسایگان دعوت نمایید. اما اگر در محدودیت مالی به سر می‌برید باید اولویت‌بندی نموده و برخی را به ناچار حذف کنید. بنابراین، ضرورتی ندارد که تمام دوستان‌تان را با درجات مختلف از آشنا تا صمیمی به عروسی دعوت کنید و تنها چند دوست بسیار صمیمی برای دعوت شدن کفایت می‌کند.



شرایط برگزاری جشن‌ها و مراسم



حضرت رسول (ص) در جریان ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) فرمودند: «شادی کنید؛ اما کاری که مورد رضایت خدا نیست، انجام ندهید». از این نظر، توجه به آداب و احکام شرعی و پرهیز از اختلاط نامحرم مایه برکت در زندگی مشترک و مأمونی برای تربیت فرزندان در دامن والدینی شایسته خواهد بود. در خصوص برگزاری شادمانی در مجالس عروسی، دین اسلام آن را مورد توصیه قرار داده است، چنانکه نواختن دف را یکی از نشانه‌های تمایز بین آیین ازدواج و غیر آن قرار داده که نحوه آن را باید بر حسب احکام شرعی و فتاوی مراجع بزرگوار مورد بررسی قرار دهید.

در خصوص زمان برگزاری عروسی نیز آموزه‌های اسلامی شب را مناسب می‌دانند. دلیل آن را نیز امام رضا (ع) در روایت خود، به آرامشی که بر شب حاکم است، مستند ساخته‌اند: «ازدواج کردن در شب از سنت است؛ زیرا خداوند شب را مایه آرامش قرار داده است و زنان در حقیقت مایه آرامش هستند».

در خصوص ولیمه یا غذا دادن در جشن عروسی نیز تأکیدات فراوانی وجود دارد؛ چنانچه نبی مکرم اسلام فرمودند: «تنها در پنج چیز ولیمه است: ازدواج، ...». اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، جلوگیری از اسراف و ریخت‌وپاش است. تهیه چندین نوع غذا، نوشیدنی و دسرهای گوناگون مایه مباحات و سرافرازی نیست. همچنین ورود غذاها و نوشیدنی‌های حرام نیز از جمله مواردی است که این مجلس الهی را به سفره‌ای شیطانی مبدل می‌سازد که جدا باید از آن پرهیز نمود.

همچنین پرهیز از مزاحمت برای همسایگان و اطرافیان امری ضروری است و نباید برای برگزاری یک مراسم مستحب، مرتکب گناه شد. برای مثال: راه‌اندازی کاروان همراه عروس و داماد ذاتاً ایرادی ندارد، اما رفتارهای مخاطره‌آمیز و بستن معابر عمومی در نخستین شب زندگی مشترک، می‌تواند با ناراضیتی مردم همراه شده و آن را بدیمن سازد. لذا باید ترتیبی اتخاذ نمایید تا این قبیل مزاحمت‌ها صورت نگیرد.

آموزش پیش از ازدواج

مشاوره ازدواج با هدف دریافت ملاک‌های آمادگی هر یک از زوجین برای ازدواج و آموزش پیش از ازدواج برای کسب شناخت بیشتر شما درباره خودتان و نیز کسب آگاهی بیشتر درباره ازدواج و بررسی هدف شما از ازدواج صورت می‌گیرد. در واقع، یکی از وظایف متخصص مشاوره این است که به سوالات شما در تمام زمینه‌های ازدواج پاسخ داده و ابهامات شما را در هر یک از زمینه‌های مورد اشاره برطرف نماید. آموزش پیش از ازدواج را جدی بگیرید. متأسفانه هر یک از ما در طول دوره زندگی خود کمتر به فکر آن بوده‌ایم که علاوه بر فراگرفتن قوانین و قواعد علمی، وقت خاصی را به تحصیلات درباره قواعد و قوانین زندگی انسانی اختصاص دهیم. قواعد و قوانین دنیای فیزیکی با همه فواید و مزایایی که در بر دارد، صلاحیت اداره دنیای انسانی و روابط فی‌مابین را ندارد. این قواعد همان «مهارت‌های زندگی» هستند که عامل مناسبی برای ارتقا و بهبود روابط انسانی و پیشگیری از نابهنجاری‌ها و آسیب‌های روان‌شناختی به شمار می‌آیند.

ضرورت مشاوره روان‌شناختی پیش از ازدواج

دومین وظیفه مشاور، سنجش و بررسی میزان آمادگی شما بر اساس وضعیت رفتاری و شخصیتی شما و جنبه‌های متعدد است تا توانایی سازگاری با همسر و اداره زندگی مشترک را برای شما مشخص کند. روشن است که برخی موانع ممکن است در هر یک از ما وجود داشته باشد که فارغ از آنکه با چه کسی ازدواج کنیم، مایه سستی زندگی مشترک خواهد بود. در این صورت روان‌شناس پس از بررسی‌های متعدد از آن مطلع می‌شود و اقدامات لازم را برای تشخیص قطعی و نهایی انجام می‌دهد. شاید پیش از این، سطح توقعات افراد نسبت به بنیاد ازدواج، همسر و عواملی از این دست محدود بود؛ اما با گسترش ارتباطات و آشنا شدن با سبک‌های زندگی متنوع، سطح توقعات رو به فزونی گذاشته است.

افزون بر آن، امروزه با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی و خارج شدن از بافت سنتی و بومی، افراد به هیچ‌گونه سوابقی از فرد مقابل دسترسی نداشته و این مسأله انتخاب همسر مناسب را با یک خطرپذیری بالا روبه‌رو ساخته است. از این‌رو مراجعه به مشاور کارآموده و آگاه ضروری می‌نماید. بعضی از اموری که مشاور به آنها توجه می‌کند عبارتند از:

۱. سنجش و ارزیابی شخصیت طرفین به‌منظور اطمینان از سلامت روان

۲. سنجش خلق و خو و عوامل شخصیت به‌منظور دستیابی به میزان تناسب و هم‌خوانی دو طرف

۳. شناخت خویشتن و دستیابی به سبک رویارویی با مسایل

۴. اصلاح رفتار و بهبود سبک زندگی در صورت لزوم

۵. آموزش مهارت‌های عمومی لازم برای آغاز و ادامه زندگی مشترک

۶. انتقال تجارب به زوجین در حال انتخاب و تخصص مشاور و جمع‌بندی کلی شرایط موجود بر اساس شواهد علمی معتبر

در خاتمه به بعضی از مهارت‌های زندگی مشترک اشاره می‌کنیم.



مهارت ارتباط صمیمانه

هنگامی که صحبت از ارتباط مؤثر به میان می‌آید، ذهن ناخواسته بر نیاز به فنونی متمرکز می‌شود که توانایی ما را در گویندگی افزایش دهد؛ اما بر خلاف تصور ما، عمده‌ترین نیازها در روابط بین‌فردی و روابط صمیمانه، توانایی گوش سپردن به طرف مقابل است. در نتیجه، باید بدانید که عمده‌ترین مشکلات در زندگی مشترک، شکایت از عدم گوش دادن همسران به یکدیگر است. همچنین بسیاری از گوش سپردن‌ها فاقد کیفیت لازم بوده و باعث بروز سوءتفاهم می‌شوند که به اندازه خود مشکلاتی را به بار می‌آورند و طرف مقابل را دچار سوءظن می‌کند که نکند درباره من گفتگو می‌کنند.

مهارت همدلی با همسر

هدف از آموزش این مهارت، فراگرفتن مجموعه رفتارهایی برای رسیدگی به احساسات همسری است که در ناراحتی به‌سر می‌برد. یک اشتباه بزرگ که اغلب ما گرفتار آن هستیم، این است که به جای رسیدگی به احساس، صرفاً برای حل مسأله تلاش می‌کنیم تا با استفاده از ترتیب دادن بحث منطقی فرد را متقاعد کنیم که بالاخره باید با موقعیت موجود کنار آید و آن را بپذیرد. این واکنش ما نسبت به همسرمان باعث مضاعف شدن احساس ناراحتی وی خواهد شد؛ چون با خود گمان می‌کند که برای او و احساساتش ارزشی قابل نبوده‌ایم یا قادر به درک احساسات او نیستیم. یک مسأله به ظاهر بی‌اهمیت و ساده از طرف شما، ممکن است برای همسرتان بزرگ جلوه کند و او را آزرده خاطر سازد. بنابراین هرگونه تلاش برای ساده‌سازی مسأله را بی‌اهمیتی شما نسبت به خودش تلقی خواهد نمود. به عنوان مثال برای همسرتان عدم پذیرش در آزمون ورودی، گم شدن پرنده مورد علاقه‌اش، باخت در یک مسابقه و بحث در موقعیت کاری ممکن است غیرقابل تحمل باشد، اما شما با تحلیل ساده‌انگارانه برای کاهش دردهایش، بیشتر زمینه دلخوری او را فراهم می‌آورید. چون به احساسات او توجه نکرده‌اید و از راه اشتباه به تسکین او پرداخته‌اید.

آگاهی از مهارت‌های ویژه زندگی مشترک

مهارت‌های ویژه زندگی مشترک به مجموعه‌ای از مهارت‌ها گفته می‌شود که برای توانمندسازی و سازگاری زوجین ضروری است. حیطه‌های اصلی این مهارت‌ها شامل: مهارت‌های ارتباطی، شنونده مؤثر، مهارت همدلی و حل تعارض است. زوجین همچنین باید توانایی تجزیه و تحلیل افکار و رفتارهای خود را داشته باشند و در صورت مخرب بودن، آنها را متوقف سازند؛ از این نظر توجه به برخی مهارت‌های دیگر مانند: مهارت خودآگاهی، مهارت تفکر انتقادی و مهارت مقابله با خشم ضروری است. همچنین برای هر یک از ما ممکن است روزهای ملال‌آوری پیش آید که باید راه کنترل آن را بدانیم. از این نظر مهارت‌های مقابله با خلق منفی کارآیی دارد. همچنین نظر به لزوم ایجاد روابط صمیمی بین زوجین و مختصات گوناگون آن، مهارت عشق‌ورزی، مهارت پیش‌نوازی و ارتباط جنسی نیز ضرورت می‌یابد. کسب این مهارت‌ها علاوه بر مطالعه، مستلزم آموزش‌های خاصی است که امروزه برگزار می‌گردند. نتایج پژوهش‌های متعدد در سراسر دنیا حاکی از نتایج مثبت و اثربخش این مهارت‌ها در کاهش تعارضات و افزایش رضایت‌مندی زناشویی میان زوج‌ها است.



مهارت دستیابی به تفاهم

حل تعارض

۳

مشاوره ازدواج

مشاوره ازدواج برنامه‌ای است برای سنجش میزان تناسب زوجین با یکدیگر. نقشی که مشاور در این مقطع ایفا می‌کند در چند حیطه می‌گنجد. حیطه اول اینکه مشاور با استفاده از برخی پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها میزان تناسب یا عدم تناسب طرفین را مورد سنجش قرار می‌دهد. حیطه دوم برنامه شامل شناسایی مشکلات درونی است که می‌تواند هر یک از داوطلبان ازدواج را نامستعد برای ورود به هرگونه رابطه زوجیت نشان داده و به هر یک از طرفین مشکلات رفتاری، اختلالات بالینی یا اختلالات شخصیتی را که با آن روبه‌رو هستند شناسایی و اصلاح آن را گوشزد نماید. در این مقطع مشاور می‌تواند با احتمال بالایی، مشکلاتی را که زوجین - با در نظر گرفتن ویژگی‌های طرفین - پس از ازدواج با آن روبه‌رو خواهند بود یادآور شود و نهایتاً طرفین را به ازدواج یا عدم ازدواج و یا ازدواج مشروط به درمان و آموزش خاص راهنمایی کند.

زندگی مشترک به دلیل شدت ارتباط مملو از اختلافات و تعارض‌ها است. وجود تفاوت در باورها و نگرش‌ها، خواسته‌ها و تمایلات و سلیقه‌ها، ناشی از تفاوت در شخصیت افراد است. علاوه بر آن، گاهی محدودیت‌هایی نظیر محدودیت زمان، مکان، و محدودیت منابع نیز بر تفاوت‌های فردی افزوده می‌شود و بر شدت احتمال پدید آمدن تعارض می‌افزاید. در نهایت شدت ارتباط بین زوجین به حدی است که عملاً نمی‌توانید خود را از تعارض کنار بکشید. شما در اغلب ارتباط‌های دیگر می‌توانید، تقاضاهای فرد مقابل را نادیده قلمداد کنید و مطابق خواسته خود رفتار نمایید؛ برای مثال ممکن است، درخواست برادر یا خواهر خودتان را نادیده بگیرید و یا نسبت به تقاضای همکاران بی‌توجهی نشان دهید؛ اما در زندگی مشترک این نوع واکنش نسبت به تعارض، اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند و رضایت از زندگی مشترک را کاهش می‌دهد و تعارض را به سطح عمیق‌تری سوق می‌دهد. کنار آمدن با این قبیل موقعیت‌ها مستلزم فراگیری دسته‌ای از مهارت‌ها است که پیش از ورود به زندگی مشترک باید به آن بیاندیشید.

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم)، تهران: دنیای دانش، چهارم ۱۳۸۲.
۲. انتخاب همسر - خانواده موفق،
۳. بستان (نجفی)، حسین، و همکاران، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۴. بیابانگرد، اسماعیل، جوانان و ازدواج-اهداف، ملاکها، روشها، موانع و راهکارها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۵. حسین بن محمد تقی نوری، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت (ع)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹.ق.
۶. حسین خانی نائی، هادی، فرایند همسر گزینی، قم: انتشارت بنشاسته، ۱۳۹۱.
۷. حکیم آرا، محمد علی، ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۸. راس، آلن. ا، ترجمه: سیاوش جمالفر، روان شناسی شخصیت - نظریه ها و فرایندها، تهران: نشر روان، ۱۳۸۶.
۹. ساروخانی، ۱۳۷۰.
۱۰. سالاری فر (۱۳۸۵)، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. شمس اسفندآباد، حسن، روان شناسی تفاوت های فردی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۴.
۱۲. شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت (ع)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹.ق.
۱۳. فرگاس، جوزف. پی، ترجمه: خشایار بیگی و همکار، روانشناسی تعامل اجتماعی (رفتار میان فردی)، تهران: انتشارات ابجد، ۱۳۷۹.
۱۴. کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی (ج ۱-۳)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. محمد بن حسن الشریف الرضی، تحقیق و تصحیح: صبحی صالح، المجازات النبویه، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲.ق.
۱۶. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.ق.
۱۷. محمد بن حسین شریف الرضی، تحقیق و تصحیح: فیض الاسلام، نهج البلاغه، قم: هجرت، اول، ۱۴۱۴.
۱۸. مطلع مهر، امیر حسین بانکی پور فرد، اصفهان: حدیث راه عشق
۱۹. مهارت های ازدواج کارآمد
۲۰. وود، تی. جولیا، ترجمه: مهرداد فیروز بخت، ارتباطات میان فردی - روانشناسی تعامل اجتماعی، تهران:

انتشارات مهتاب، ۱۳۷۹.

۲۱. ویگ، هیش بارت، ترجمه: عطاء الله محمدی، اختلال شخصیت، تهران: کتاب ارجمند، ۱۳۸۸.

۲۲. همسرگزینی در ۲۰ گام

۲۳. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۰.

1. Lange, A., Schaap, G., & Van widenfelt, B. (1993). Family therapy and psychopathology: developments in research and approaches to treatment. *Journal of Family therapy*, 15, 113-146.
2. Reich, J., & Thompson, W. D. (1985). Marital status of schizophrenic and alcoholic patients. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 173, 499-502.
3. Winch, Robert. F. (1971) *the Modern Family*, New York: Holt, Rinehart and Winston, Inc.